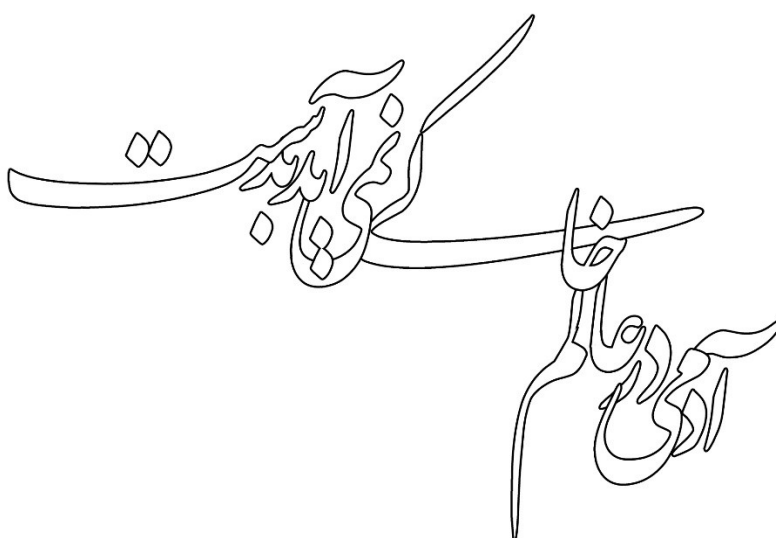




وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت جلد اول

• حقوق مدنی • حقوق جزا • متون فقه • حقوق اساسی



نام درس	تعداد سوال	از صفحه	تا صفحه
حقوق مدنی	۶۳۶	۴	۹۵
حقوق جزای عمومی و اختصاصی	۳۴۹	۹۸	۱۴۳
متون فقه / تحریرالوسیله (ویژه کانون وکلا)	۱۹۶	۱۴۶	۱۶۹
متون فقه / تحریر الروضه (ویژه مرکز وکلا)	۳۵۹	۱۷۲	۲۱۶
حقوق اساسی	۲۰۰	۲۱۸	۲۳۹

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.





وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق مدنی

دکتر لطفی

حقوق مدنی

اول- کلیات، اموال و مالکیت

۱- عقد وقف در کدام یک از موارد زیر، باطل است؟

- ۱) وقف مالی که نسبت به آن، شخص دیگری حق ارتفاق دارد.
- ۲) وقفی که به موجب اراده واقف، متضمن پرداخت نفقه زوجه او از منافع موقوفه است.
- ۳) وقف مالی که در اجاره شخص دیگری است.
- ۴) وقف مالی که میان واقف و موقوف علیه، مشاع است.

۲- در وقف بر مصالح عامه، اگر واقف تولیت را برای خودش قرار داده باشد: [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- ۱) قبض متولی صحیح است و قبض واقف نیز کفایت می کند.
- ۲) در حالتی که منافع ملک موقتاً متعلق به دیگری بوده باشد هم وقف صحیح است.
- ۳) اگر خود واقف مصداق موقوف علیهم واقع شود، می تواند منتفع گردد.
- ۴) همه گزینه ها صحیح است.

۳- اگر مالک برای حق انتفاع مدتی تعیین ننموده باشد:

- ۱) حق انتفاع با تلف شدن مال موضوع انتفاع از بین می رود.
- ۲) انتقال عین موضوع انتفاع به غیر، موجب بطلان حق انتفاع می شود.
- ۳) حق انتفاع با فوت هیچ یک از طرفین عقد موجد حق انتفاع، از بین نمی رود.
- ۴) مخارج لازمه برای نگهداری مال موضوع انتفاع برعهده منتفع است.

۴- واگذاری حق انتفاع اموال، وقف و اجاره اموال به ترتیب در کدام یک از اموال صورت می گیرد؟

- ۱) در اموال غیرمنقول مفروز و مشاع / در اموال غیرمنقول مفروز و مشاع / در اموال منقول و غیرمنقول مفروز
- ۲) هر سه در اموال منقول و غیرمنقول اعم از مشاع یا مفروز
- ۳) دو مورد اول در اموال منقول یا غیرمنقول اعم از مشاع یا مفروز و مورد سوم در اموال منقول یا غیرمنقول مفروز
- ۴) مورد اول در اموال منقول یا غیرمنقول مشاع یا مفروز و مورد های دوم و سوم در اموال منقول یا غیرمنقول مفروز

۵- در مورد حق انتفاع کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) در برخی اقسام حبس، قبض شرط صحت است.
- ۲) منتفع باید از مال موضوع حبس سوءاستفاده و تفریط نکند وگرنه حق او زایل می شود.
- ۳) انتقال عین موضوع حق انتفاع امکان پذیر بوده و منتقل الیه حق فسخ عقد موجد حق انتفاع را دارد.
- ۴) حق انتفاع برای معدوم به تبع موجود و نسبت به مال مشاع می تواند ایجاد شود همانند وقف.

۶- درباره «حق دینی» کدام مورد صحیح است؟

- ۱) موضوع حق می تواند یک شیء مادی باشد.
- ۲) اسباب ایجاد حق، محدود به موارد خاص است.
- ۳) متضمن حق تقدم برای دارنده آن است.
- ۴) در برابر همه قابل استناد است.

۷- کدام مورد مصداق غیرمنقول تبعی است؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- ۱) دعاوی که موضوع آن حق غیرمنقول است.
- ۲) خسارت وارد بر املاک و نیز اجرت المثل املاک
- ۳) تعهد به تسلیم ملک
- ۴) همه گزینه ها صحیح می باشند.

۸- شخصی به ادعای این که سابقاً کالایی را خریده است، مدعی مالکیت آن شده و استرداد آن را از متصرف فعلی درخواست می کند. کدام مورد صحیح است؟

- (۱) پس از اقرار متصرف به مالکیت سابق مدعی، متصرف در مقام منکر و مقرر له در مقام مدعی قرار می گیرد.
- (۲) با ارائه سند عادی خرید، بیع به عنوان سبب مملک، ثابت و به نفع دارنده سند، حکم می شود.
- (۳) اثبات مالکیت سابق مدعی، به موجب اقرار متصرف، مانع استناد به اماره تصرف است.
- (۴) اثبات مالکیت سابق، با هر یک از ادله اثبات دعوی، مانع استناد به اماره تصرف نیست.

۹- انتقال ملک توسط صاحب حق ارتفاق از طریق عقد بیع:

- (۱) به شرط تصریح به عدم انتقال حق ارتفاق به خریدار، این حق را برای بایع محفوظ می دارد.
- (۲) حق ارتفاق را زایل نمی کند بر خلاف حالت تقسیم ملک میان شرکای دارای حق ارتفاق.
- (۳) حق ارتفاق را زایل نمی کند بر خلاف تصرفات مالک ملک مورد حق ارتفاق، که می تواند موجب زوال این حق شود.
- (۴) اصولاً موجب زوال حق نمی شود به مانند حالت تقسیم ملک میان شرکای دارای حق ارتفاق.

۱۰- در خصوص تولیت و متولی موقوفات، کدام گزینه صحیح است؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) اصل بر عدم قابلیت تفویض بوده و اصل بر جواز توکیل نیست.
- (۲) تولیت تحت هیچ شرایطی قابل تفویض و واگذاری نیست.
- (۳) هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوطه به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد خواه شرط مباشرت متولی شده یا نشده باشد.
- (۴) اگر شرط مباشرت متولی نشده باشد ولی حق توکیل دارد، ولی اصل بر عدم جواز تفویض است.

۱۱- علی حق ارتفاق از ملک خود را به زهرا واگذار نموده و سپس آن را به مدت یک سال به حسین اجاره می دهد. اگر علی در صدد وقف این ملک به سعیده برآید در این حالت:

- (۱) در حالتی که این وقف به انگیزه فرار از ادای دین انجام شود، نیز صحیح است.
- (۲) وقف این ملک امکان پذیر است.
- (۳) تنها اگر موقوف علیهم را حسین و نسل های بعد او قرار دهد، چنین وقفی صحیح است.
- (۴) تنها اگر موقوف علیهم را زهرا و نسل های بعد او قرار دهد، چنین وقفی صحیح است.

۱۲- تصرفات صاحب ملک آنجا که موجب زیان صاحب ملک مجاور گردد، در چه صورت مجاز است؟

- (۱) هرگاه به مقدار متعارف باشد، هرچند برای رفع حاجت انجام نشود.
- (۲) آنجا که برای رفع حاجت یا رفع ضرر از متصرف صورت گیرد.
- (۳) هرگاه برای رفع ضرر از متصرف و به مقدار متعارف انجام شود.
- (۴) چنانچه به مقدار متعارف انجام شود، اگرچه برای رفع ضرر از متصرف هم نباشد.

۱۳- حق انتفاع بر معدوم و وقف بر معدوم به ترتیب چه حکمی دارند؟

- (۱) هر دو در حالتی که به تبع موجود واقع شوند، صحیح می باشند.
- (۲) هر دو باطل هستند.
- (۳) اولی باطل و دومی اگر به تبع موجود واقع شود، صحیح است.
- (۴) اولی اگر به تبع موجود واقع شود، صحیح بوده و دومی باطل است.

۱۴- کدام مورد، مصداق منقول محسوب می شود؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) دعوی مطالبه اجرت المثل هر نوع مال
- (۲) مطلق اشجار و شاخه های آن
- (۳) ثمره و حاصل
- (۴) مال الاجاره ملک استیجاری

۱۵- کدام یک از موارد زیر، موجب زوال حق انتفاع است؟

- (۱) در صورت انتقال حق انتفاع، بدون اذن مالک
- (۲) در صورت فوت مالک، اگر برای حق انتفاع، مدتی معین نشده باشد.
- (۳) در صورت تعدی و تفریط منتفع که موجب ضرر فاحش شود.
- (۴) در صورت انتقال ملک به غیر، بدون اذن منتفع

۱۶- تصرف متصرف فعلی به عنوان مالکیت منافع در چه حالت دلیلی بر مالکیت ذو الید، محسوب نمی شود؟

- (۱) آنجا که مالکیت سابق مدعی (غیر متصرف) از راه شهادت شهود، اثبات شود.
- (۲) جایی که مالکیت سابق مدعی (غیر متصرف) از راه اقرار متصرف، احراز شود.
- (۳) در حالتی که احراز نشود که تصرف وی ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی بوده است.
- (۴) در حالتی که تصرف وی بالمباشره نبوده و به توسط نمایندگان او صورت گرفته باشد.

۱۷- در وقف بر اولاد و وقف ملکی جهت بیمارستان، به ترتیب احکام قبول وقف و قبض عین موقوفه چیست؟

- (۱) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض طبقه اول موقوف علیهم / قبول حاکم و قبض متولی وقف در همه موارد.
- (۲) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض طبقه اول موقوف علیهم / قبول حاکم و قبض وی در همه موارد.
- (۳) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض ایشان / قبول حاکم یا متولی وقف و قبض وی.
- (۴) قبول طبقه اول موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن ها و قبض طبقه اول موقوف علیهم / قبول حاکم و قبض متولی یا حاکم حسب مورد.

۱۸- عقد وقف نسبت به کدام مال برقرار می شود؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) مالی که منافع آن دائماً متعلق به غیر است خواه مشاع باشد یا مفروز و منقول یا غیر منقول
- (۲) مالی که حق الارتفاق آن متعلق به دیگری است و صرفاً مفروز بوده خواه منقول یا غیر منقول
- (۳) عینی که قبض و اقباض آن توسط موقوف علیه امکان پذیر باشد خواه مشاع یا مفروز باشد نه دین و منفعت.
- (۴) مطلق اموال اعم از عین یا منفعت خواه مشاع یا مفروز و منقول یا غیر منقول.

۱۹- حسین به ادعای اینکه سابقاً زمینی را خریده است مدعی مالکیت آن شده و استرداد آن را از متصرف(جواد) درخواست می کند. کدام مورد صحیح است؟

- (۱) پس از اقرار جواد به مالکیت سابق حسین، جواد در مقام منکر و حسین در مقام مدعی قرار می گیرد.
- (۲) با ارائه سند عادی خرید، بیع به عنوان سبب مملک، ثابت و به نفع دارنده سند، حکم می شود.
- (۳) اثبات مالکیت سابق حسین به موجب اقرار جواد، مانع استناد جواد به اماره تصرف است.
- (۴) اثبات مالکیت سابق حسین با هر یک از ادله اثبات دعوی، مانع استناد به اماره تصرف نیست.

۲۰- حسین متصرف اتومبیلی است. در کدام مورد، تصرف وی به عنوان دلیل حقانیت او محسوب نمی شود؟

- (۱) تعارض تصرف وی در مقابل ادعای مالکیت عمومی و یا تعارض تصرف وی در برابر ادعای وقفیت سابق
- (۲) تعارض تصرف وی در برابر شهادت شهود بر مالکیت فعلی و یا تعارض تصرف وی در برابر اقرار او به مالکیت سابق مدعی مالکیت فعلی.
- (۳) تعارض تصرف وی در مقابل اماره قضایی بر مالکیت فعلی.
- (۴) در گزینه های «۲» و «۳» تصرف حسین دلیل حقانیت ایشان نمی باشد.

۲۱- در خصوص اختلاف زوجین در اثاث خانه: [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) اصولاً آنچه را از اثاثیه خانه که عرفاً و عادتاً اختصاص به زن تعلق دارد متعلق به او محسوب می شود.
- (۲) برای تشخیص مالک اثاث، باید به عرف و عادت رجوع کرد.
- (۳) هر یک مالک نصف اثاث خانه هستند.
- (۴) قول زوج مقدم است مگر اینکه زوجه مالکیت خود بر اثاث خانه را اثبات کند.

۲۲- کدام گزینه در خصوص حق انتفاع صحیح است؟

- (۱) موضوع حق انتفاع می تواند مال مصرف شدنی و یا مصرف نشدنی باشد.
- (۲) موضوع حق انتفاع ممکن است مال معین باشد اما نمی تواند مجموع دارایی مالک یا بخشی از آن باشد.
- (۳) حق انتفاع تنها نسبت به اموال مصرف نشدنی امکان پذیر است و چنانچه موضوع آن مال مصرف شدنی باشد رابطه طرفین مشمول احکام تملیک عین و منفعت یا اباحه انتفاع است.
- (۴) ایجاد حق انتفاع برای معدوم امکان پذیر نیست به مانند وصیت به نفع معدوم.

۲۳- اگر سعید حق انتفاع از اتومبیل خود را به پارمیدا واگذار کند و سپس بدون اطلاع او، آن را به میترا بفروشد، در این حالت:

- (۱) معامله صحیح بوده و پارمیدا می تواند عوض منافع را از سعید مطالبه کند.
- (۲) میترا در صورتی می تواند از منافع اتومبیل بهره برداری کند که عقد موجد حق انتفاع، فسخ شود.
- (۳) میترا می تواند از منافع اتومبیل بهره برداری کند.
- (۴) معامله صحیح است و پارمیدا در صورتی مجاز به استفاده از مال است که میترا رضایت دهد.

۲۴- حق انتفاع در چه مواردی زایل می شود؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) در صورت انقضای مدت یا تلف شدن مال موضوع حق انتفاع مگر اینکه آن مال مثلی باشد و مثل آن داده شده باشد.
- (۲) انتقال عین از مالک به منتفع یا واگذاری حق انتفاع از منتفع به مالک
- (۳) رجوع مالک یا مرگ آن در حبس مطلق یا حجر مالک یا منتفع
- (۴) در صورت تعدی یا تفریط منتفع در مال موضوع حق انتفاع

۲۵- در عقود عینی، اگر بعد از ایجاب و قبول و قبل از قبض، یکی از طرفین بمیرد یا محجور شود عقد چه وضعیتی می یابد؟

- (۱) عقد باطل می شود مگر در هبه
- (۲) عقد باطل نشده و عمل قبض توسط وارث متوفی یا ولی محجور، انجام می شود.
- (۳) عقد باطل می شود مگر در هبه که حجر متهب، موجب می شود که قبض مال موهوب توسط ولی او انجام شود.
- (۴) عقد باطل می شود.

۲۶- کدام گزینه نادرست است؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) تعهد به وقف نمودن ملک معینی، اماره بر وقفیت آن است.
- (۲) در موضوع اختلاف در ملکیت و وقفیت اصل بر وقفیت بوده و مدعی ملکیت باید خلافت را ثابت بکند.
- (۳) وقف بر غیر محصور به مانند وصیت بر محصور، نیاز به قبول دارد.
- (۴) همه موارد.

۲۷- در «وقف بر مصالح عامه» و «وصیت بر امور عام المنفعه»، به ترتیب قبول چه وضعیتی دارد؟

- (۱) قبول شرط نیست / قبول شرط نیست.
- (۲) قبول حاکم شرط است. / قبول شرط نیست.
- (۳) قبول شرط نیست / قبول حاکم شرط است.
- (۴) قبول حاکم شرط است / قبول حاکم شرط است.

۲۸- شرط صرف $\frac{1}{3}$ از منافع موقوفه در راستای بدهی های واقف چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط باطل است ولی عقد وقف صحیح است.
- (۲) شرط باطل و مبطل عقد وقف است.
- (۳) شرط صحیح است.
- (۴) شرط باطل است و وقف فقط در همین بخش تعیین شده به وسیله شرط، باطل است.

۲۹- متولی وقف با ملاحظه صرفه موقوفه مجاز به انجام کدام امر زیر است؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) می تواند با دیگری شریک و به نحو اجتماع موقوفه را اداره نمایند.
- (۲) می تواند موقوفه را فروخته و تبدیل به احسن نماید.
- (۳) می تواند با دیگری قرارداد اجاره منعقد و موقوفه را اجاره دهد.
- (۴) تولیت را به دیگری تفویض کند یا اجرت خود را مقدم بر مخارج بقای موقوفه، بردارد.

۳۰- در خصوص متولی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) تولیت اصولاً امری قابل توکیل است.
- (۲) متولی در حکم وکیل واقف است، نه وقف.
- (۳) متولی می تواند نسبت به موقوفه برای زمان تصدی خود و پس از آن تعهد کند.
- (۴) اجازه واقف به شخص متولی، در مصرف نمودن قسمتی از منافع به نظر خود، در امور خیریه به هر نحو که صلاح بداند، مجوز واگذاری مصرف منافع از طرف متولی به غیر است.

۳۱- کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) وقف بر مجهول صحیح نیست اعم از اینکه موقوف علیهم یا مصرف منافع و درآمد وقف، مجهول باشد.
- ۲) در حالت مشرف شدن مال موقوفه به خرابی، عین موقوفه به فروش نمی رسد.
- ۳) واقف در هیچ حالتی نمی تواند از منافع موقوفه منتفع شود.
- ۴) قبول متولی برای ایجاد سمت وی شرط نیست.

۳۲- در کدام مورد، وقف باطل است؟

- ۱) وقف برای تأدیه نفقه زوجه واقف
- ۲) وقف عامی که مصرف آن، مجهول است.
- ۳) وقف بر مفهوم کلی که چند مصداق دارد.
- ۴) به سود واقف، شرطی برعهده موقوف علیهم گذاشته شده باشد.

۳۳- کدام مورد در خصوص وقف، صحیح نیست؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- ۱) در مؤسساتی که برای امور خیریه تأسیس می شوند، اصولاً عین اموال حبس نمی شوند.
- ۲) در تردید میان وقفیت و ملکیت، اصل بر ملکیت است.
- ۳) وقف ملکی که در اجاره است، جایز است.
- ۴) در وقف بر اولاد و اولاد اولاد، اگر طبقه اول منقرض شوند و اولادی نداشته باشند، وقف باطل است.

۳۴- در عقد وقف اگر موقوف علیهم، مجهول باشند:

- ۱) عقد وقف باطل است.
- ۲) در وقت خاص، وقف باطل است و در وقف عام، منافع موقوفه در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات مصرف می شود.
- ۳) در وقف عام و وقف خاص، منافع موقوفه در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات مصرف می شود.
- ۴) در وقف خاص، منافع موقوفه در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات مصرف می شود و در وقف عام، باطل است.

۳۵- اگر تصرفات مالک در ملک خود موجب ضرر همسایه شود:

- ۱) در صورتی که تصرفات او در حد متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد مسئولیتی ندارد.
- ۲) هر نوع تصرفی که برای رفع حاجت یا دفع ضرر از مالک باشد مجاز است و مالک مسئول نیست.
- ۳) فقط در صورتی مسئول است که تصرفات او به قصد اضرار به همسایه باشد.
- ۴) چنانچه تصرفات او در حد متعارف باشد هیچ مسئولیتی ندارد.

دوم- عقود و تعهدات به طور کلی

اقسام عقود و شرایط اساسی صحت معاملات

۳۶- تعلیق در انشاء و تعلیق در منشاء، چه اثری بر عمل حقوقی دارند؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- ۱) هر دو اصولاً موجب بطلان می شوند.
- ۲) هیچ کدام اصولاً موجب بطلان نیستند.
- ۳) اولی موجب بطلان می باشد برخلاف دومی که اصولاً چنین نیست.
- ۴) اولی اصولاً موجب بطلان نیست برخلاف دومی.

۳۷- معامله اکراهی که توأم با اشتباه در شخص طرف معامله واقع شود، چه حکمی دارد؟

- ۱) اصولاً اشتباه آن را مخدوش ننموده و به دلیل اکراه، غیرنافذ است.
- ۲) اشتباه موجب بطلان آن شده و بحث غیرنافذ بودن ناشی از اکراه مطرح نمی شود.
- ۳) در صورت تنفیذ آن توسط مکره، صحیح می باشد هرچند اکراه به درجه ای باشد که عاقد فاقد قصد بوده باشد.
- ۴) اشتباه هیچ تأثیری بر آن نداشته و معامله مطلقاً غیرنافذ است.

۳۸- در انجام يك معامله، متعامل كه قادر بر تكلم بوده، عقد را با اشاره قبول کرده است. این معامله چه وضعی دارد؟

- (۱) صحت معامله، منوط به تنفیذ بعدی آن با لفظ است.
- (۲) با امکان تكلم، اشاره برای صحت این معامله كافی نیست.
- (۳) فقط در صورتی صحیح است كه طرف مقابل، قادر به تكلم نباشد.
- (۴) صحیح است.

۳۹- پس از بروز اختلاف بین زوجین، زوجه اقدام به اجرای مهریه خود از طریق مرجع ثبتی می کند. زوج یک روز پس از ابلاغ اجرائیه به وی، اقدام به فروش ملك خود به قیمت واقعی می کند. وضعیت حقوقی معامله مزبور چیست؟

- (۱) غیرنافذ است.
- (۲) اصولاً صحیح است.
- (۳) به دلیل اضرار به زوجه، قابل فسخ است.
- (۴) به دلیل نامشروع بودن جهت آن، باطل است.

۴۰- چنانچه مدیون برای فرار از دین، اموال خود را به یکی از نزدیکانش بفروشد، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) در صورت اطلاع خریدار از قصد فروشنده برای فرار از دین، معامله باطل است، اعم از اینکه معامله صوری باشد یا خیر.
- (۲) چنانچه معامله صوری باشد، در صورتی باطل است كه قصد فرار از دین محرز باشد.
- (۳) معامله اگر صوری نباشد، در مقابل اشخاص ثالث، غیرنافذ و مبیع قابل توقیف است.
- (۴) چنانچه معامله صوری نباشد، صحیح است، لیکن اخذ مال مورد انتقال از خریداری كه از قصد فرار از دین آگاه بوده، جهت وصول طلب ممكن است.

۴۱- کدام یک از موارد زیر، در خصوص نقش قبولی در معاملات، صحیح است؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) قبولی ایجاب پس از رد آن، در صورتی معتبر است كه تغییری در مفاد ایجاب داده نشود.
- (۲) قبولی در عقد عینی، می تواند پس از قبض واقع شود.
- (۳) در تحقق قبولی در عقد رضایی، صرف رضا كافی است.
- (۴) قبولی باید به همان شکلی اعلام شود كه ایجاب صورت گرفته است.

۴۲- وجود جهت نامشروع برای معامله چه اثری بر آن می گذارد؟

- (۱) در حالت تصریح به آن در معامله یا توافق ضمنی طرفین یا آگاهی طرفین از آن، معامله باطل می شود.
- (۲) صرفاً در حالت تصریح به آن در معامله یا توافق ضمنی طرفین بر آن بر اساس توافقات و تبانی قبل از معامله و اوضاع و احوال معامله، موجب بطلان معامله می شود.
- (۳) صرفاً در حالت تصریح به آن در معامله باطل می شود.
- (۴) صرفاً در حالت آگاهی طرفین از وجود چنین جهتی، معامله باطل است.

۴۳- فردی شخص غایبی را به عنوان وکیل خود انتخاب می کند و مراتب را طی یک رایانامه (ایمیل) به اطلاع وی می رساند. این وکالت چگونه محقق می شود؟ [۴۳۲۷۷۵۶۰]

- (۱) به اعلام اراده انشایی وکیل
- (۲) ارسال رایانامه قبول
- (۳) وصول رایانامه قبول به موکل
- (۴) با رضایت وکیل

۴۴- به ترتیب شرط معلوم بودن مورد معامله و شرط معین بودن مورد معامله به چه کیفیت در معاملات مطرح می شود؟

- (۱) شرط معلوم بودن به علم تفصیلی در عقود مبتنی بر مغاینه و به علم اجمالی در عقود مبتنی بر مسامحه مطرح شده و شرط معین بودن اصولاً در عقود مبتنی بر مغاینه و مسامحه مطرح می شود.
- (۲) شرط معلوم بودن به علم تفصیلی در تمام عقود مغاینه ای و به علم اجمالی در تمام عقود مسامحه ای مطرح شده و شرط معین بودن در تمام عقود مغاینه ای مطرح می شود.
- (۳) شرط معلوم بودن و نیز شرط معین بودن در تمام عقود مغاینه ای و مسامحه ای مطرح می شود.
- (۴) شرط معلوم بودن به علم تفصیلی در عقود معوض و به علم اجمالی در عقود رایگان مطرح شده و شرط معین بودن اصولاً در عقود مبتنی بر مغاینه و مسامحه مطرح می شود.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق جزا

دکتر زارعی

حقوق جزا

کلیات (اصول حاکم بر حقوق جزا)

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.

۱- در قانون مبارزه با پولشویی، کدام تعریف در «جرم» صحیح است؟

- (۱) هر رفتاری اعم از فعل و ترک فعل که قانوناً دارای کیفر باشد.
- (۲) هر رفتاری اعم از فعل و ترک فعل که قانوناً دارای کیفر باشد و یا تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- (۳) هر رفتاری اعم از فعل و ترک فعل که قانوناً دارای کیفر باشد و یا تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون مبارزه با مواد مخدر
- (۴) هر رفتاری اعم از فعل و ترک فعل که قانوناً دارای کیفر باشد و یا تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ، قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم

۲- در کدام مورد امکان مراجعه قضات کیفری به منابع شرعی جهت استخراج حکم و تعیین مجازات وجود دارد؟

- (۱) معاونت هایی که شرعاً دارای کیفر خاص باشند.
- (۲) جرایمی که شرعاً دارای کیفر خاص باشند.
- (۳) حدودی که در قانون مسکوت اند.
- (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح است.

۳- اگر رفتاری به موجب قوانین، جرم نباشد[۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) برای متهم حکم برائت صادر می شود.
- (۲) قرار موقوفی صادر می شود.
- (۳) حکم به جایگزین حبس صادر می شود.
- (۴) مرتکب برحسب صلاحدید قاضی، به مراتب تعزیرمحکوم می شود.

۴- قانون مجازات اسلامی یک قانون است.

- (۱) دایمی
- (۲) آزمایشی پنج ساله
- (۳) آزمایشی سه ساله
- (۴) موقت

۵- هرگاه حکم صادره توسط دادگاه کیفری، فراتر از میزان کیفیتی باشد که در قانون مقرر شده است، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) چنانچه صدمه و خسارتی از این جهت حاصل گردد، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت خسارت از بیت المال جبران می شود.
- (۲) صادرکننده حکم مسئولیت کیفری دارد، ولی خسارت وارده از بیت المال جبران می شود.
- (۳) در هر صورت خسارت وارده به محکوم علیه باید از بیت المال جبران شود.
- (۴) صادر کننده حکم در هر صورت، دارای مسئولیت کیفری و مدنی است.

۶- اجزای عنصر روانی جرایم عمد عبارتند از[۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) علم به موضوع و قصد عام
- (۲) علم به موضوع و قصد خاص
- (۳) علم به حکم، علم به موضوع، سونیت خاص
- (۴) علم به موضوع، علم به حکم در برخی موارد، سو نیت عام، سو نیت خاص در برخی موارد

۷- کدام گزینه در خصوص عنوان «تقصیر» صحیح است؟

- (۱) در جرایم مادی صرف، رکن اولیه تحقق مسئولیت جزایی است.
- (۲) در جرایم غیرعمد، رکن اولیه تحقق جرم است.
- (۳) در جرایم غیرعمد، رکن اولیه تحقق مسئولیت جزایی است.
- (۴) در جرایم غیرعمد و جرایم مادی صرف، رکن اولیه تحقق جرم است.

۸- مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، با کدام شرایط محقق می شود؟[۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) شخص به طور قانونی، مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.
- (۲) شخص به طور قانونی، مسئول اعمال دیگری باشد و در رابطه با نتیجه رفتار دیگری، مرتکب تقصیر شود.
- (۳) شخص به طور قانونی یا قراردادی، مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار دیگری، مرتکب تقصیر شود.
- (۴) شخص به طور قانونی یا قراردادی، مسئول اعمال دیگری باشد و در رابطه با نتیجه رفتار دیگری، مرتکب تقصیر شود



قلمرو اجرای قوانین کیفری در مکان

۹- ارتکاب کدام جرم در کشور خارجی، می تواند مشمول صلاحیت حفاظتی یا واقعی قوانین ایران باشد؟

- (۱) جعل اسکناس رایج ایرانی یا خارجی
- (۲) جعل دستخط رسمی یا غیر رسمی رئیس جمهور ایران
- (۳) جعل اجراییه صادره مراجع ثبتی ایران
- (۴) قلب سکه بهار آزادی

۱۰- ارتکاب کدام یک از جرایم ذیل در قلمرو ایران، شرط اصلی تحقق جرم است؟

- (۱) جاسوسی علیه دولت ایران
- (۲) فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی
- (۳) جاسوسی علیه کشور خارجی و به نفع کشور خارجی دیگر
- (۴) همه جرایم فوق، فقط در حالت ارتکاب در قلمرو ایران، جرم هستند.

۱۱- فردی ایرانی در سال ۱۳۹۴ در کشور ترکیه رفتاری انجام داده که طبق قوانین ایران مستوجب مجازات تعزیری درجه ۷ است. اگر مرتکب بدون تعقیب و محاکمه در کشور ترکیه، در سال ۱۳۹۵ وارد ایران شده و بر حسب اعلام جرم به دادستانی، تعقیب نامبرده در ایران در سال ۱۳۹۸ شروع شود، کدام گزینه صحیح است؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) به دلیل ارتکاب جرم در کشور خارجی، قوانین ایران صلاحیت اعمال محاکمه ندارند.
- (۲) به دلیل یافت شدن متهم در ایران در سال ۱۳۹۵، متهم طبق قوانین ایران قابل محاکمه است.
- (۳) به دلیل عدم تعقیب و محاکمه متهم در کشور خارجی، قوانین ایران صلاحیت اعمال محاکمه دارند.
- (۴) به دلیل حصول مرور زمان در سال ۱۳۹۸، قوانین ایران صلاحیت اعمال محاکمه ندارند.

۱۲- یک ایرانی، در خارج از کشور، مرتکب جرمی شده و پیش از تعقیب و محاکمه در آنجا، در ایران یافت شده و تحت تعقیب قرار گرفته است. در جریان رسیدگی، قانون محل وقوع جرم نسخ شده است. کدام مورد درباره ادامه رسیدگی به اتهام وی، صحیح است؟

- (۱) رسیدگی موقوف می گردد.
- (۲) اگر اتهام تعزیری باشد، رسیدگی موقوف می گردد، وگرنه ادامه می یابد.
- (۳) بسته به مورد، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر می شود.
- (۴) رسیدگی در هر حال ادامه می یابد.

۱۳- فردی ایرانی در کشور خارجی مرتکب جرم سرقت ساده شده است. در صورتی که نامبرده در کشور خارجی محاکمه شده و بعد از تحمل مجازات مربوطه وارد کشور ایران شود:

- (۱) میزان مجازات تعزیری اجرا شده محاسبه می شود.
- (۲) نامبرده مشمول قاعده منع تعقیب مجدد است.
- (۳) اگر به موجب قوانین ایران، موجبی برای سقوط مجازات او باشد، قرار موقوفی صادر می شود، در غیر این صورت قابل محاکمه مجدد در ایران است.
- (۴) در صورت شکایت بزه دیده، مجدد تعقیب می شود.

۱۴- مجرمیت متقابل، شرط اولیه برای اعمال کدام صلاحیت است؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) صلاحیت واقعی
- (۲) صلاحیت شخصی بزه دیده محور در جرایم تعزیری
- (۳) صلاحیت شخصی بزه دیده محور در جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی
- (۴) صلاحیت شخصی و جهانی

۱۵- به جرایم مستخدمان دولت که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم شده اند در صورتی در دادگاه های ایران رسیدگی می شود که

- (۱) در هر صورت خواه مرتکب ایرانی یا غیر ایرانی باشد و جرم در رابطه با شغل و وظیفه باشد یا نباشد.
- (۲) در صورتی که مرتکب ایرانی باشد و جرم به مناسب شغل و وظیفه مرتکب واقع شده باشد.
- (۳) در صورتی که مرتکب ایرانی نباشد و جرم به مناسب شغل و وظیفه مرتکب واقع شده باشد.
- (۴) در صورتی که مرتکب ایرانی یا غیرایرانی باشد و جرم به مناسب شغل و وظیفه مرتکب واقع شده باشد.

۱۶- کدام گزینه مشمول صلاحیت واقعی است؟

- (۱) «الف» تبعه ایران و ساکن آلمان، در فرانسه مرتکب جرم ترویج سکه قلب ایران شده است. وی در فرانسه محاکمه شده و مجازات در مورد او اجرا می شود.
- (۲) «ب» که تبعه ژاپن است در کره جنوبی مرتکب قتل یک ایرانی شده و در کره جنوبی به بیست سال حبس محکوم و مجازات او اجرا شده است.
- (۳) «ج» تبعه ایران در کشور آلمان مرتکب جرم زنای به عنف شده و در کشور آلمان مجازات او به طور کامل اجرا شده است.
- (۴) «د» تبعه ترکیه در ترکیه مرتکب کلاهبرداری نسبت به یک ایرانی شده است و در آنجا تبرئه شده است.

۱۷- چنانچه یک تبعه ایرانی، در خارج کشور مرتکب جرم تعزیری شود و در ایران یافت شود، کدام یک از شرایط زیر برای محاکمه و مجازات او ضروری نیست؟

- (۱) طبق قوانین ایران موجب برای منع یا موقوفی تعقیب نباشد.
- (۲) به موجب قوانین ایران، موجب برای موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.
- (۳) رفتار ارتكابی به موجب قانون ایران و محل وقوع، جرم باشد.
- (۴) متهم در محل وقوع جرم، محاکمه و مجازات کامل اجرا یا تبرئه نشده باشد.

۱۸- سمیه که یک ایرانی است در اسپانیا سایت قمار و شرط بندی راه اندازی کرده و مردم اسپانیا و ایران را تشویق به قمار می کند، طبق چه صلاحیت یا صلاحیت هایی دادگاه های ایران صالح به رسیدگی هستند؟

- (۱) صلاحیت واقعی / شخصی فعال
- (۲) صلاحیت شخصی فعال
- (۳) صلاحیت شخصی منفعل
- (۴) صلاحیت شخصی فعال / صلاحیت شخصی منفعل

۱۹- در کدام گزینه ایران صالح به رسیدگی نیست؟

- (۱) ارتکاب جرم در کشتی دارای پرچم ایران در اقیانوس آرام
- (۲) ارتکاب جرم در هواپیمای ایرانی بر فراز آسمان فرانسه
- (۳) ارتکاب جرم جنایت علیه بشریت توسط یک افسر روس در کشور روسیه و دستگیری در ایران
- (۴) ارتکاب جرم در دریای سرزمینی ایران در یک کشتی دارای پرچم پاناما

۲۰- چنانچه مجلس قانونی را به دلیل شرایط امنیتی کشور از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۰ تصویب کرده و در آن عنوان داشته باشد که استفاده از فیلترشکن مستوجب جزای نقدی درجه ۵ می باشد و الف در سال ۱۳۹۹، از فیلترشکن استفاده نماید، در صورت اتمام مهلت قانون و زائل شدن عنوان مجرمانه استفاده از فیلترشکن اگر الف در سال ۱۴۰۱ تحت تعقیب قرار گیرد، دادگاه یا دادسرا چه حکمی صادر خواهد نمود؟

- (۱) حسب مورد قرار منع تعقیب یا حکم برائت به دلیل اتمام مهلت و نسخ شدن جرم ارتكابی.
- (۲) مورد از موجبات جهات تخفیف است و قاضی می تواند مجازات مرتکب را تخفیف دهد.
- (۳) قاضی می تواند از یکی از نظامات تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات یا نظام نیمه آزادی استفاده نماید.
- (۴) جزای نقدی درجه ۵

۲۱- « الف » تبعه ایران و ساکن آلمان ، در فرانسه مرتکب جرم جعل اسکناس ایران شده است. وی در فرانسه محاکمه شده و مجازات در مورد او اجرا می شود. در چه صورت محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارند؟

- (۱) محاکم ایران مطلقاً پس از محکومیت و اجرای مجازات مضاعف صلاحیت رسیدگی ندارند.
- (۲) محاکم ایران مطلقاً صلاحیت رسیدگی دارند و در تعیین مجازات میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می کنند.
- (۳) در صورتی که مجازات جزئاً یا تماماً اجرا شده باشد چون از جرائم تعزیری است محاکم ایران صلاحیت رسیدگی ندارند.
- (۴) محاکم ایران صلاحیت رسیدگی دارند مگر آنکه مجازات تماماً در مورد او اجرا شده باشد.

۲۲- چنانچه یک تبعه ایرانی، در خارج کشور مرتکب جرم حدی شود و در ایران یافت شود، کدام یک از شرایط زیر برای محاکمه و مجازات او ضروری نیست؟

- (۱) طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب نباشد.
- (۲) به موجب قوانین ایران، موجبی برای موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.
- (۳) رفتار ارتكابی به موجب قانون ایران، جرم باشد.
- (۴) متهم در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد.

قلمرو اجرای قوانین کیفری در زمان

۲۳- کدام قانون نسبت به قانون سابق اشد است؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) قانونی که متضمن وضع کیفیات مخففه باشد.
- (۲) قانونی که حداقل مجازات را بالا میبرد و حداکثر آن را پایین می آورد.
- (۳) قانونی که حداکثر مجازات را بالا میبرد و حداقل آن را پایین می آورد.
- (۴) قانونی که استناد نتیجه مجرمانه به مرتکب را مشروط به شرط یا شرایط جدیدی کند.

۲۴- در صورتی که قانون لاحق، مجازات مقرر برای نوجوان ۱۷ ساله را تخفیف دهد، در صورت قطعیت حکم محکومیت در چارچوب قانون سابق [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) فقط از طریق تقاضای اعاده دادرسی توسط ولی یا سرپرست، امکان بررسی مجدد وجود دارد.
- (۲) ولی یا سرپرست و قاضی اجرای احکام مکلفند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تخفیف مجازات نمایند.
- (۳) نوجوان می تواند و قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای اصلاح حکم نمایند.
- (۴) قاضی اجرای احکام می تواند از دادگاه تقاضای اصلاح حکم نماید.

۲۵- در دو حالت زیر قاعده عطف به ماسبق شدن قوانین به چه صورت است؟
الف: قانونی که مدت آزادی مشروط را کاهش می دهد.

ب: چنانچه قانون لاحق، مدت مجازات تبعی مندرج در قانون سابق را افزایش دهد.

- (۱) الف: از قانون سابق خفیفتر است و عطف می شود. / ب: قانون لاحق اشد است و عطف به ماسبق نمی شود.
- (۲) الف: از قانون سابق شدیدتر است و عطف نمی شود. / ب: قانون لاحق اخف و عطف به ماسبق می شود.
- (۳) الف: از قانون سابق خفیفتر است و عطف می شود. / ب: قانون لاحق اخف و عطف به ماسبق می شود.
- (۴) الف: از قانون سابق شدیدتر است و عطف نمی شود. / ب: قانون لاحق اشد است و عطف به ماسبق نمی شود.

۲۶- کدام یک از قوانین ذیل نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا نمی شود؟

- (۱) قانون جدید مبنی بر ادله اثبات تا قبل از اجرای حکم
- (۲) قانون جدیدی که اعمال کیفرهای تبعی را به محکومیت های بیشتری تعمیم دهد.
- (۳) قانون جدید مبنی بر کاهش تعداد قصاص دادگاه کیفری استان از ۵ قاضی به ۳ قاضی
- (۴) قانون جدید مبنی بر نسخ عنوان مجرمانه

۲۷- کدام گزینه به عنوان قانون مساعد، می تواند [۹۹۹۹۹۹۹۹] شامل جرایم و رفتار های سابق بر وضع قانون شود؟

- (۱) تمام تغییرات مندرج در قانون کاهش حبس های تعزیری
- (۲) جایگزین های زندان نسبت به احکام قطعیت یافته سابق
- (۳) اضافه شدن شرط رشد جزایی به جرائم موجب حد یا قصاص توسط نوجوانان (ماده ۹۱)
- (۴) افزایش مدت مرور زمان در قانون جدید

۲۸- در کدام مورد قوانین نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می شود؟

- (۱) قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت
- (۲) قوانین مربوط به افزایش مدت زمان مرور زمان
- (۳) قوانین مربوط به شیوه دادرسی و خلاف حقوق مکتسبه
- (۴) قوانین مربوط به ادله اثبات دعوا پس از اجرای حکم



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۲ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir



fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق تجارت

دکتر نعمت اللهی

تجارت ۱

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.

۱- کدام یک از عبارات زیر صحیح نیست؟

- ۱) خرید اراضی و تفکیک آن توسط شخص تاجر اگر به قصد فروش باشد تجاری است.
- ۲) تصدی تسهیل نقل و انتقال اموال غیرمنقول، تجارتی محسوب می شود.
- ۳) معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی شوند حتی اگر بین تاجر انجام گیرد.
- ۴) کلیه ی معاملات شرکت های تجاری، تجاری می باشد.

۲- کدام یک از اعمال تجارتی زیر برای این که معامله تجارتی ذاتی شناخته شود، باید استمرار و تکرار داشته باشد؟

- ۱) حراجی
- ۲) هر قسم عملیات دلالی
- ۳) معاملات برواتی
- ۴) خرید مال منقول به قصد فروش

۳- کدام یک از افراد زیر تاجر محسوب نمی شوند؟

- ۱) شخصی که علاوه بر شغل قضاوت کشتی های باری اجاره می دهد و از این راه امرار معاش می کند.
- ۲) شخصی که اتومبیلی هایی به قصد اجاره دادن خریداری می کند.
- ۳) دلالی که واسطه معاملات غیرمنقول است.
- ۴) شرکا شرکت تضامنی و نسبی

۴- شخصی کارخانه ی تولید محصولات لبنی دارد، برای مراسم جشن فارغ التحصیلی فرزند خود ظرف هایی برای سرو محصولات کارخانه اش در مهمانی خریداری میکند.....[۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) عمل شخص تجاری ذاتی است.
- ۲) عمل شخص تجاری تبعی است، زیرا میان دو تاجر واقع شده.
- ۳) عمل فرد تجاری نیست، زیرا برای رفع نیاز شخصی بوده است.
- ۴) عمل شخص مشمول بند تهیه و رسانیدن ملزومات ماده ی ۲ قانون تجارت میشود و تجاریست.

۵- دلال در مقابل طرف معامله و حق العمل کار در مقابل طرف معامله است.

- ۱) نماینده - نماینده
- ۲) اصیل - اصیل
- ۳) نماینده - اصیل
- ۴) اصیل - اصیل

۶- قائم مقام تجاری در چه صورتی منعزل می شود؟

- ۱) با حجر رئیس تجارت خانه
- ۲) با فوت رئیس تجارت خانه
- ۳) با انحلال شرکت تجاری
- ۴) در هر سه مورد

۷- در ضمن معامله سندی به دلال سپرده می شود که نزد وی تلف می شود با توجه مقررات مربوط به مسؤولیت دلال کدام گزینه صحیح است؟[۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) دلال مسؤول نیست مگر تعدی و تفریط او ثابت شود.
- ۲) دلال مسؤول است. مگر ثابت کند تلف مستند به او نیست
- ۳) دلال فقط در صورتی مسؤول نیست که قوه قاهره را ثابت کند.
- ۴) دلال فقط در صورتی مسؤول نیست که ثابت کند تلف مستند به آمر بوده.

۸- کدام مورد درباره اسم تجارتی نادرست است؟

- ۱) اصولاً ثبت اسم تجارتی، اختیاری است.
- ۲) اسم تجارتی قابل انتقال است.
- ۳) اسم تجارتی ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجارتی خود قرار دهد مگر اینکه با نام خانوادگی او یکی باشد.
- ۴) در موارد الزامی بودن ثبت اسم تجارتی و عدم ثبت آن، اداره ثبت رأساً اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت مأخوذ خواهد داشت.

۹- طبق نظر اساتید معامله تاجر با غیر تاجر: [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- (۱) تجارتی نیست.
- (۲) در صورتی که برای رفع حوائج تجاری باشد، تجارتی است.
- (۳) تجارتی است.
- (۴) در صورت درج مراتب در قرارداد، تجارتی است.

۱۰- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟

- (۱) دلال
- (۲) کسبه ی جزء
- (۳) حق العمل کار
- (۴) قائم مقام تجارتی

۱۱- دفتر روزنامه تاجری فاقد امضای نماینده اداره ی ثبت و ترتیب مشخص می باشد، در این صورت

- (۱) دفتر مزبور مطلقاً قابل استناد نیست.
- (۲) علیه خود تاجر قابل استناد است.
- (۳) صرفاً اگر مربوط به امور تجارتی باشد قابل استناد است.
- (۴) صرفاً اگر مربوط به امور تجاری و میان تاجر باشد قابل استناد است.

۱۲- طبق قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۸۴ کارگزار / معامله گر، کیست؟

- (۱) شخص حقیقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن ها معامله می کند.
- (۲) شخص حقیقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن ها و یا به نام خود معامله می کند.
- (۳) شخص حقیقی یا حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن ها و یا به نام خود معامله می کند.
- (۴) شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن ها و یا به نام و حساب خود معامله می کند.

۱۳- اگر حق العمل کار از جانب آمر خود مسؤول خرید مالی شود و او این مال را برای آمر خود خریداری کند به مبلغ یکصد میلیون ریال و پس از انعقاد معامله به دروغ به آمر خود اعلام نماید که به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال خریداری نموده و بعد از گذشت ۲ هفته این امر برای آمر معلوم گردد، در این صورت آمر می تواند:

- (۱) به عنوان کلاهبردار از وی شکایت کیفری نماید، به علاوه مال را به وی مسترد کند.
- (۲) به عنوان خیانت در امانت از وی شکایت کیفری نماید، به علاوه مال را به وی مسترد نماید و یکصد میلیون ریال را مطالبه نماید.
- (۳) به عنوان کلاهبردار از وی شکایت کیفری نماید، به علاوه مال را به وی مسترد نماید و یکصد میلیون ریال را از وی مطالبه نماید.
- (۴) به عنوان خیانت در امانت از وی شکایت کیفری نماید، به علاوه مال را به وی مسترد نماید و یکصد و پنجاه میلیون ریال را از وی مطالبه کند.

۱۴- دفاتر تجاری تاجر علیه تاجر سندیت دارد، مشروط بر آنکه [۴۲۲۷۱۰۰۰]:

- (۱) دعوی مربوط به امور تجارتی باشد.
- (۲) هم دعوی مربوط به امور تجارتی باشد، هم دفاتر طبق قانون تنظیم شده باشد.
- (۳) دفاتر مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.
- (۴) هم دعوی مربوط به امور تجارتی باشد، هم دفاتر طبق قانون تنظیم شده باشد و هم طرف دعوی نیز دفتر تجارتی داشته باشد.

۱۵- اگر کالایی که جهت فروش به حق العمل کار داده شده در معرض فساد سریع باشد و منافع آمر ایجاب کند حق العمل کار.....[۴۲۲۷۱۰۰۰]

- (۱) مکلف است با اطلاع دادستان مال التجاره را بفروش برساند.
- (۲) می تواند با اطلاع دادستان مال التجاره را به فروش برساند.
- (۳) مکلف است با اجازه دادستان مال التجاره را به فروش برساند.
- (۴) می تواند با اجازه دادستان مال التجاره را به فروش برساند.

۱۶- در صورت تلف شدن مال التجاره، متصدی در کدام صورت مسؤول نمی باشد؟

- (۱) تلف مستند به فعل متصدی حمل و نقل نباشد.
- (۲) متصدی، تقصیر ارسال کننده را که موجب تلف بوده ثابت کند.
- (۳) مرسل الیه نتواند تقصیر متصدی حمل و نقل را اثبات کند.
- (۴) ارسال کننده نتواند تقصیر متصدی حمل و نقل را اثبات کند.

۱۷- متصدی حمل و نقل در صورت تلف شدن مال التجاره: [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) مسؤولیت مطلق دارد و تنها با اثبات حوادث قهری، معاف از مسؤولیت می شود.
- ۲) مسؤولیت دارد و شرط تشدید یا تخفیف مسؤولیت او باطل است.
- ۳) مسؤولیت دارد و خسارت ناشی از نقص مال التجاره، ممکن است برابر با خسارت تلف شدن تمام مال التجاره باشد.
- ۴) مسؤولیت دارد مگر اینکه تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه را ثابت کند؛ برخلاف خسارت ناشی از تأخیر تسلیم که مسؤولیت ندارد مگر اینکه تقصیر متصدی ثابت شود.

۱۸- قرارداد حمل و نقل فی مابین چه اشخاصی منعقد می گردد؟

- ۱) ارسال کننده و مرسل الیه
- ۲) ارسال کننده و متصدی حمل
- ۳) ارسال کننده و متصدی حمل و مرسل الیه
- ۴) متصدی حمل و مرسل الیه

۱۹- اگر مال التجاره دارای خسارت آواری ظاهری باشد و مرسل الیه بی هیچ قیدی مال التجاره را قبول کند

- ۱) دیگر به هیچ عنوانی نمیتوان علیه متصدی طرح دعوا کرد
- ۲) باید ظرف ۸ روز متصدی حمل به ارسال کننده اطلاع دهد.
- ۳) در صورت تدلیس میتوان علیه وی اقامه دعوا کرد.
- ۴) متصدی حمل مطلقاً مسئول است.

۲۰- آمر مالی را برای فروش به حق العمل کار می سپارد تا آن را حداقل به مبلغ پنجاه میلیون ریال بفروشد، لیکن حق العمل کار مال مزبور را بدون تحصیل اجازه از آمر به مبلغ ۴۵ میلیون ریال به خریدار می فروشد. معامله مزبور چه حکمی دارد؟

- ۱) صحیح است.
- ۲) باطل است.
- ۳) غیر نافذ است.
- ۴) اگر از ضرر بیشتر احتراز کرده باشد، صحیح است.

۲۱- تاجری اختیار قائم مقام خود را محدود به فروش کالا کرده و وی را از خرید کالا منع می کند. قائم مقام تجارتی بدون توجه به این ممنوعیت، اقدام به خرید کالا می کند. در کدام صورت تاجر می تواند به بی اعتباری چنین معامله ای استناد کند؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) طرف معامله از محدودیت اختیارات قائم مقام آگاه باشد.
- ۲) نمی تواند مگر این که محدودیت در اختیارات به صورت کتبی باشد.
- ۳) در هر حال می تواند.
- ۴) به هیچ عنوان نمی تواند.

۲۲- در تحلیل عمل تجاری ذاتی کدام مورد نادرست است؟

- ۱) عمل خیاطی که پارچه می خرد و پس از تبدیل به لباس می فروشد، تجاری محسوب می شود.
- ۲) بر اساس نظریه یا معیار گردش ثروت، معاملات غیرمنقول عمل تجاری محسوب می شوند.
- ۳) قصد فروش در خرید مال منقول توسط تاجر مفروض است و نیاز به دلیل اثباتی ندارد.
- ۴) واسطه گری انجام معاملات اوراق بهادار در بورس عمل تجاری محسوب می شود.

۲۳- ارائه خدمات بیمه ای مربوط به اموال غیرمنقول

- ۱) و یا منقول عمل تجاری است.
- ۲) عمل تجاری نیست مگر در صورتی که توسط تاجر انجام شوند.
- ۳) به هیچ وجه عمل تجاری نیست بر خلاف خدمات بیمه اموال منقول
- ۴) اگر فقط همراه با خرید و فروش باشد عمل تجاری است.

۲۴- در صورتی که معامله دارای شرط خیار باشد و در صورتی که معامله معلق باشد

- (۱) دلال به محض انعقاد عقد استحقاق اجرت دارد- دلال پس از تحقق معلق علیه استحقاق اجرت دارد.
- (۲) دلال پس از منقضی شدن مدت شرط خیار، استحقاق اجرت دارد- دلال به محض انعقاد عقد استحقاق اجرت دارد.
- (۳) دلال به محض انعقاد عقد، استحقاق اجرت دارد- دلال به محض انعقاد عقد، استحقاق اجرت دارد.
- (۴) دلال بعد از منقضی شدن مدت شرط خیار، استحقاق اجرت دارد- دلال به محض انعقاد عقد، استحقاق اجرت دارد.

۲۵- در خصوص دلال کدام گزینه صحیح نمی باشد؟

- (۱) دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی کند.
- (۲) دلال شخصا می تواند تجارت کند.
- (۳) در زمان فروش از روی نمونه، قبل از ختم معامله دلال با اجازه ی آمر می تواند نمونه را نگه داری نکند.
- (۴) دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند.

۲۶- در کدام مورد حق العمل کار اصولاً مسؤول نیست؟

- (۱) بیمه نکردن اموال و کالاهایی که برای فروش به او سپرده شده است.
- (۲) فروش نسبه ای کالا بدون رضایت آمر
- (۳) عدم اجرای تعهدات آمر
- (۴) فروش مال التجاره به قیمتی کمتر از حداقل قیمت تعیین شده توسط آمر

۲۷- آرمان ماشین آلات کارخانه ی خود را به امیر با این شرط که ماشین آلات جدیدش از گمرک ترخیص شود

میفروشد، حسام که دلال انجام این معامله بوده.....

- (۱) به محض انعقاد قرارداد کتبی میان طرفین، مستحق اجرت است.
- (۲) به محض حصول همین توافق میان طرفین مستحق اجرت است.
- (۳) پس از وقوع شرط مستحق اجرت است.
- (۴) پس از وقوع شرط دلال اصولاً می تواند ثمن را از امیر دریافت کند.

۲۸- آمر مالی را برای فروش به حق العمل کار می سپارد تا آن را حداقل به مبلغ ۶۰ میلیون تومان بفروشد،

لیکن حق العمل کار مال مزبور را بدون تحصیل اجازه از آمر به مبلغ ۴۵ میلیون تومان به خریدار می فروشد.

معامله مزبور چه حکمی دارد؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- (۱) صحیح است.
- (۲) باطل است
- (۳) غیر نافذ است.
- (۴) اگر از ضرر بیشتر احتراز کرده باشد، صحیح است.

۲۹- محمد، حق العمل کار در فروش خانه آمر، حداقل به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون تومان شده است و حق

العمل وی، ۵٪ قیمت فروش در نظر گرفته شده است. محمد خانه را [۴۲۲۷۱۰۰۰] به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان

می فروشد. او مستحق چه مبلغ حق العمل است؟

- (۱) ۵٪ درصد از ۱۵۰ میلیون تومان
- (۲) ۵٪ از ۲۰۰ میلیون تومان
- (۳) ۵٪ از ۵۰ میلیون تومان
- (۴) ۵٪ از ۱۵۰ میلیون تومان به علاوه ۵۰ میلیون تومان

۳۰- طبق قانون تجارت در خصوص حق حبس، متصدی حمل و نقل در مقابل و حق العمل کار در

مقابل دارای حق حبس است.

- (۱) مرسل الیه، آمر
- (۲) حق حبس ندارد، آمر
- (۳) آمر، مرسل الیه
- (۴) مرسل الیه، حق حبس ندارد

۳۱- ارسال کننده و متصدی حمل و نقل برای خسارت وارد به کالا: [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) می توانند مبلغی کمتر از قیمت کامل محموله تعیین کنند اما نمی توانند مبلغی بیشتر از آن تعیین نمایند به مانند خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص مال التجاره

- (۲) می توانند مبلغی بیشتر یا کمتر از قیمت کامل محموله تعیین نمایند به مانند خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص مال التجاره
- (۳) نمی توانند مبلغی بیشتر یا کمتر از قیمت کامل تعیین نمایند بر خلاف خسارت ناشیه از تدخیر تسلیم یا نقص مال التجاره
- (۴) می توانند مبلغی بیشتر یا کمتر از قیمت کامل محموله تعیین نمایند بر خلاف خسارات ناشیه از تأخیر یا تسلیم یا نقص مال التجاره



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir



fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

آئین دادرسی کیفری

دکتر زارعی

آیین دادرسی کیفری

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.

۱- کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) قانون آیین دادرسی کیفری یک قانونی آزمایشی سه ساله است.
- ۲) مقررات شکلی دادرسی کیفری اصولاً نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون دارای اثر فوری نیستند.
- ۳) قانون آیین دادرسی کیفری یک قانون دائمی است.
- ۴) مقررات مربوط به مرور زمان و ادله اثبات کیفری به دلیل طرح در قانون مجازات اسلامی، ماهوی محسوب می شوند.

۲- کدام یک از موارد ذیل از نوآوری های اصلی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است؟

- ۱) افزایش اختیارات و استقلال دادیاران
- ۲) احیای دادرسیها
- ۳) شرح حقوق شهروندی افراد ملت برای اولین بار
- ۴) حذف قضاوت تحقیق دادگاه ها

۳- هر گاه فردی متهم به جرم ورشکستگی [۹۹۹۹۹۹۹۹] به تقصیر باشد دادگاه

- ۱) برای احراز ورشکستگی مبادرت به صدور قرار اناطه نمی کند.
- ۲) پس از صدور قرار اناطه پرونده را به صورت موقت بایگانی می کند.
- ۳) ظرف یک ماه مبادرت به صدور قرار اناطه نموده و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.
- ۴) در صورت عدم طرح دعوی توسط ذینفع به رسیدگی ادامه داده و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

۴- هر گاه تعقیب امر کیفری در دادگاه کیفری منتهی به صدور قرار منع تعقیب شود در مورد دادخواست ضرر و زیان که در دادگاه کیفری مطرح شده کدام اقدام را انجام می دهد؟

- ۱) دیگر دادگاه کیفری صلاحیت رسیدگی به ضرر و زیان را ندارد.
- ۲) پرونده ضرر و زیان را به دادگاه حقوقی ارجاع می دهد.
- ۳) دادگاه کیفری مکلف است مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.
- ۴) مخیر است که رسیدگی کند یا آن را به مرجع حقوقی ارجاع دهد.

۵- در کدام مورد قرار موقوفی تعقیب صادر می شود؟

- ۱) فقدان ادله کافی برای انتساب اتهام به متهم
- ۲) جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی
- ۳) عفو عمومی
- ۴) گذشت شاکی در جرایم غیر قابل گذشت

۶- چنانچه فردی به حبس تعزیری و پرداخت دیه محکوم شده باشد و محکوم علیه فوت کند [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- ۱) نسبت به کل مجازات قرار موقوفی اجرا صادر می شود.
- ۲) با موافقت دادستان پرونده بایگانی می شود.
- ۳) با فوت متهم قرار منع تعقیب صادر می شود.
- ۴) نسبت به حبس قرار موقوفی اجرا صادر می شود اما پرداخت دیه به قوت خود باقی است.

۷- کدام گزینه از موارد سقوط دعوای عمومی نمی باشد؟

- ۱) اناطه کیفری
- ۲) فوت متهم
- ۳) مرور زمان
- ۴) نسخ قانونی

۸- اگر ذینفع پس از صدور قرار اناطه ظرف مهلت مقرر گواهی لازم را به دادگاه یا مرجع صادر کننده قرار تقدیم نکند آن مرجع چه اقدامی انجام می دهد؟

- ۱) پرونده را بایگانی می کند.
- ۲) قرار رد دعوا را صادر می کند.
- ۳) قرار موقوفی تعقیب صادر می کند.
- ۴) به رسیدگی ادامه داده و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

۹- در رسیدگی به جرم تخریب عمدی دیوار [۹۹۹۹۹۹۹۹] ملکی، در صورت حدوث اختلاف در مالکیت دیوار صدور قرار اناطه

- (۱) الزامی است.
- (۲) جایز است.
- (۳) ممنوع است.
- (۴) بسته به نظر قاضی دادگاه است.

۱۰- در حوزه قضایی بخش وظیفه دادستان بر عهده کیست ؟

- (۱) بر عهده رئیس حوزه قضایی بخش است.
- (۲) بر عهده رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان است.
- (۳) بر عهده دادرس علی البدل حوزه قضایی همان بخش است.
- (۴) بر عهده دادستان شهرستان همان استان است.

۱۱- انجام وظایف دادسرا در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است به عهده کدام دادسراست ؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- (۱) اصولاً دادسرایی محل وقوع جرم
- (۲) دادسرایی شهرستان محل وقوع جرم
- (۳) دادسرایی عمومی تهران
- (۴) اصولاً دادسرایی که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند

۱۲- در صورتی که دادسرا در خصوص اتهام کلاهبرداری، قرار منع تعقیب به دلیل عدم احراز متقلبانه بودن اقدامات صورت گرفته، صادر نموده و این قرار قطعی شده باشد، طرح دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی

- (۱) تماماً منتفی است.
 - (۲) مستلزم پذیرش اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور از حیث جزایی است.
 - (۳) مستلزم طرح دادخواست در دادگاه بدوی جزایی است.
 - (۴) مستلزم طرح دادخواست در محاکم حقوقی است.
- ۱۳- دادگاه کیفری دو در جریان محاکمه متهمین به کلاهبرداری، حکم برائت تمام متهمین را صادر کرده است. در این حالت اگر دعوی ضرر و زیان نیز تقدیم همین دادگاه شده باشد ...

- (۱) دعوی خصوصی ساقط می شود.
- (۲) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم، در خصوص آن نیز عندالاقضا تعیین تکلیف کند.
- (۳) قرار سقوط دعوی صادر می شود.
- (۴) دادگاه کیفری بدلیل عدم صلاحیت، قرار مقتضی صادر می کند.

۱۴- نسخ عنوان مجرمانه، موجب سقوط کدام [۹۹۹۹۹۹۹۹] گزینه است؟

- (۱) حقوق خصوصی اشخاص
- (۲) ضرر و زیان مدعی خصوصی
- (۳) ضرر و زیان مدعی خصوصی و ضبط یا استرداد یا معدوم کردن اموال و اشیاء دخیل در جرم یا بکار رفته در جرم
- (۴) ضبط یا استرداد یا معدوم کردن اموال و اشیاء دخیل در جرم یا بکار رفته در جرم

۱۵- کدام یک از جهات ذیل، علتی برای موقوفی است؟

- (۱) رفتار جرم نباشد
- (۲) توبه در جرایم تعزیری درجه ۸
- (۳) حاکمیت امر مختوم حقوقی
- (۴) بیماری روانی

۱۶- شخصی به عنوان متهم ، در حین تعقیب، مبتلا [۹۹۹۹۹۹۹۹] به جنون می شود. در این فرض..

- (۱) اصولاً رسیدگی تا زمان افاقه به تاخیر می افتد.
- (۲) قرار موقوفی صادر می شود.
- (۳) فقط در جرایم حق الهی رسیدگی تا زمان افاقه به تاخیر می افتد.
- (۴) فقط در جرایم حق الناسی رسیدگی تا زمان افاقه به تاخیر می افتد.

۱۷- متهم به جرم سرقت، مدعی مالکیت بر مال موضوع ادعاست. در این فرض بازپرس به عنوان مقام تحقیق چه وظیفه ای دارد؟

- (۱) قرار اناطه صادر می کند.
- (۲) قرار توقف تحقیقات تا زمان تعیین وضعیت، صادر می نماید.
- (۳) رسیدگی را ادامه می دهد.
- (۴) قرار منع تعقیب صادر می نماید.

- ۱۸- قرار اناطه صادره توسط دادسرا و دادگاه به ترتیب قابل اعتراض
- (۱) هست / نیست
(۲) هست / هست
(۳) نیست / هست
(۴) نیست / نیست
- ۱۹- در حوزه قضایی بخش انجام وظایف دادستان بر عهده کدام مقام است؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]
- (۱) رئیس شعبه دادگاه عمومی بخش
(۲) معاون قضائی دادگستری کل استان
(۳) رئیس حوزه قضائی بخش
(۴) رئیس حوزه قضائی شهرستان
- ۲۰- نظارت بر قاضی دادگاه بخش در مقام انجام تحقیقات مقدماتی جرم قتل عمد بر عهده کدام مقام است؟
- (۱) دادستان کل کشور
(۲) دادستان شهرستان مربوطه
(۳) دادستان شهرستان مربوطه
(۴) رئیس حوزه قضائی بخش
- ۲۱- انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص کدامیک از جرایم ذیل، بر عهده رئیس دادگاه بخش است و سپس پرونده از طریق کیفرخواست به مرجع صالح ارسال می شود؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]
- (۱) سرقت تعزیری با مجازات قانونی تا ۱۰ سال
(۲) سرقت حدی در مرتبه سوم
(۳) توهین به اشخاص عادی با مجازات قانونی جزای نقدی درجه ۶
(۴) تمام جرایم ارتكابی در حوزه قضائی بخش
- ۲۲- یک مقام قضائی مرتکب جرمی تعزیری با مجازات قانونی حبس تعزیری درجه ۵ در شیراز شده است. در این صورت انجام وظایف دادسرا از حیث تعقیب، تحقیق، صدور کیفرخواست و دفاع از آن در این پرونده بر عهده کدام دادسرا است؟
- (۱) دادسرآی عمومی شیراز
(۲) دادسرآی عمومی تهران
(۳) دادسرآی انتظامی قضات
(۴) دادسرآی ویژه روحانیت
- ۲۳- استاندار یکی از استان ها با مشارکت شهردار یکی از شهرستان های تابعه، مرتکب اختلاس با تشکیل شبکه چند نفری (موجب مجازات ۱۵ سال زندان) شده است. در این فرض انجام وظایف دادسرا از حیث تعقیب، تحقیق، صدور کیفرخواست، دفاع از آن و اجرای حکم بر عهده کدام دادسرا است؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]
- (۱) دادسرآی عمومی تهران
(۲) دادسرآی عمومی شهرستان محل وقوع جرم
(۳) دادسرآی دیوان عالی کشور
(۴) دادسرآی ویژه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت در تهران
- ۲۴- ضابطان در مواجهه با جرایم مشهود، اختیار قانونی برای کدام امر را دارند؟
- (۱) نگهداری متهم تا ۴۸ ساعت
(۲) بازداشت موقت
(۳) اخذ تأمین کیفری
(۴) ورود به محل اختفای متهم برای جلوگیری از فرار او

۲۵- بستگان نزدیک فرد تحت نظر، از طریق چه مقاماتی می توانند نسبت به وضعیت فرد تحت نظر، کسب اطلاع کنند؟

- ۱) دادستان کل کشور
- ۲) دادستان شهرستان مربوطه و یا رئیس کل دادگستری استان
- ۳) رئیس حوزه قضائی شهرستان
- ۴) تمام مقامات فوق الذکر

۲۶- شاکی و متهم در کدام اتهام ، وکیل یا [۹۹۹۹۹۹۹۹] وکلای خود را از لیست مورد تایید رییس قوه قضائیه انتخاب میکنند؟

- ۱) جیب بری به صورت سازمان یافته
- ۲) تمام جرایم سازمان یافته
- ۳) جرم سازمان یافته با کیفر قانونی حبس درجه ۳
- ۴) جرایم سیاسی

۲۷- کدام یک از گزینه های ذیل، در صلاحیت ضابطان دادگستری نیست؟

- ۱) تحت نظر قرار دادن متهم در موارد ضروری همراه با تفهیم اتهام
- ۲) بازداشت موقت متهم در موارد ضروری همراه با تفهیم اتهام
- ۳) مطلع کردن شاکی از کمک های سازمان های مردم نهاد
- ۴) انجام تحقیقات مقدماتی در معیت مقام قضائی

۲۸- جهات موقوفی تعقیب در کدام گزینه به نحو [۹۹۹۹۹۹۹۹] صحیح ذکر شده اند؟

- ۱) جنون در حین ارتکاب جرم و یا دادرسی / صغر سن / مصونیت سیاسی / مرور زمان / نسخ عنوان مجرمانه / جرم نبودن رفتار
- ۲) جنون در حین ارتکاب جرم / صغر سن / مصونیت سیاسی / مرور زمان / نسخ عنوان مجرمانه / اعتبار امر مختوم
- ۳) جنون در حین ارتکاب جرم و یا دادرسی / صغر سن / مصونیت سیاسی / مرور زمان / نسخ عنوان مجرمانه / جرم نبودن رفتار / فقدان ادله اثباتی
- ۴) جنون در حین ارتکاب جرم / صغر سن / مصونیت سیاسی / مرور زمان / نسخ عنوان مجرمانه / جرم نبودن رفتار

۲۹- طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. این حکم، متضمن کدام یک از اصول جزایی زیر است؟

- ۱) «قانونی بودن جرم و مجازات» و «شخصی بودن مسؤولیت کیفری»
- ۲) «قانونی بودن دادرسی» و «قانونی بودن جرم»
- ۳) «فردی کردن کیفر» و «شخصی بودن مجازات»
- ۴) «قانونی بودن مجازات» و «قانونی بودن دادرسی»

۳۰- شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعدد است. در خصوص صدور قرار تأمین کیفری، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) در هر صورت، در مورد وی تأمین واحد صادر می شود.
- ۲) در مورد وی قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر اینکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی یا محلی دادگاه های مختلف باشد.
- ۳) در مورد وی قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر اینکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد.
- ۴) در مورد هر یک از اتهامات با لحاظ صلاحیت محلی، قرار تأمین مستقل صادر می شود.

۳۱- منافع ممکن الحصول، در کدام صورت قابل مطالبه است؟ [۹۹۹۹۹۹۹۹]

- ۱) در غیر جرایم موجب منصوص شرعی و دیه، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.
- ۲) در تمام جرایم، در صورتی که صدق اتلاف نماید.
- ۳) در تمام جرایم، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.
- ۴) در غیر جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که صدق اتلاف نماید.

۳۲- در احضاریه، به تشخیص مقام قضایی، کدام یک از موارد زیر درج نمی شود؟

- ۱) علت احضار
- ۲) نتیجه عدم حضور
- ۳) تاریخ حضور
- ۴) امضای مقام قضایی



۶ - ۳۲ ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)

شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱

www.fazel.ac.ir

fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

آئین دادرسی مدنی

دکتر لطفی

کلیات

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.

۱- مقررات مربوط به سازمان قضای قانون لاحق در این مقررات عطف به ماسبق و قانون لاحق در مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) تکمیلی است / می شود / نمی شود.

(۲) آمره است / می شود / می شود مگر اینکه قانونگذار خلاف آن را وضع کند.

(۳) تکمیلی است / می شود / می شود.

(۴) آمره است / نمی شود / می شود مگر اینکه قانونگذار خلاف آن را وضع کند.

۲- در خصوص قانون حاکم بر دلایل به ترتیب در مورد، [۴۲۲۷۱۰۰۰] صلح، ضمان عقدی، اتلاف و طلاق کدام گزینه صحیح می باشد؟

(۱) زمان انعقاد صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۲) زمان طرح دعوی صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۳) زمان انعقاد صلح / زمان انعقاد ضمان عقدی / زمان انعقاد قرارداد اتلاف / زمان وقوع طلاق

(۴) زمان طرح دعوی صلح / زمان طرح دعوی ضمان عقدی / زمان طرح دعوی اتلاف / زمان وقوع طلاق

۳- دادگاه در دعوای اعلام بی اعتباری سند و در مقام بررسی ذی نفعی خواهان:

(۱) بدواً وجود نفع برای خواهان را مورد بررسی قرار می دهد.

(۲) بدواً اعتبار سند را مورد بررسی قرار می دهد.

(۳) بدواً ادعای خواهان را مورد بررسی قرار می دهد.

(۴) بدواً از مرجع صادر کننده ی سند استعلام می نماید.

۴- در خصوص دعوای مطالبه مال ناشی از قمار صادر می گردد. [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) قرار عدم استماع / قرار عدم استماع

(۲) قرار رد دادخواست / قرار عدم استماع

(۳) قرار عدم استماع / حکم به محکومیت خوانده

(۴) قرار عدم استماع / قرار ابطال دادخواست

۵- کدامیک از موارد زیر استثناعات قاعده فراغ دادرسی نیست؟

(۱) رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی

(۲) صدور قرار تأمین خواسته

(۳) واخواهی

(۴) هیچکدام

۶- تغییر مفاد حکم یا جلوگیری از اجرای حکم [۴۲۲۷۱۰۰۰]

(۱) توسط دادگاه صادر کنند حکم یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون تعیین نموده است و نیز با توافق محکوم له ممکن است اجرای آن به تاخیر بیفتد.

(۲) توسط دادگاه صادر کننده حکم یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون تعیین نموده است.

(۳) توسط دادگاه صادر کننده حکم یا مرجع بالاتر آن هم در مواردی که قانون معین نموده است و نیز با توافق محکوم له ممکن است مفاد حکم تغییر یابد.

(۴) فقط توسط دادگاه صادر کننده حکم یا مرجع بالاتر ممکن است.

۷- کدام یک می تواند استثنایی بر قاعده منع رسیدگی ابتدای به یک دعوی در مرحله تجدیدنظر باشد؟

(۱) جلب ثالث و دعوای متقابل

(۲) ورود ثالث، جلب ثالث و دعوای متقابل

(۳) ورود ثالث

(۴) جلب ثالث و ورود ثالث

۸- اگر قاضی مجتهد باشد و قانون حاکم بر قضیه را خلاف شرع بداند، در مورد پرونده چه تصمیمی گرفته می شود؟

- ۱) قاضی طبق نظر خود به پرونده رسیدگی می کند.
- ۲) پرونده با صدور یک قرار شبه قاطع بایگانی می شود.
- ۳) پرونده با صدور قرار امتناع از رسیدگی به شعبه دیگری ارجاع می گردد.
- ۴) پرونده برای رسیدگی به مرجع بالاتر ارجاع می گردد.

باب اول: در صلاحیت دادگاه ها

۹- دادگاه صالح در دعاوی خانوادگی و دعاوی راجع به اختراعات کدام است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) در دعاوی خانوادگی اگر زوجه خواهان باشد دادگاه محل اقامت خوانده (زوج) و دادگاه محل سکونت خواهان (زوجه) و در دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه تهران است.
- ۲) در دعاوی خانوادگی اعم از اینکه زوجه یا زوج خواهان باشند دادگاه محل اقامت خوانده و دادگاه محل اقامت خواهان و در خصوص دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعب یا شعبه خاصی از دادگاه مرکز هر استان است.
- ۳) در دعاوی خانوادگی اگر زوجه خواهان باشد دادگاه محل اقامت خوانده (زوج) و دادگاه محل اقامت خواهان (زوجه) و در دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه مرکز هر استان است.
- ۴) در دعاوی خانوادگی اعم از اینکه زوجه یا زوج خواهان باشد دادگاه محل اقامت خوانده و دادگاه محل سکونت خواهان و در خصوص دعاوی مهریه غیرمنقول دادگاه محل وقوع ملک صالح است / دعاوی راجع به اختراعات در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه عمومی تهران است.

۱۰- رأی صادره از اداره ثبت در دعاوی افراز ملکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته قابل

- ۱) اعتراض توسط هر یک از شرکا و اعتراض ثالث از دادگاه عمومی است و این رأی قطعی است.
- ۲) اعتراض توسط هر یک از شرکا در دادگاه عمومی است و رأی دادگاه عمومی قطعی است.
- ۳) اعتراض توسط هر یک از شرکا و اعتراض ثالث در دادگاه عمومی است که رأی دادگاه عمومی قابل تجدیدنظر است.
- ۴) اعتراض توسط هر یک از شرکا در دادگاه عمومی است و رأی دادگاه عمومی قابل تجدیدنظر است.

۱۱- وزارت نفت که منزل آقای مجیدی را اجاره نموده، خساراتی به ملک ایشان در خوزستان وارد میکند، درخصوص تغییر ن میزان خسارات وارده بر ملک، کدام یک از مراجع زیر صالح برای اقامه دعواست؟ (این سوال حذف شده است.)

- ۱) دادگاه عمومی محل وقوع ملک
- ۲) دیوان عدالت اداری
- ۳) شورای حل اختلاف محل وقوع ملک و دیوان عدالت اداری
- ۴) دادگاه محل دفتر وزارت نفت

۱۲- درخواست افراز ملکی که طرف مقابل آن اداره دولتی است، چنانچه جریان ثبتی آن خاتمه یافته باشد یا خاتمه نیافته باشد به ترتیب در صلاحیت: [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) دیوان عدالت اداری است.
- ۲) دادگاه عمومی محل وقوع ملک است.
- ۳) دادگاه عمومی محل استقرار اداره ثبت، دیوان عدالت اداری است.
- ۴) اداره ثبت محل وقوع ملک، دادگاه عمومی محل وقوع ملک است.

۱۳- دعاوی اعلام ورشکستگی و اقامه دعوا بر علیه تاجر در امور غیرمالی به ترتیب در صلاحیت

- ۱) دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته / دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه
- ۲) دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه / دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته
- ۳) دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته یا دادگاه محلی که تاجر ورشکسته برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی دارد / دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه
- ۴) دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته یا دادگاه محلی که تاجر ورشکسته برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی دارد / دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته

۱۴- میان امیر و نیما قرارداد مربوط به مال منقولی منعقد می شود که محل انعقاد قرارداد و محل انجام تعهد غیر از محل اقامتگاه امیر است و بعد از انعقاد قرارداد نیز امیر فوت می نماید. لذا چنانچه نیما از بابت قرارداد - فوق ادعایی داشته باشد باید در کدامیک از دادگاههای زیر اقامه دعوا کند؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) دادگاه محل سکونت امیر
- ۲) دادگاه محل وقوع مال منقول موضوع قرارداد.
- ۳) دادگاه محل انعقاد قرارداد یا دادگاه موضوع انجام تعهد بنا بر انتخاب نیما
- ۴) دادگاه محل اقامت امیر؛ مشروط براینکه ترکه بین ورثه تقسیم نشده باشد.

۱۵- شخصی که ملک خود را به اداره مالیات اجاره داده است، در صدد طرح دعوای تخلیه می باشد. این دعوا در صلاحیت کدام یک از مراجع ذیل است: (این سوال حذف شده است.)

- ۱) دادگاه عمومی حقوقی
- ۲) دیوان عدالت اداری
- ۳) شورای حل اختلاف
- ۴) دیوان عالی کشور

۱۶- در خصوص رسیدگی به دعوای سند سجلی شخصی که در شیراز اقامت داشته و سند ثبت احوال او در اصفهان صادر گردیده است کدام مورد صحیح است؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) این دعوا مالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه اصفهان است.
- ۲) این دعوا غیرمالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه اصفهان است.
- ۳) این دعوا مالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه شیراز است.
- ۴) این دعوا غیرمالی محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه شیراز است.

۱۷- دعوای طاری دعوایی است که و در دادگاهی اقامه می شود که

- ۱) با دعوای اصلی هم منشاء و مرتبط باشد / صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی را دارد.
- ۲) با دعوای اصلی مرتبط یا هم منشاء باشد / به دعوای اصلی رسیدگی می کند.
- ۳) با دعوای اصلی مرتبط یا هم منشاء باشد / صلاحیت رسیدگی به دعوای طاری را دارد.
- ۴) با دعوای اصلی هم منشاء و مرتبط باشد / به دعوای اصلی رسیدگی می کند.

۱۸- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به در صلاحیت است.

- ۱) دادگاهی که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد.
- ۲) دادگاهی که محل اقامت مدعی اعسار است.
- ۳) دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادر کننده اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می شود.
- ۴) حسب مورد دادگاه بدوی، تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور است.

۱۹- دارنده چک به کدام دادگاه یا دادگاه ها می تواند مراجعه نماید؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) دادگاه محل صدور چک، دادگاه اقامتگاه خوانده
- ۲) دادگاه اقامتگاه خوانده، دادگاه محل استقرار بانک محال علیه
- ۳) دادگاه محل صدور چک، دادگاه اقامتگاه خوانده، دادگاه محل استقرار بانک محال علیه
- ۴) دادگاه محل صدور چک، دادگاه محل صدور گواهی عدم پرداخت

۲۰- مرجع حل اختلاف ناشی از اجرای احکام و مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داور به ترتیب است.

- ۱) دادگاه مجری حکم / دادگاه صادر کننده اجرائیه می باشد.
- ۲) دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا / دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا می باشد.
- ۳) دادگاه مجری حکم / داور می باشد.
- ۴) دادگاه صادر کننده اجرائیه / داور می باشد.

۲۱- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاه صلح واقع در یک حوزه قضائی، شهرستان های یک استان، دادگاه صلح واقع در دو استان، دادگاه صلح و دادگاه حقوقی یک استان، به ترتیب حل اختلاف با کدام مرجع خواهد بود؟ (این سوال حذف شده است)

- ۱) دادگاه تجدید نظر استان / شعبه اول دادگاه تجدید نظر استانی که مرجع قضائی آن استان اولین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده / دادگاه تجدید نظر استان.
- ۲) شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان همجوار / شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان / شعبه اول دادگاه تجدیدنظر شهرستان مرکز استانی که ابتدا نسبت به صلاحیت شورای واقع در آن اظهار نظر شده است.
- ۳) شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان همجوار / شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان / شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی که ابتدا نسبت به صلاحیت شورای واقع در آن اظهار نظر شده است.
- ۴) دادگاه تجدید نظر استان / شعبه اول دادگاه تجدید نظر استانی که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده / دادگاه تجدید نظر استان

۲۲- اگر دعاوی خانوادگی در دادگاه عمومی بخش مطرح گردد:

- ۱) دادگاه عمومی قرار امتناع از رسیدگی صادر می کند چون دادگاه خانواده شعبه ای از دادگاه عمومی حقوقی است.
- ۲) اگر در آن حوزه هنوز دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی می تواند در خصوص تمام دعاوی مربوط به خانواده رسیدگی نماید.
- ۳) اگر در آن حوزه هنوز دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی می تواند نسبت به دعاوی خانوادگی رسیدگی نماید مگر در خصوص اصل نکاح و طلاق که در دادگاه خانواده شهرستان مجاور رسیدگی می شود.
- ۴) اگر در آن حوزه هنوز دادگاه خانواده تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی می تواند نسبت به دعاوی خانواده رسیدگی نماید مگر در خصوص اصل نکاح و انحلال نکاح که در دادگاه خانواده نزدیک ترین حوزه قضائی رسیدگی می شود.

۲۳- یک مرد مسیحی ایرانی دعوای طلاق بر علیه همسر مسیحی ایرانی خود که مقیم جهرم است را اقامه می نماید. به دعوای مزبور در چه مرجعی و بر اساس چه قانونی رسیدگی می گردد؟

- ۱) در دادگاه عمومی تهران و بر اساس قانون مدنی
- ۲) در دادگاه عمومی جهرم و بر اساس قانون مدنی ایران
- ۳) در دادگاه خانواده تهران و بر اساس مذهب رسمی زوجین
- ۴) در دادگاه خانواده جهرم و بر اساس مذهب رسمی زوجین

۲۴- کدام یک از گزینه های زیر در خصوص اختلاف در صلاحیت مراجع، صحیح نیست؟

- ۱) اختلاف در صلاحیت بین مراجع قضایی دادگستری با مراجع قضایی غیردادگستری، تحقق نمی یابد.
- ۲) هرگاه بین مراجع قضایی دادگستری با دیوان عدالت اداری، اختلاف در صلاحیت رخ دهد، حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.
- ۳) نظر دادگاه تجدیدنظر استان بر تمامی دادگاه های بدوی کشور در خصوص صلاحیت محلی، لازم الاتباع است.
- ۴) هرگاه پرونده اولین بار در مراجع قضایی غیر دادگستری (غیرقضایی) مطرح گردد و این مراجع خود را صلاح ندانسته و مراجع قضایی دادگستری را صالح بدانند، بایستی پرونده را بایگانی کنند.

۲۵- هیئت نظارت اداره ثبت نسبت به پرونده ای [۴۲۲۷۱۰۰۰] خود را صالح نمی داند و دادگاه عمومی را صالح می داند چه اقدامی باید صورت گیرد؟ [۴۲۲۷۱۰۰۰]

- ۱) از رسیدگی خودداری و پرونده را بایگانی می کند.
- ۲) پرونده را به مرجع صالح ارجاع می دهد.
- ۳) بدون صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی می فرستد.
- ۴) با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی می فرستد.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

متون فقه

دکتر گلستان رو

کتاب وکالت

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.

۱- «یشترط فیها علی الأحوط التنجیز بمعنی عدم تعلیق أصل الوكالة علی شیء» با توجه به این عبارت کدام یک از صیغه های زیر درست است؟

- (۱) إذا قدم زید، وکلته فی کذا
(۲) إذا أھلّ هلال الشهر، وکلته فی کذا
(۳) أنت وکيلي فی أن تبیع داري إذا قدم زید
(۴) إذا طلع الشمس، وکلته فی کذا

۲- اگر وکیل بر علیه موکل خویش اقرار کند: [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) یقبل إقرار الوکیل فی الخصومة علی موکله
(۲) یبقي فی وکالته لکن لا یقبل اقراره
(۳) تبطل وکالته
(۴) تنفصل الخصومه

۳- فی آی مورد لا تبطل الوكالة؟

- (۱) عروض الجنون الاطباقی علی الوکیل
(۲) بفعل الوکیل ما تعلقت به الوكالة
(۳) بفعل الموکل ما تعلقت به الوكالة
(۴) تلف ما تعلقت به الوكالة

۴- آی العبارة من العبارات التالية بیان للتوکیل الصحيح؟

- (۱) یصح التوکیل فی جميع العقود کالبيع و الصلح
(۲) یصح التوکیل فی اليمين و اللعان
(۳) لا یصح التوکیل فی فسخ العقد فی موارد ثبوت الخيار و إسقاطه
(۴) یصح التوکیل فی جميع العقود کالبيع و أما الصلح فلا یصح فيه

۵- « یشترط فی کل من الموکل و الوکیل البلوغ و العقل و القصد و الاختیار و یشترط فی الموکل کونه جائز التصرف فیما و کل فيه» با توجه به این عبارت وکالت در کدام گزینه صحیح است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) سفیه برای طلاق زوجه اش و پرداخت مهریه وکیل بگیرد.
(۲) صغیر ممیز در اجرای عقد وکالت وکیل باشد.
(۳) مفلس در اجرای عقد بیع املاکش وکیل بگیرد.
(۴) سفیه برای خرید یک خانه وکیل بگیرد.

۶- «لا یجوز للوکیل أن یوکل غیره فی ایقاع ما توکل فيه لا عن نفسه و لا عن الموکل إلا بإذنه و معه یجوز بکلا النحوین» با توجه به این عبارت کدام گزینه درست است؟

- (۱) برای وکیل جایز نیست که از سوی خودش یا موکل ایقاعی را منعقد کند حتی با اذن
(۲) برای وکیل جایز نیست که ایقاعی را از سوی خودش یا موکل منعقد کند مگر با اذن موکل
(۳) برای وکیل جایز نیست که در واقع ساختن مورد وکالت به دیگری وکالت دهد، مگر با اذن موکل
(۴) برای وکیل جایز نیست کاری را واقع کند از سوی خودش یا وکیل اما با اذن موکل هر دو صورت جایز است.

۷- در کدام مورد سخن وکیل پذیرفته می شود؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) لو اختلفا فی التوکیل
(۲) لو اختلفا فی التلف أو فی تفریط الوکیل
(۳) لو اختلفا فی دفع المال إلی الموکل
(۴) لو اختلفا فی وقوع عقد الوكالة

۸- «یجوز أن یتوکل اثنان فصاعدا عن واحد فی أمر واحد، فإن صرح الموکل بانفرادهما أو کان لکلامه ظاهر متبع فی ذلک جاز لكل منهما الاستقلال فی التصرف من دون مراجعه الآخر و إلا لم یجز الانفراد لأحدهما»

- با توجه به این عبارت در کدام گزینه انجام مورد وکالت فقط به صورت اجتماعی امکان دارد؟
(۱) محمد به علی و روزبه وکالت داده و به آنها اجازه داده به طور اجتماعی و انفرادی وکالت کنند.
(۲) یوسف به متین و علیرضا وکالت داده و شرط کرده که به صورت انفرادی کار را انجام دهند.
(۳) محمد به یاسین و امیر وکالت داده و فقط به آنها گفته شما دو نفر وکیلان من هستید.
(۴) ظهور کلام موکل دلالت دارد که هر وکیل به طور مستقل می تواند کار مورد وکالت را انجام دهد.

۹- «ما کان شرطاً فی الموکل و الوکیل ابتداء شرط فیهما استدامة، فلو جُنا أو أغمی علیهما أو حجر علی الموکل فیما وُکل فيه» کدام گزینه در تکمیل این عبارت صحیح است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) صحت الوكالة
(۲) تنفذ الوكالة
(۳) بطلت الوكالة
(۴) لا تنفذ الوكالة

۱۰- کدام گزینه در صیغه عقد وکالت درست است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) لو قال الوکیل: «أنا وکیلک فی بیع دارک» مُستفهماً صح.
- (۲) توالی عرفی و موالات بین ایجاب و قبول شرط است.
- (۳) وکالت با معاطات و کتابت واقع نمی شود.
- (۴) إذا أهل هلال الشهر وکلّک فی کذا

۱۱- «یشترط فی الموکل فیہ أن یكون قابلاً للتفویض إلی الغیر بأن لم یعتبر فیہ المباشرة من الموکل» با توجه

به این عبارت کدام یک از امور زیر قابل توکیل است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) وکالت در خمس
- (۲) وکالت در حج
- (۳) وکالت در نماز
- (۴) وکالت در روزه

۱۲- «یشترط فی الموکل کونه جائز التصرف فیما وکل فیہ، فلا یصح توکیل المحجور علیه لفسه أو فلس فیما

حجر علیهما» با توجه به این عبارت وکالت در کدام گزینه درست است؟

- (۱) وکالت دادن سفیه در بیع مال
- (۲) وکالت دادن ورشکسته در رهن مال
- (۳) وکالت دادن سفیه در عوض طلاق خلع
- (۴) وکالت دادن سفیه در طلاق

۱۳- کدام گزینه درباره عقد وکالت درست است؟

- (۱) و تصح بفعل ما ینافیه کما و کله فی بیع شیء ثم أوقفه.
- (۲) تبطل الوکالة بعروض الجنون
- (۳) تصح بفعل الموکل ما تعلقت به الوکالة کما لو وکله فی بیع شیء ثم باعه.
- (۴) تبطل الوکالة بمرض الوکیل

۱۴- کدام وکالت درست نیست؟

- (۱) وکاله المرتد عن الفطره
- (۲) وکالت سفیه از سوی دیگری در امور غیر مالی
- (۳) وکیل ورشکسته و موکل ورشکسته نیست.
- (۴) وکیل گرفتن صغیر در بیع

۱۵- أی العبارة لا تصح فی شرائط الوکیل و الموکل: [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) یشترط فی الموکل کونه جائز التصرف فیما و کل فیہ
- (۲) یشترط فی الوکیل کونه متمکناً عقلاً و شراً من مباشرة ما توکل فیہ
- (۳) یشترط فی الموکل أن یكون إیقاعه جائزاً له و لو بالتسبیب
- (۴) یشترط فی الوکیل کونه جائز التصرف فیما و کل فیہ

۱۶- «یشترط فیما وکل فیہ أن یكون سائغاً فی نفسه»، با توجه به این عبارت وکالت در کدام یک درست

است؟

- (۱) سرقت
- (۲) غضب
- (۳) زنا
- (۴) وصیت

۱۷- «لو لم یتمکن شراً أو عقلاً من إیقاع أمر إلا بعد حصول أمر غیر حاصل حین التوکیل» با توجه به این

عبارت کدام شیوه وکالت درست است؟

- (۱) وکالت در طلاق زنی که در حبالة نکاح او نیست.
- (۲) وکالت در تزویج زنی و سپس طلاق دادن او
- (۳) وکالت در بیع خانه ای که قرار است بخرد.
- (۴) وکالت در تزویج زنی که پس از عده او را عقد کند.

۱۸- کدام گزینه صحیح است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) تصح الوکالة فی العبادات
- (۲) لاتصح الوکالة فی العبادات
- (۳) تصح الوکالة فی العبادات البدنیة دون المالیه
- (۴) تصح الوکالة فی العبادات المالیه دون البدنیة

۱۹- کدام گزینه درست نیست؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) تصح الوکاله فی جميع العقود
- (۲) تصح الوکاله فی الايقاعات و حيازه المباحات و طلاق
- (۳) تصح الوکاله فی الشهاده و اليمين و لعان و اقرار و ايلا
- (۴) تصح الوکاله فی القبض و الاقباض و رجوع فی الطلاق

۲۰- «أنت وكيل في بيع أحد أملاكی أو في بيع ملكي» کدام گزینه درباره وکالت در این جمله درست است؟

- (۱) عامة من الجهتين
- (۲) مطلقة من جهة التصرف خاصة من جهة متعلقه
- (۳) مطلقة من جهة المتعلق خاصة من جهة تصرفه
- (۴) مطلقة من الجهتين

۲۱- کدام وکالت صحیح نیست؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) وکلتک علی أمر من الامور
- (۲) وکلتک علی جميع اموری
- (۳) وکلتک فی التصرف فی مالی
- (۴) وکلتک فی شراء بيت المعین

۲۲- کدام گزینه مصداق تخییر در متعلق و اطلاق در تصرف است؟

- (۱) لو قال: «أنت وكيل في بيع داري» مقابل المقيد بثمان معین أو شخص معین
- (۲) «أنت وكيل في بيع هذه الدابة أو هذه الفرش»
- (۳) «أنت وكيل في بيع داري أو صلحها أو هبتها أو إيجارها»
- (۴) و كله في جميع التصرفات الممكنة في داره المعينة

۲۳- «لا بد أن يقتصر الوكيل في التصرف في الموكل فيه على ما شمله عقد الوكالة صريحا أو ظاهرا و لو بمعونة قرائن حالية أو مقالية لو خالف الوكيل و أتى بالعمل على نحو لم يشمله عقد الوكالة فإن كان مما يجري فيه الفضولية كالعقود توقفت صحته على إجازة الموكل».

- با توجه به این عبارت کدام گزینه درست نیست؟
- (۱) اگر وکیل خلاف عقد انجام دهد، در ایقاعات باطل و در عقود غیرنافذ است.
 - (۲) وکیل در فروش خانه، خانه را اجاره دهد، عمل مباین انجام داده و فضولی است.
 - (۳) وکیل در فروش خانه با خیار، بدون خیار بفروشد، فضولی است.
 - (۴) وکیل در بیع خانه به ۱۰۰ آن را به ۹۰ بفروشد، صحیح است.

۲۴- مطابق عبارت زیر اگر کسی به دیگری وکالت در فروش مال خود دهد، آیا وکیل می تواند آن مال را برای خود خریداری کند؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- «لو وكله في بيع سلعة أو شراء متاع فان صرح بكون البيع أو الشراء من غيره أو بما يعم نفسه فلا إشكال، و إن أطلق فهل يعم نفس الوكيل فيجوز أن يبيع السلعة من نفسه أو يشتري له المتاع من نفسه أم لا؟ وجهان بل قولان، أقواهما الأول»
- (۱) در وکالت عام و مطلق می تواند.
 - (۲) در وکالت عام و مطلق نمی تواند مگر اینکه تصریح شده باشد که وکیل می تواند.
 - (۳) فقط در وکالت عام می تواند.
 - (۴) فقط در وکالت مطلق می تواند.

۲۵- کدام گزینه صحیح است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) يجوز للوكيل أن يوكل غيره في ايقاع ما توكل فيه عن نفسه
- (۲) لو كان وكيل الثاني وكيلًا عن الموكل، تبطل وکالته بموت الوكيل الاول
- (۳) لو كان وكيل الثاني وكيلًا عن الموكل، كانت وکالته تبعا عن الوکاله الوكيل الاول.
- (۴) لو كان وكيل الثاني وكيلًا عن الموكل، يكون للموكل عزله من دون عزل وكيل الاول.

۲۶- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) للموكل أن يعزل الوكيل و هو لا يعزل بنفس عزله بل يعزل بعد القبول
- (۲) فللوكيل أن يعزل نفسه مع حضور الموكل و غيبته
- (۳) فلو أمضى الوكيل أمرا بعد عزل الموكل لم يكن نافذا
- (۴) فلو أمضى الوكيل أمرا بعد عزل و بلوغه اياه يكون نافذا

۲۷- لاتبطل الوكالة ب [۴۲۲۷۵۰۷۲].....

- (۱) موت الوکیل و الموکل و جنون و إغما
- (۲) تلف ما تعلقت به الوكالة
- (۳) فعل الموکل ما تعلقت به أو فعل الموکل ما ینافیہ
- (۴) ارتداد الوکیل

۲۸- لو وكله في استيفاء دينه من زيد فجاء إليه للمطالبة فقال زيد: خذها عن الدين الذي تطالبني به فلان فأخذها:

- (۱) كان قابضا للموکل و برأت ذمة زيد، و ليس له الاسترداد.
- (۲) صار وکیل زيد في قضاء دينه و كانت الدراهم باقية على ملك زيد
- (۳) كان قابضا للموکل و برأت ذمة زيد، و كان لزید استردادها
- (۴) صار وکیل زيد في قضاء دينه و ليس الدراهم باقية على ملك زيد

۲۹- التوكيل في الخصومة و المرافعة لكل من المدعي و المدعى عليه، بل لذوي المروءات من أهل الشرف و المناصب الجليلة أن يتولوا المنازعة و المرافعة بأنفسهم» کدام گزینه در تکمیل این عبارت درست است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) يجوز / يستحب
- (۲) يكره / يجوز
- (۳) يجوز / يكره
- (۴) يستحب / يكره

۳۰- با توجه به عبارت زیر، از جمله وظایف وکیل خواهان چیست؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) «وکیل المدعی وظیفته بث الدعوی علی المدعی عند الحاكم، و إقامة البينة و تعديلها»
- (۲) اقامه دعوا و اثبات عدالت شهود
- (۳) تفصیل دعوا و درخواست تعديل بينه خوانده
- (۴) تبیین قلمرو دعوا و درخواست گواهی بر عدالت بينه
- (۵) افشا و اقامه دعوا و معرفی شهود

۳۱- «الوكيل بالخصومة لا يملك الصلح عن الحق أو الإبراء منه إلا أن يكون وكيلا في ذلك أيضا بالخصوص.» کدام گزینه درباره این عبارت صحیح است؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) وکیل در خصومت مطلقا حق صلح ندارد.
- (۲) وکیل در دعوا با وکالت در ابراء حق ابراء دارد.
- (۳) وکیل در دعوا با وکالت در صلح حق ابراء دارد.
- (۴) وکیل در دعوا حق صلح یا ابراء دارد.

۳۲- «يجوز أن يوكل اثنين فصاعدا بالخصومة كسائر الامور» این عبارت به کدام گزینه اشاره دارد؟

- (۱) هر فرد فقط می تواند دو نفر را وکیل خود نماید نه بیشتر.
- (۲) در خصومت و مرافعه فقط می توان دو نفر را وکیل خود نمود برخلاف سایر امور که محدودیتی ندارند.
- (۳) دو یا چند نفر می توانند به یک نفر وکالت دهند.
- (۴) دو یا چند نفر می توانند وکالت امری را از فردی قبول نمایند.

۳۳- اثبات وکالت با کدام یک در محکمه پذیرفته نیست؟ [۴۲۲۷۵۰۷۲]

- (۱) لو وكل رجل وکیلا بحضور الحاكم في خصوماته
- (۲) إذا ادعى عند الحاكم وکالته في الدعوی و أقام البينة عنده علیها
- (۳) إذا ادعاه من دون بينة و أحضر خصما و لم یصدقه في وکالته
- (۴) إذا ادعى عند الحاكم وکالته في الدعوی و یصدقه الموکل

۳۴- کدام گزینه درباره وکالت صحیح نیست؟

- (۱) لو وكله في الدعوی و تثبیت حقه علی خصمه لم یکن له بعد الإثبات قبض الحق
- (۲) لو و کله في استيفاء حق له علی غیره فجحد من علیه الحق لم یکن للوکیل مخاصمته
- (۳) لو وكله في قبض دينه من شخص فمات قبل الأداء لم یکن له مطالبة وارثه إلا أن تشملها الوكالة.
- (۴) لو وكله في إيداع مال فأودعه بلا إشهاد فجحد الودعي یضمنه الوکیل إلا إذا و کله في أن یودعه مع الاشهاد فخالف



وکالت توریو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

مَنُون فَقه

تحریر الروضه (ویژه آزمون مرکز وکلا)

دکتر گلستان رو

فصل اول: بیع

بخش اول: اقسام بیع

- ۱- ای مورد لا یكون من تقسیمات موضوع التجارة؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]
 (۱) محرم (۲) مستحب (۳) مکروه (۴) مباح
- ۲- اقسام «ما یکتسب به» از جهت حکم شرعی مطابق کتاب «شرح اللمعة» کدام است؟
 (۱) محرم، واجب (۲) محرم، مکروه، مباح (۳) واجب، مستحب (۴) مکروه، مستحب
- ۳- عبارت: «الاجرة على الافعال الخالية من غرض حکمی کالعبث.» دربردارنده کدام حکم تکلیفی است؟
 (۱) اباحه (۲) حرمت (۳) فاقد حکم تکلیفی ولی مالک نمی شود. (۴) کراهت
- ۴- در کدام گزینه، موضوع تجارت از جهت حکم، مانند «بیع الصلیب» است؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]
 (۱) بیع الصنم (۲) بیع الکل الماشیه (۳) بیع الابوال و الاروات مما یوکل لحمه (۴) بیع الدرغ و البیضة لاعداء الدین
- ۵- کدام مورد داخل در مکاسب محرمه یا ملحق به آن دانسته شده است؟
 (۱) الکتابه للظالمین و لو بغير ظلم (۲) تعلم السحر لیتوقی به (۳) حفظ کتب الضلال و لو للنقص لها (۴) تزیین للرجل بالذهب و إن قلّ
- ۶- کدام گزینه یکی از مستثنیات حکم غیبت را بیان می کند؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]
 (۱) القول فی المومن بما یسوءه لو سمعه (۲) ذکر معایب الناس بالشعر و لا فرق بین المومن و الفاسق (۳) تلقین احد الخصمین حجه بان یغلب الخصم (۴) الشهادة على فاعل المحرم حسبة
- ۷- عبارت: «هی عمل یوجب طاعة بعض الجان له فیما یامره به» تعریف کدام است؟
 (۱) القیافة (۲) الکهانة (۳) السحر (۴) الشعیذة
- ۸- اخذ اجرت در کدام مورد، مصداق تکسب حرام به شمار نمی آید؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]
 (۱) تغسیل الموتی و تکفینهم (۲) تنظیف الموتی و وضوئهم (۳) دفن الموتی و الصلوة علیهم (۴) حمل الموتی إلى المغتسل و القبر
- ۹- «تجارت» به معنای «نفس تکسب» از جهت حکم شرعی چه اقسامی دارد؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]
 (۱) دو قسم الزامی از احکام خمسہ تکلیفیه (۲) تمام اقسام خمسہ تکلیفیه غیر از اباحه (۳) تمام احکام خمسہ تکلیفیه (۴) سه قسم غیر الزامی از احکام خمسہ تکلیفیه
- ۱۰- اخذ اجرت در کدام مورد، مصداق تکسب حرام به شمار نمی آید؟ (ارشاد سراسری ۹۰)
 (۱) تغسیل الموتی و تکفینهم (۲) تنظیف الموتی و وضوئهم (۳) دفن الموتی و الصلوة علیهم. (۴) حمل الموتی إلى المغتسل و القبر
- ۱۱- حرمت بیع سلاح و مانند آن به اعداء دین، مطلق است یا به زمان خاصی اختصاص دارد؟ (سراسری ۸۶)
 (۱) به زمانی اختصاص دارد که فروشنده دیگری وجود نداشته باشد. (۲) به زمان جنگ چه با مسلمین و چه با دیگران اختصاص دارد. (۳) به زمان جنگ یا آماده شدن برای جنگ با مسلمین اختصاص دارد. (۴) به زمانی اختصاص ندارد، بلکه در همه ی ازمه است.

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.



- ۱۲- در عبارت «و من آداب البیع ترک معامله الادنین و المحارفين و المؤوفين»، مراد از «المحارفين» چیست؟
(۱) ذوی الشبهة فی المال
(۲) ذوی الآفة و النقص فی ابدانهم
(۳) الذین یحاسبون علی الشئء الدون
(۴) الذین لا یبارک لهم فی کسبهم

بخش دوم: بیع و شرایط عقد و طرفین

۱۳- در صورت ردّ عقد فضولی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) یرجع المشتري علی البایع بالثمن، ان کان باقیاً، عالماً کان او جاهلاً
(۲) لا یرجع المشتري علی البایع بما اغترم، عالماً کان او جاهلاً
(۳) لا یرجع المشتري العالم علی البایع بالثمن، و ان کان باقیاً
(۴) یرجع المشتري علی البایع بما اغترم، و ان کان عالماً

۱۴- لو باع درهماً و دیناراً بثوبین و ظهر الدرهم مستحقاً للغير و لم یجز المالك ... [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) لا خيار للمشتري
(۲) کان للمشتري خيار الشركة
(۳) کان للمشتري خيار تبعض الصفقة
(۴) کان للمشتري الخيار لو کان البیع علی الدرهم المعین

۱۵- در باب مقاصه کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) ودعی نمی تواند ودیعه را به عنوان تقاص اخذ کند.
(۲) جواز مقاصه متوقف بر عدم وجود بینة یا عدم امکان ترافع است.
(۳) پس از مقاصه، بیع آن به خود تقاص کننده جایز است؛ اگر چه بیع به دیگری سهل باشد.
(۴) جواز مقاصه بنا بر مشهور متوقف بر اذن حاکم است اگر اذن امکان داشته باشد.

۱۶- با توجه به عبارت «إن قبض المشتري المبيع المجهول كان مضموناً علیه» مستند ضمان مشتری است؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) قاعده غرور
(۲) به دلیل علم مشتری به بطلا بیع
(۳) من اتلف مال الغير فهو له ضامن
(۴) به دلیل قاعده کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده و برعکس آن

۱۷- کدام مورد، صحیح است؟

- (۱) یجوز ابتیاع جزء معلوم النسبة مشاعاً و ان اختلفت اجزائه و کان الاصل معلوماً
(۲) لو باع قفيزاً من صبرة بطل و ان یعلم کمیة الصبرة
(۳) لو باع شاة غیر معلومة من قطیع صح ان تساوات اثمانها
(۴) لو باع المعدود وزناً بطل

۱۸- معامله در کدام مورد باطل است؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) بیع سمک الآجام
(۲) بیع اللبن فی الضرع
(۳) بیع الجلود و الاصواف و الاشعار
(۴) همه موارد

۱۹- با فرض صدق اکراه نسبت به معامله با «المکره علی وجه مرتفع قصده اصلاً» این معامله مانند معامله با ... است.

- (۱) سفیه
(۲) سکران
(۳) فضول
(۴) مجنون ادواری در دوره إفاقة

۲۰- «مقاص» در عبارت «يجوز لجميع من له الولاية تولی طرفی العقد الا من المقاص» به کدام معنی است؟

- (۱) طلبکاری است که مدیون دین او را انکار می کند.
(۲) نماینده حاکم شرع است که مال مدیون را می فروشد.
(۳) وکیل مالک است که مال موکل خود را می فروشد.
(۴) ولی مالک است که مال مولی علیه را می فروشد.

۲۱- با توجه به عبارت «فالنماء المتخلل بین العقد و الاجازة للمشتري»، کدام گزینه صحیح است؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) اجازه کاشف از صحت عقد فضولی از هنگام وقوع است.
- (۲) اجازه ناقل است و عقد فضولی از هنگام اجازه صحیح است.
- (۳) اجازه در بیع فضولی عقد جدیدی است.
- (۴) بیع فضولی از ابتداء باطل است و اجازه تأثیری ندارد.

۲۲- با توجه به عبارت و يجوز للجميع تولی طرفی العقد إلا الوكيل و المقاض؛ کدام حکم صحیح است؟ وکیل و مقاض ...

- (۱) حکم حاکم را دارند و نظر آنها تحکیمی است.
- (۲) نمی توانند خودشان هم بایع باشند و هم مشتری مگر اینکه هر کدام از آن دو اذن داشته باشند.
- (۳) نمی توانند خودشان هم بایع باشند و هم مشتری مگر وکیل که اذن داشته باشد.
- (۴) نمی توانند نقش بایع با مشتری را ایفا نمایند.

۲۳- قدر مشترک اصطلاحات «اب»، «جد»، «وصی»، «وکیل»، «حاکم»، کدامیک از عناوین زیر است؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) ولی
- (۲) نماینده قانونی
- (۳) نماینده قراردادی
- (۴) قائم مقام

۲۴- عبارت «فالنماء المتخلل للمشتري و نماء الثمن المعین للبايع» با کدام یک از موارد زیر مطابقت دارد؟

- (۱) ناقل بودن
- (۲) تملیکی بودن عقد بیع ناظر بر عین معین
- (۳) کاشف بودن
- (۴) موارد «ب» و «ج»

۲۵- یشترب فی المبيع أن یكون طلقاً، فلا یصح بیع [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) غیر المقدور
- (۲) ما لا یملك
- (۳) الوقف
- (۴) العبد

۲۶- ترجمه دقیق عبارت یشترب علم الثمن فلا یصح البیع بحکم احد المتعاقدين و ان ورد فی رواية شاذة جواز تحکیم المشتري کدام است؟

- (۱) علم به ثمن هنگام عقد شرط است بنابر این صحیح نیست که تعیین ثمن به رای یکی از متعاملین موکول شود هر چند در روایت نادری حکم قرار دادن مشتری جایز شمرده شده است.
- (۲) علم به ثمن هنگام عقد شرط است بنابراین صحیح نیست که تعیین ثمن به رای یکی از متعاملین موکول شود مگر آنکه مشتری کسی را برای تعیین ثمن حاکم قرار دهد.
- (۳) علم به ثمن هنگام عقد شرط است مگر آنکه طبق روایت با توافق متعاقدين مشتری حکم قرار داده شود.
- (۴) علم به ثمن هنگام عقد شرط است و در صورت اختلاف مشتری می تواند به حاکم رجوع کند.

۲۷- با توجه به عبارت یشترب فی اللزوم الملك لکل من المتبايعين لما ینقله من العوض فبدونه یقع العقد موقوفاً، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مالکیت شرط صحت است.
- (۲) مالکیت شرط لزوم است.
- (۳) بیع فضولی از اصل باطل است.
- (۴) اجازه مالک ناقل است.

۲۸- مستند عبارت لا یصح بیع المباحث قبل الحیازة، کدام است؟ [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) لا بیع الا فی ملک
- (۲) مباحث قابل تملک نیستند.
- (۳) مباحث قابل حیات نیستند.
- (۴) مباحث ملک طلق نیستند.

۲۹- «یشترب فی اللزوم الملك لكل من البائع و المشتري لما ینقله من العوض» [۴۲۲۷۷۳۵۳]

- (۱) شرط لازم در بیع است که بایع و مشتری مالک چیزی باشند که به طرف مقابل انتقال می دهند.
- (۲) بیع در صورتی لازم است که بایع و مشتری نسبت به انتقال مال خود به دیگری اقدام کرده باشند.
- (۳) مالکیت بایع و مشتری نسبت به آنچه به طرف مقابل انتقال می دهند، شرط لزوم عقد بیع است.
- (۴) انتقال عوضین به بایع و مشتری در صورتی است که انتقال به صورت لازم و غیر قابل فسخ به عمل آید.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

پاسخنامه



نام درس	تعداد سوال	از صفحه	تا صفحه
حقوق مدنی	۶۳۶	۴	۵۲
حقوق جزای عمومی و اختصاصی	۳۴۹	۵۴	۷۷
متون فقه / تحریرالوسیله (ویژه کانون وکلا)	۱۹۶	۸۰	۹۵
متون فقه / تحریر الروضه (ویژه مرکز وکلا)	۳۵۹	۹۸	۱۱۴
حقوق اساسی	۲۰۰	۱۱۶	۱۲۰
حقوق تجارت	۲۶۸	۱۲۲	۱۳۷
آئین دادرسی مدنی	۳۰۶	۱۴۰	۱۵۶
آئین دادرسی کیفری	۲۵۶	۱۵۸	۱۶۹
حقوق ثبت	۱۵۱	۱۷۲	۱۸۶
اصول فقه	۶۳۸	۱۸۸	۲۲۹

هرگونه تکثیر، مطالعه و استفاده بدون اجازه کتبی از مؤسسه آموزش عالی فاضل به لحاظ قانونی و شرعی غیر مجاز بوده و موجب ضمان می گردد.





وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق مدنی

دکتر لطفی

- ۱- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۷۲ ق.م و ر.ک به حاشیه ۲ ماده ۷۳ در کتاب قانون مدنی در کتاب نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان
- ۲- **گزینه ۴ صحیح است.** درستی گزینه «۱» با استناد به مواد ۶۲ و ۶۳ ق.م و صحت گزینه «۲» با استناد به ماده ۶۴ ق.م و صحیح بودن گزینه «۳» با استناد به ماده ۷۴ ق.م معلوم می شود. ماده ۶۲ ق.م: «در صورتی که موقوف علیهم محصور باشند خود آن ها قبض می کنند و قبض طبقه اولی کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد، متولی وقف و الا حاکم قبض می کند.» ماده ۶۳ ق.م: «ولی و وصی محجورین از جانب آن ها موقوفه را قبض می کنند و اگر خود واقف تولیت را برای خود قرار داده باشد، قبض خود او کفایت می کند.» ماده ۶۴ ق.م: «مالی را که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است می توان وقف نمود و همچنین وقف ملکی که در آن حق ارتفاق موجود است جائز است بدون اینکه به حق مزبور خللی وارد آید.» ماده ۷۴ ق.م: «در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف علیهم واقع شود می تواند منتفع گردد.»
- ۳- **گزینه ۱ صحیح است.** درستی گزینه «۱» با استناد به بند ۲ ماده ۵۱ ق.م و نادرستی گزینه های «۲»، «۳» و «۴» به ترتیب با استناد به مواد ۵۳، ۴۴ و ۴۹ ق.م مشخص می شود. ماده ۵۱ ق.م: «حق انتفاع در موارد ذیل زایل می شود: ۱- در صورت انقضاء مدت ۲- در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است.» ماده ۵۳ ق.م: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی شود ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.» ماده ۴۴ ق.م: «در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند.» ماده ۴۹ ق.م: «مخارج لازمه برای نگهداری مالی که موضوع انتفاع است بر عهده منتفع نیست مگر این که خلاف آن شرط شده باشد.»
- ۴- **گزینه ۲ صحیح است.** ر.ک به مواد ۴۶، ۵۸ و ۴۷۵ ق.م و اطلاق لفظ مال در این ماده از حیث منقول یا غیرمنقول بودن و مفهوم موافق ماده ۴۷۵ ق.م به این بیان که وقتی اجاره مال مشاع جایز است اجاره مال مفروز به طریق اولی جایز است.
- ۵- **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به مواد ۴۵ و ۴۶ ق.م در مورد حق انتفاع و مواد ۵۸ و ۶۹ ق.م در مورد وقف. نادرستی گزینه «۱» به دلیل کلمه «برخی» و مخالفت با ماده ۴۷ ق.م است. صحیح نبودن گزینه «۲» به دلیل مخالفت با ماده ۴۸ ق.م و نیز این است که با سوءاستفاده یا تعدی یا تفریط منتفع، ید او به موجب ماده ۵۲ ق.م از امانی به ضمانی مبدل می شود اما چنین امری از اسباب زوال حق انتفاع، مذکور در مواد ۵۱ (و حواشی ۱ و ۲ این ماده و حاشیه ۱ ماده ۵۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان) و ۴۴ ق.م نمی باشد. نادرستی گزینه «۳» به دلیل مخالفت با ماده ۵۳ ق.م است. زیرا منتقل الیه نمی تواند عقد موجد حق انتفاع را فسخ کند و فقط در صورت جهل به وجود حق انتفاع در مال موضوع معامله، حق فسخ معامله انجام شده را دارد.
- ۶- **گزینه ۱ صحیح است.**
- ۷- **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به حواشی ۲ و ۴ ماده ۱۸ ق.م و حواشی ۲ و ۳ ماده ۲۰ ق.م در کتاب قانون مدنی در کتاب نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. طبق حاشیه ۲ ماده ۱۸ ق.م دعوایی که موضوع آن حق غیرمنقول است به تابعیت از حق، غیرمنقول است، مانند دعاوی تصرف و خلع ید امانی و غاصبانه و اجبار فروشنده ملک بر تسلیم مبیع و دعاوی که موضوع آن تملک مال غیرمنقول است (دعاوی فسخ و بطلان و عدم نفوذ معامله انجام شده) و طبق حاشیه ۴ ماده ذکر شده دعاوی مربوط به اجرت المثل و خسارات وارد بر املاک، غیرمنقول است. مطابق حاشیه ۲ ماده ۲۰ ق.م تعهد یا دینی که موضوع آن به طور مستقیم مال غیرمنقول باشد (مانند تعهد به تسلیم ملک) به تابعیت از موضوع آن، غیرمنقول است. پس، در ماده ۲۰ فرض شده است که موضوع قرض و ثمن و مال الاجاره پول یا مال منقول دیگری است و به اطلاق آن نباید اعتماد کرد و مطابق حاشیه ۳ این ماده، اجرت المثل را نباید با مال الاجاره در این ماده قیاس کرد و در هر حال منقول شمرد. دعاوی اجرت المثل املاک باید در محل وقوع ملک اقامه شود.
- ۸- **گزینه ۳ صحیح است.** با استناد به ماده ۳۷ ق.م. نظر مشهور و قانون مدنی بر آن است که در تعارض بین مالکیت سابق و تصرف فعلی، تصرف فعلی یک اماره بوده و بر مالکیت سابق مدعی ترجیح دارد و تنها با اقرار متصرف به مالکیت سابق مدعی، اماره تصرف از اعتبار ساقط شده و مالکیت سابق مدعی، استصحاب می شود. در واقع در این حالت انقلاب دعوی رخ می دهد یعنی متصرف (که منکر بود) جای خود را به مالک سابق (که مدعی بوده) می دهد و جای مدعی و منکر عوض شده و زین پس متصرف مدعی است و باید انتقال ملک به سبب ناقل صحیح به خود را اثبات نماید. البته مرحوم دکتر کاتوزیان معتقدند که مالکیت سابق مدعی با هر یک از ادله اثبات دعوی (حتی غیر از اقرار) اثبات شود وضع همین است اما نظر مشهور ارجح است. ایراد گزینه «۱» برخلاف صحیح بودن آن است. ایراد گزینه «۲» آن است که سند عادی نیاز به احراز و تأیید دادگاه به موجب حکم دارد. ایراد گزینه «۴» آن است که با اقرار متصرف، اماره تصرف از اعتبار ساقط می شود. صحت گزینه «۳» با لحاظ ماده ۳۷ و توضیحات فوق معلوم می شود.
- ۹- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون مدنی. گزینه «۱» نادرست است، با توجه به حاشیه یک ماده ۱۰۲ کتاب نظم مرحوم استاد دکتر کاتوزیان. گزینه «۲» نادرست است زیرا در گزینه «۲» عبارت مطلقاً عنوان شده که ارتفاق را زایل نمی کند در حالی که می بایست عنوان شود اصولاً؛ زیرا یکی از استثنائات آن تصریح بر خلاف آن است (ماده ۱۰۲). قسمت ادامه هم برخلاف ماده ۱۰۳ است. گزینه «۳» نادرست است زیرا قسمت اول گزینه مانند گزینه «۲» می بایست از عبارت اصولاً استفاده شود و قسمت دوم هم برخلاف ماده ۱۰۶ می باشد.
- ۱۰- **گزینه ۴ صحیح است.** با توجه به ماده ۸۳ قانون مدنی، متولی نمی تواند تولیت را به دیگری تفویض کند مگر آن که واقف در ضمن وقف به او اذن داده باشد ولی اگر در ضمن وقف شرط مباشرت نشده باشد می تواند وکیل بگیرد پس در واقع در تولیت اصل بر عدم تفویض است مگر با اذن واقف و اصل بر توکیل است مگر اینکه شرط مباشرت متولی شده باشد، پس ایراد گزینه های ۱ و ۲

مشخص گردید. همچنین با توجه تبصره ۳ ماده ۴ قانون اوقاف: در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هر گاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد هر گاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود. لذا ایراد گزینه «۳» نیز مشخص گردید.

۱۱- گزینه ۲ صحیح است. با استناد به مواد ۶۴ و ۶۵ ق.م. همچنین ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۶۵ در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. لازم به ذکر است که دادن مالکیت منفعت به صورت موقت یا حق انتفاع یا حق ارتفاق از سوی مالک به دیگری هیچ مانعیتی در صحت وقف ایجاد نمی کند. اما دادن منفعت ملک به صورت دائم به دیگری، مانع صحت وقف است؛ زیرا وقف ملکی که منافع دائم آن به دیگری تعلق دارد (مسلوب المنفعه) صحیح نیست (ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۶۴ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان).

۱۲- گزینه ۳ صحیح است. با استناد به ماده ۱۳۲ ق.م. لازم به ذکر است که برای جواز تصرف مالک در فرض سوال، دو شرط می بایست جمع باشد: به مقدار متعارف بودن تصرف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر بودن آن از مالک متصرف.

۱۳- گزینه ۱ صحیح است. با استناد به مواد ۴۵ حق انتفاع را فقط درباره شخص یا اشخاصی می توان برقرار کرد که در حین ایجاد حق مزبور وجود داشته باشند ولی ممکن است حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد به وجود نیامده‌اند برقرار شود و براساس ماده ۶۹ ق.م. وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود.

۱۴- گزینه ۴ صحیح است. مستند درستی گزینه «۴» ماده ۲۰ ق.م. و حاشیه ۳ آن ماده است، همچنین طبق حاشیه ۴ ماده ۱۸ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان، دعاوی مربوط به اجرت المثل و خسارات وارد بر املاک، غیر منقول است لذا گزینه «۱» که به صورت عام اجرت المثل هر نوع مال را منقول محسوب میدارد گزینه صحیحی نیست. و نیز مطابق ماده ۱۶ ق.م. مطلق اشجار و شاخه های آن مادام که بریده یا کنده نشده غیر منقول است و مطابق ماده ۱۵ همان قانون ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده باشد غیر منقول است.

۱۵- گزینه ۲ صحیح است. با استناد به ماده ۴۴ ق.م. گزینه «۱» با لحاظ حاشیه ۳ ماده ۵۱ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان نادرست است. گزینه «۴» با استناد به ماده ۵۳ ق.م. نادرست است. در گزینه «۳»، تعدی و تفریط منتفع که موجب ضرر فاحش گردد بیان شده است. این امر با لحاظ ماده ۵۲ ق.م. و مفهوم مخالف ماده ۵۰ ق.م. موجب ضمانی شدن ید منتفع می گردد اما از اسباب زوال حق انتفاع (مذکور در مواد ۴۴، ۴۵ و ۵۱ ق.م) نمی باشد.

۱۶- گزینه ۲ صحیح است. جهت درستی گزینه «۲» ر.ک به ماده ۳۷ ق.م. همچنین با توجه به حواشی ۳ و ۹ ماده ۳۵ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان گزینه «۴» نادرست و مطابق با ماده ۳۶ ق.م. و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان گزینه ۳ صحیح نمیباشد چرا که اصل بر آن است که تصرف متصرف فعلی مشروع است و مدعی مالکیت باید غیر مشروع بودن آن را ثابت نماید و در صورت عدم اثبات، اماره ی تصرف معتبر خواهد بود. لازم به ذکر است که گزینه «۱» طبق نظر مرحوم دکتر کاتوزیان (حاشیه ۱ ماده ۳۷ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان) صحیح می باشد و گزینه «۲» مطابق متن ماده ۳۷ ق.م. و نظر مشهور فقها و علما صحیح است. طبیعتاً در یک سوال در حالت تعارض بین دو گزینه که یکی حاوی نظر مقنن و دیگری حاوی نظر اساتید است نظر قانونگذار ارجح است.

۱۷- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به مواد ۵۶ و ۶۲ ق.م.

۱۸- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۶۷ و ۵۸ ق.م. و حاشیه ۱ ماده ۵۸ و نیز ماده ۵۵ ق.م. و حاشیه ۲ آن و ماده ۶۴ ق.م. و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۱۹- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به ماده ۳۷ ق.م. و حاشیه ۱ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۲۰- گزینه ۴ صحیح است. ر.ک به حاشیه ۳ از ماده ۲۵ ق.م. حواشی ۵ و ۷ از ماده ۳۵ ق.م. و حاشیه ۱ از ماده ۱۳۲۴ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان و نیز بندهای ۲۰۷ تا ۲۱۱ از کتاب اموال و مالکیت نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۲۱- گزینه ۱ صحیح است. ر.ک ماده ۵۶ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی و ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی و نیز ر.ک به حاشیه ۱۰ از ماده ۳۵ ق.م. در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان.

۲۲- گزینه ۳ صحیح است. ر.ک به مواد ۴۶ (و حواشی ۱ و ۲ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان) و ۴۵ و ۸۵۰ ق.م. و حاشیه ۴ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان

۲۳- گزینه ۲ صحیح است. با استناد به ماده ۵۳ ق.م. از آنجا که سعید، خود ملتزم به قرارداد واگذاری حق انتفاع است و میترا قائم مقام سعید است و اینکه بر اساس ماده ۲۱۹ ق.م. قائم مقام، موظف به رعایت آثار قرارداد موجد حق انتفاع است لذا میترا نمی تواند از منافعی که حق استفاده آن برای پارمیدا است بهره برداری نماید و باید حق پارمیدا را نسبت به استفاده از منافع مراعات نماید و در صورتی می تواند از منافع بهره برداری کند که عقد موجد حق انتفاع، فسخ شود.

۲۴- گزینه ۲ صحیح است. ر.ک به ماده ۵۱ ق.م. و حاشیه ۱ ماده ۵۳ ق.م. و ماده ۴۴ و حواشی آن و ماده ۵۲ ق.م. توجه شود که تعدی یا تفریط منتفع، ید او را ضمانی می نماید اما موجب زوال حق انتفاع نمی شود.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق جزا

دکتر زارعی

- ۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به بند الف ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی
- ۲- گزینه ۴ صحیح است. مستند به مواد ۱۲۷ و ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی و اصل ۱۶۷ قانون اساسی ج.ا.ا.
- ۳- گزینه ۱ صحیح است. با لحاظ اصل ۳۷ قانون اساسی اگر رفتاری طبق قوانین جرم نباشد لازم است که حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر شود.
- ۴- گزینه ۱ صحیح است. وفق قانون دائمی شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۷/۳/۹ ماده واحده - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی از تاریخ انقضای مدت اجرای آزمایشی آن، دائمی می شود.
- ۵- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۱۳
- ۶- گزینه ۴ صحیح است. عنصر روانی در جرایم غیر عمد عبارت است از تقصیر. عنصر روانی در جرایم عمدی عبارت است از علم و قصد. علم منقسم است به علم به موضوع و علم به حکم. قصد یا سوء نیت هم عبارت است از قصد عام و قصد خاص.
- ۷- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۱۴۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲. جرایم از جهت عنصر روانی قابل تقسیم به جرایم عمد، غیر عمد و مادی صرف هستند. عنصر روانی جرایم غیر عمد، همان تقصیر است. تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. ولی جرم مادی صرف، فارغ از عمد یا تقصیر مرتکب و عدم آن، در هر حال جرم است. جرم صدور چک پرداخت نشدنی از مصادیق اصلی جرم مادی صرف است.
- ۸- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۱۴۲ ق.م.ا. مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.
- ۹- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲. جعل اسکناس رایج ایرانی، قلب سکه رایج ایرانی (به معنای پول رسمی) و یا جعل دستخط یا نوشته رسمی رئیس جمهور ایران می تواند از مصادیق صلاحیت واقعی باشد.
- ۱۰- گزینه ۳ صحیح است. جرایم توهین به رئیس کشور خارجی و فعالیت تبلیغی به نفع و به ضرر کشور های خارجی، فقط در صورتی محقق هستند که رفتار در قلمرو ایران انجام شده باشد.
- ۱۱- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، در موارد صلاحیت شخصی فعال، جرم بودن رفتار به موجب قانون هر دو کشور (مجرمیت متقابل) شرط نیست و طبق بند «پ» ماده ۷، اگر طبق قانون ایران مجرمی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد، مرتکب تعقیب و مجازات می شود. لذا جرم تعزیری درجه ۷ بعد از ۳ سال مشمول مرور زمان تعقیب می شود (بند ث ماده ۱۰۵) و به همین دلیل نظر به بند پ ماده ۷، مرتکب در ایران قابل محاکمه نیست.
- ۱۲- گزینه ۴ صحیح است. ماده ۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲. اعمال صلاحیت شخصی فعال منوط به جرم بودن رفتار در قوانین ایران است نه هر دو کشور. نسخ عنوان مجرمانه به موجب قانون کشور خارجی دارای اثر قانونی نیست. لکن اگر این نسخ به موجب قوانین ایران صورت می گرفت، دیگر قوانین جزایی ایران صلاحیت محاکمه متهم را نداشتند. فلذا در فرض سوال رسیدگی وفق قوانین ایران ادامه می یابد.
- ۱۳- گزینه ۲ صحیح است. در موارد صلاحیت شخصی، اگر مرتکب در کشور خارجی محاکمه شده و تبرئه گردیده یا مجازات کلا یا بعضا اجرا شده باشد و البته جرم از موارد تعزیرات غیرمنصوص شرعی باشد، قاعده منع تعقیب مجدد، لازم الرعایه است.
- ۱۴- گزینه ۳ صحیح است. مطابق بند ب ماده ۸ ق.م.ا اعمال صلاحیت شخصی منفعل، منوط است بر اینکه رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. تبصره ماده ۱۱۵، این مقرر را منصرف به تعزیرات غیرمنصوص شرعی می داند.
- ۱۵- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۶ ق.م.ا
- ۱۶- گزینه ۱ صحیح است. گزینه ۱ مشمول صلاحیت واقعی است زیرا جرم قلب سکه و ترویج آن جزء مواردی است که در ماده ۵ بیان شده و ارتکاب جرایم این ماده در خارج ایران توسط ایرانی یا غیرایرانی مشمول صلاحیت واقعی است و هر چند مجازات درباره او اجرا شده دوباره محاکمه می شود اما میزان مجازاتی که تحمل کرده، محاسبه می شود. (قاعده احتساب) گزینه ۲ مشمول صلاحیت شخصی منفعل است زیرا محل جرم ایران نیست پس صلاحیت سرزمینی نیست و مرتکب ایرانی نیست، پس شخصی فعال نیست اما بزه دیده ایرانی است و هر چند مجازات اجرا شده اما در حدود و قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی حتی در صورت محاکمه اجرای مجازات دوباره محاکمه و مجازات طبق قانون ایران صورت می گیرد. گزینه ۳ نیز مشمول صلاحیت شخصی فعال است زیرا مرتکب ایرانی در خارج ایران جرم انجام داده و هر چند مجازات اجرا شده اما چون حدی است، باز هم ایران صلاحیت دارد. گزینه ۴ ایران صلاحیت ندارد زیرا خارج ایران بوده و بزه دیده ایرانی است اما چون در مکان جرم تبرئه شده ایران صالح نیست، اگر مجازات اجرا نشده بود یا ناقص اجرا شده بود، ایران صلاحیت شخصی منفعل داشت.
- ۱۷- گزینه ۳ صحیح است. زیرا طبق بند الف ماده ۷ ق.م.ا در صلاحیت شخصی فعال، مجرمیت متقابل شرط نیست و کافی است که طبق قانون ایران جرم باشد و گزینه ۳ مربوط به صلاحیت شخصی منفعل است که مجرمیت متقابل طبق بند ب ماده ۸ ق.م.ا شرط است یعنی رفتار ارتكابی طبق قانون ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. درباره حدود و قصاص و دیات فقط طبق قانون ایران جرم باشد کافی است.



۱۸- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۷ ق.م.اچنانچه مرتکب ایرانی باشد و خارج از کشور مرتکب فعلی شود که طبق قانون ایران جرم باشد، و مشمول جرایم مذکور در ماده ۵ ق.م.ا اسلامی نباشد، دادگاه های ایران بر اساس صلاحیت شخصی فعال، صالح به رسیدگی هستند.

۱۹- **گزینه ۴ صحیح است.** گزینه ۱ و ۲ مشمول صلاحیت سرزمینی شناور هستند زیرا کشتی یا هواپیمای ایرانی در حکم سرزمین ایران هستند، گزینه ۳ نیز مشمول صلاحیت جهانی است و کشور محل دستگیری صلاحیت دارد. گزینه ۴ کشتی یا هواپیمای خارجی اگر جنگی باشد، ایران هیچ صلاحیتی ندارد و در صلاحیت انحصاری کشور صاحب پرچم یا ثبت کننده هواپیما است، اگر غیرجنگی باشد هم اصل بر صلاحیت کشور صاحب پرچم یا ثبت کننده هواپیما است مگر در موارد استثنایی.

۲۰- **گزینه ۴ صحیح است.** به موجب تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا مقررات عطف به ماسبق نشدن قوانین در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی شود. در نتیجه دادگاه نمی تواند به استناد اتمام مهلت، حکم بر برائت یا دادسرا قرار منع تعقیب صادر نماید و حتما باید به جرم رسیدگی و مجازات تعیین نمایند و برای تعیین مجازات باید به قانون زمان وقوع جرم که همان قانون موقت می باشد رجوع نمود که مجازات مقرر، جزای نقدی درجه ۵ می باشد. گزینه چهار به این دلیل غلط است که اگر چه طبق مواد ۴۰ و ۴۶ ق.م.ا تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در جرایم تعزیری درجه شش می توان صادر نمود اما بر اساس ماده ۵۶ ق.م.ا نظام نیمه آزادی تنها در جرایمی که مجازاتشان حبس است امکان اعمال دارند در صورتی که مجازات مقرر جزای نقدی می باشد.

۲۱- **گزینه ۲ صحیح است.** چون جرم از موارد مشمول ماده ۵ و صلاحیت واقعی است که منع محاکمه مجدد ندارد و دوباره به جرم رسیدگی می شود اما مجازات تحمل شده، محاسبه می شود.

۲۲- **گزینه ۴ صحیح است.** در جرایم حدی، محاکمه و مجازات یا تبرئه صورت گرفته، اثری در محاکمه در ایران ندارد.

۲۳- **گزینه ۳ صحیح است.** اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق (جدید) تغییر یابد، بدین نحو که حداقل آن کاهش ولی حداکثر آن افزایش یابد، این قانون، مشدد و غیر خفیف محسوب می شود.

۲۴- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به ماده ۱۰ ق.م.ا. در خصوص نوجوان، تقاضای تخفیف بدلیل تصویب قانون جدید، بر عهده خود مرتکب یا قاضی اجرای احکام است؛ نه بر عهده ولی یا سرپرست.

۲۵- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ۱۰ ق.م.ا

۲۶- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به مواد ۱۰ و ۱۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲. قانون جدیدی که اعمال کیفرهای تبعی را به محکومیت های بیشتری تعمیم دهد از جمله قوانینی است که مضر به حال متهم بوده و نمی تواند دارای اثر فوری باشد.

۲۷- **گزینه ۳ صحیح است.** تمام تغییرات قانون کاهش حبس های تعزیری، لزوماً مساعد نیستند. مثلاً اعمال کیفرهای تکمیلی در محکومیت به تمام درجات تعزیری.

مقررات مربوط به جایگزین زندان، شامل احکام قطعیت یافته قبلی نمیشوند. وفق ماده ۷۴ مقررات این فصل (جایگزین ها) در مورد احکام قطعی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون صادر شده است، اجراء نمی شود.

ماده ۹۱ - در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات های پیش بینی شده در این فصل محکوم می شوند. این مقرر جنبه مساعد داشته و میتواند نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، اجراء شود.

۲۸- **گزینه ۱ صحیح است.** طبق ماده ۱۱ ق.م.ا: « قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود: الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی ت- قوانین مربوط به مرور زمان تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می شود.»

۲۹- **گزینه ۳ صحیح است.** طبق بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادر کننده حکم قطعی اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می تواند از دادگاه صادر کننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.» پس قاضی اجرای احکام و دادگاه صادرکننده موظف هستند و در گزینه ۴ می تواند درخواست تخفیف دهد نه آزادی. طبق بند الف «اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی شود و اگر در جریان اجرا باشد، اجرای آن موقوف می شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده است هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.»

۳۰- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد مواد ۲۰ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی
ماده ۲۰: در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسوول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال



ج- جزای نقدی

ج- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت میکنند، اعمال نمی شود.

ماده ۱۴۳: در مسوولیت کیفری اصل بر مسوولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسوولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسوولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

۳۱- **گزینه ۴ صحیح است.** ر.ک ماده ۲۲ ق.م.ا که مقرر داشته است: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.»

۳۲- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی

۳۳- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ ق.م.ا حکم به جزای نقدی در صورتی صادر خواهد شد که نسبت به اشخاص حقوقی مجازات جزای نقدی پیش بینی شده باشد در نتیجه گزینه چهار غلط می باشد. و همچنین چنانچه شخص حقوقی منحصر برای ارتکاب جرم تشکیل شده باشد و یا با انحراف از فعالیت مشروع نخستین خود، منحصر به ارتکاب جرم بپردازد مجازات انحلال و مصادره کل اموال اعمال خواهد شد و همچنین ممنوعیت دائم از اصدار برخی از اسناد تجاری نیز به این دلیل غلط است که قانون فقط از ممنوعیت موقت نام برده است و ممنوعیت دائم جز مجازات های اشخاص حقوقی نمی باشد.

۳۴- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد ماده ۶۷ قانون قاچاق کالا و ارز «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام می کند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی، به ترتیب زیر محکوم می شود: الف- در مورد قاچاق کالای غیرممنوع و ارز در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی ب- در مورد قاچاق کالای ممنوع و یا سازمان یافته، انحلال شخص حقوقی تبصره- افراد موضوع این ماده محکومیت قطعی می یابند و تا پنج سال مجاز به تأسیس و مشارکت در اداره شخص حقوقی نیستند.»

۳۵- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد ماده ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ ق.م.ا، صدور انحلال و مصادره کل اموال، تنها در صورت انحصار در ارتکاب جرم بدوا یا ثانیا، امکان دارد همچنین جزای نقدی در جرم مذکور در سوال، دو تا چهار برابر جزای نقدی شخص حقیقی است (نه حداکثر جزای نقدی) می باشد و ۳ تا ۶ برابر مربوط به جزای نقدی شخص حقوقی در جرایم رایانه ای است، در نتیجه تنها گزینه سه صحیح است.

۳۶- **گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به ماده ۱۹ ق.م.ا

۳۷- **گزینه ۲ صحیح است.** زیرا جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی صورت گیرد، شخص حقوقی مسئول است و محکومیت به جزای نقدی منوط به این است که مجازات شخص حقیقی جزای نقدی باشد، از سوی دیگر انحلال و مصادره نیز مشروط به این است که شخص حقوقی فقط برای جرم تشکیل شده یا جهت فعالیت مجرمانه تغییر مسیر داده است.

۳۸- **گزینه ۳ صحیح است.** زیرا شخص حقوقی مشمول مجازات تبعی و تکمیلی نیست.

۳۹- **گزینه ۴ صحیح است.** زیرا طبق ماده ۷۴۸ قانون مجازات اسلامی اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتکابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتکابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد: الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال. ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد. تبصره - مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت

۴۰- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به ماده ۱۹

۴۱- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به تبصره الحاقی به ماده ۱۸

۴۲- **گزینه ۱ و ۲ صحیح است.** مستند به تبصره ماده ۱۹. اگر مجازات جرمی قابل انطباق با هیچ یک از موارد مندرج در ماده ۱۹ نباشد، درجه ۷ محسوب میشود؛

۴۳- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به ماده ۲۳

۴۴- **گزینه ۳ صحیح است.** محکومیت مندرج در سوال، درجه ۶ است که فاقد اثر تبعی است. محکومیت به انفصال موقت درجه ۷ نیز فاقد اثر تبعی است. مجازات تبعی طبق مجازات قضایی یا همان دادنامه است که ۱ سال حبس است.

۴۵- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۲۳: دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه ۸ تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتکابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی زیر محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محلهای معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین



- ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی
ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری
ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي
چ- منع از حمل سلاح
ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور
خ- اخراج بیگانگان از کشور
د- الزام به خدمات عمومی
ذ- منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی
ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم
ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین
ژ- الزام به تحصیل
س- انتشار حکم محکومیت قطعی
- تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دوسال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.
تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار میگیرد.
تبصره ۳- آیین نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.
- ۴۶- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به مواد ۲۳ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی
۴۷- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به ماده ۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲.
۴۸- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به تبصره ماده ۲۶ مستخدمان دستگاه های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می شوند.
همچنین رجوع کنید به ماده ۶۴ همان قانون.
- ۴۹- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۲۵. همچنین وفق تبصره ماده ۵۳، در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود. حصول مرور زمان اجرا، موجب زوال اثر تبعی ناشی از محکومیت قطعی نمی شود.
- ۵۰- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۱۹
۵۱- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند به رای وحدت رویه شماره ۷۹۵ مورخ ۹ مهر ۱۳۹۹
۵۲- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به ماده ۳۶. حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود.
- تبصره- انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می شود: الف- رشاء و ارتشاء
ب- اختلاس
پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری
ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری
ث- تبانی در معاملات دولتی
ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی
چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت
ح- جرائم گمرکی
خ- قاچاق کالا و ارز
د- جرائم مالیاتی
ذ- پولشویی
ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور
ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی
- ۵۳- **گزینه ۲ صحیح است.** ملاک اعمال کیفر تبعی، درجه بندی کیفر اصلی مندرج در دادنامه است. در فرض سوال، محکومیت قطعی، درجه ۶ است که فاقد اثر تبعی است.
- ۵۴- **گزینه ۴ صحیح است.** براساس تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود. این بدان معناست که آزادی مشروط تاثیری در مجازات تبعی ندارد و این کیفر را زایل نمی کند. حتی به موجب قسمت اخیر تبصره مزبور، محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد.
- ۵۵- **گزینه ۳ صحیح است.** ماده ۲۵ ق.م.ا
۵۶- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی





۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir



fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

حقوق تجارت

دکتر نعمت اللهی

- ۱- **گزینه ۱ صحیح است.** طبق ماده ۴ ق.ت. معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شوند و نباید پنداشت که ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها استثناء ماده ۴ قانون تجارت است زیرا ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها از ساختن خانه و آپارتمان و مغازه به عنوان عمل تجاری یاد کرده است و ماده ۴ قانون تجارت از معاملات غیر منقول به عنوان اعمالی که به هیچ وجه تجاری نیستند، نام برده است. ساختن عمل فیزیکی و مادی است و با معامله که عمل حقوق است متفاوت می باشد، بنابراین ماده ۵ تخصصاً از ماده ۴ ق.ت. خارج است؛ نه از باب تخصیص و استثنا
- ۲- **گزینه ۱ صحیح است.** یکی از تقسیم بندی های اعمال تجاری ذاتی در ماده ۲ قانون تجارت، تقسیم به اعمال تجاری بنگاهی(تصدی) و اعمال تجاری غیر بنگاهی(غیر تصدی) می باشد. عنصر تصدی به معنای تکرار و استعمال عمل می باشد بنابراین برای این که این اعمال از معاملات تجاری ذاتی شناخته شوند باید در قالب بنگاه باشند و تکرار عمل برای تجاری شناختن آن ها شرط است. در ماده ۲ قانون تجارت چهار عمل باید در قالب بنگاه باشند که عبارتند از: ۱- تصدی به حمل و نقل ۲- تصدی به عملیات حراجی ۳- تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی ۴- تصدی به هر نوع تأملزومات و غیره
- ۳- **گزینه ۴ صحیح است.** شریک شرکت های تجاری بودن ملازمه ای با تاجر بودن آن ها ندارد. در گزینه «۱» طبق قسمت اخیر بند ۱۰ ماده ۲ معاملات راجعه به کشتی تجاری محسوب می شود هر چند در خصوص قضاوت و برخی مشاغل دیگر محدودیت هایی در مورد اشتغال آن ها به امور تجاری وجود دارد ولی این امر مانع از تاجر شناخته شدن آن ها نمی باشد. در خصوص گزینه «۲» با توجه به بند ۱ ماده ۲ ق.ت. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش و اجاره ... تجاری محسوب می شود. گزینه «۳» طبق بند ۳ ماده ۲ دلالی عمل تجاری است.
- ۴- **گزینه ۱ صحیح است.** درست است که طبق نص صریح بند ۱ ماده ۱ ق.ت. معاملات تجاری کلیه ی معاملات تجار، تجاری تلقی می شود، و فروشنده ی ظروف هم تاجر است، اما طبق نظر دکتر اسکینی و رویه ی آزمون وکالت معاملات تاجر هم در صورتی که برای رفع نیاز شخصی باشد و نه رفع حوائج تجاری، تجاری نیست.
- ۵- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به مواد ۳۳۵ و ۳۵۷ ق.ت.
- ۶- **گزینه ۳ صحیح است.** طبق ماده ۴۰۰ ق.ت. با فوت یا حجر رئیس تجارت خانه، قائم مقام تجاری منزل نمی گردد بلکه با انحلال شرکت است که وی منزل می شود. در قانون مدنی فوت و حجر موکل باعث انفساخ عقد وکالت می گردد اما در خصوص قائم مقام تجاری، انحلال تجارتخانه باعث منزل شدن قائم مقام تجاری می شود چون موضوع قراردادی که رئیس تجارتخانه با وی منعقد نموده است منتفی می گردد.
- ۷- **گزینه ۲ صحیح است.** با استناد به ماده ۳۳۹ دلال مسئول اشیاء و اسنادی است که در ضمن معامله به او سپرده می شود یعنی قانونگذار در این مورد فرض را بر تقصیر دلال در نظر گرفته پس اصل بر مسئولیت دلال است مگر عدم تقصیرش را ثابت کند.
- ۸- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به مواد ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۷۸ و ۵۸۱ ق.ت. ثبت اسم تجاری اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند پس اصولاً اختیاری است. اسم تجاری قابل انتقال است و از حقوق صاحب نام تجاری است طبق ماده ۵۷۸ اسم تجاری ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجاری خود قرار دهد و لو اسم تجاری ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.
- ۹- **گزینه ۲ صحیح است.** طبق بند ۲ ماده ۳ ق.ت. کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می کند تجاری است و این معاملات جزء معاملات تجاری تبعی است. معاملات تجاری تبعی معاملاتی است که به تبع تاجر بودن معامله گر تجاری تلقی شده ولی معاملات تجاری ذاتی که در ماده ۲ ق.ت. مذکور است توسط هر شخصی انجام گیرد تجاری محسوب می شود.
- ۱۰- **گزینه ۴ صحیح است.** بقیه موارد تاجر میباشند و کسبه ی جزء هم تاجرانی هستند که صرفاً از شمول برخی مواد قانون تجارت مثل داشتن دفاتر تجاری خارج هستند. قائم مقام تجاری، نماینده ی تجارتخانه محسوب میگردد.
- ۱۱- **گزینه ۲ صحیح است.** طبق ماده ۱۴ ق.ت. : دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار می برد در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر، در امور تجاری، سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.
- ماده ی ۱۱: دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثنای دفتر کپیه قبل از آن که در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ی ثبت (که مطابق نظامنامه ی وزارت عدلیه معین می شود) امضا خواهد شد. برای دفتر کپیه، امضای مزبور لازم نیست، ولی باید اوراق آن دارای نمره ی ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه ی هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد
- و ماده ی ۷: دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.
- ۱۲- **گزینه ۴ صحیح است.** مطابق بند ۱۴ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار کارگزار/معامله گر می بایست شخص حقوقی باشد و اشخاص حقیقی نمی توانند به عنوان کارگزار/معامله گر باشند؛ کارگزار/ معامله گر می توانند اوراق بهادار را به حساب و نام خود معامله نمایند.
- ۱۳- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند به ماده ۳۷۰ ق.ت. اگر حق العمل کار، نادرستی کند مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش، محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود به علاوه در دو صورت اخیر آمر می تواند خود حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند. دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است، نیست.
- ۱۴- **گزینه ۲ صحیح است.** شرایط استناد به دفاتر تجاری به نفع دارنده ی دفتر، با توان اثبات سند در ماده ۱۴ قانون تجارت و ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی بیان شده اند هر دو مورد مذکور در گزینه «۲» طبق مواد فوق از شرایط استناد پذیری دفاتر تجاری به نفع دارنده با توان اثبات سند هستند. دلیل نادرستی گزینه «۴» این است که داشتن دفتر تجاری توسط تاجر خوانده شرط استنادپذیری دفتر تاجر خواهان

نیست. در واقع چون تنظیم و نگهداری دفتر تجاری از وظایف تاجر است اگر تاجری به این تکلیف خود عمل نکرده باشد، باید متحمل تبعات آن نیز گردد که یکی از آن ها استناد پذیری دفتر تجاری تاجر خواهان است، لازم به ذکر است که دفتر تجاری تاجر علیه خود او مشروط به شروط فوق الذکر نبوده و در حکم اقرار کتبی علیه خود تاجر محسوب می گردد.

۱۵- گزینه ۱ صحیح است. طبق ماده ۳۶۲ ق.ت. ماده ۳۶۲ - اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.

۱۶- گزینه ۲ صحیح است. مستفاد از ماده ۳۸۶ قانون تجارت تعهد متصدی تعهد به نتیجه است اما در قانون مدنی تعهد متصدی تعهد به وسیله است. بنابراین در قانون مدنی در صورت ورود خسارت و اقامه دعوا بار اثبات به عهده صاحب کالا است اما در قانون تجارت بار اثبات بر عهده متصدی است. بنابراین متصدی در صورت تلف یا گم شدن کالا برای اینکه بتواند از مسئولیت معاف شود باید یکی از موارد پنج گانه ذیل را اثبات کند: (حصری است)

اثبات کند که تلف یا گم شدن کالا ناشی از عیب ذاتی جنس خود مال التجاره بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از تقصیر ارسال کننده بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره مستند به فعل مرسل الیه بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از تعلیمات ارسال کننده یا مرسل الیه بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند. (قوه قاهره)

۱۷- گزینه ۳ صحیح است. مستند به مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ ق.ت.

۱۸- گزینه ۲ صحیح است.

۱۹- گزینه ۳ صحیح است. ماده ۳۹۱: اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه ی آن تأدیه شود، دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوایذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است. چنانچه پیش تر بیان شد با توجه به نوع نمایندگی حق العمل کار تخلف از دستورات آمر خللی به اعتبار عقدی که حق العمل کار منعقد کرده وارد نمی کند برخلاف وکیل که اگر از حدود اختیارات خود خارج شود طبق ماده ۶۷۴ قانون مدنی: «درمورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده شده است موکل هیچگونه تعهد نخواهد داشت مگر اعمال فصولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند.»

۲۱- گزینه ۱ صحیح است. طبق ماده ۳۹۶ قانون تجارت: «تحدید اختیارات قائم مقام تجاری در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.»

۲۲- گزینه ۲ صحیح است.

۲۳- گزینه ۱ صحیح است. به استناد اطلاق بند ۹ از ماده ۲ ق.ت.

۲۴- گزینه ۱ صحیح است. به استناد مواد ۳۴۸ و ۳۵۰ ق.ت.

۲۵- گزینه ۳ صحیح است. طبق ماده ی ۳۴۰: در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر این که طرفین معامله او را از این قید معاف دارند. و نه صرفاً آمر یا یک طرف. سایر گزینه هاتطبق مواد ۳۴۱ و ۳۳۶ صحیح است.

۲۶- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۳۶۰، ۳۶۶، ۳۶۹ و ۳۷۰ ق.ت.

۲۷- گزینه ۳ صحیح است. طبق ماده ۳۴۸ و ۳۵۰ و ۳۳۸.

رد گزینه ی ۱: دلال نمی تواند حق دلالتی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد

رد گزینه ۲: هر گاه معامله، مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت خواهد بود.

رد گزینه ۴: دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه ی دین نماید و یا آن که تعهدات آن ها را به موقع اجرا گذارد مگر این که اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

۲۸- گزینه ۱ صحیح است. ماده ۳۶۳: اگر حق العمل کار مال التجاره ای را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر این که ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه ی آمر در موقع مقدور نبوده است.

در نتیجه معامله کلاً صحیح می باشد و صرفاً در خصوص مسئولیت حق العمل کار، نسبت به ما به تفاوت قیمت اصولاً مسئول است مگر برای جلوگیری از ضرر بیشتر بوده باشد و اجازه گرفتن از آمر مقدور نبوده است

۲۹- گزینه ۲ صحیح است. به استناد ماده ۳۶۵ ق.ت. در این مساله، اجرت حق العمل کار، ۵٪ از قیمت فروش بوده و این قیمت، حداقل می توانست مبلغ یکصد و پنجاه میلیون یا بیشتر باشد.

۳۰- گزینه ۱ صحیح است. اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر این که مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

۳۷۱: حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده، حق حبس خواهد داشت.

۳۱- گزینه ۲ صحیح است.

۳۲- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۶ ق.ت.

۳۳- گزینه ۳ صحیح است.

۳۴- گزینه ۳ صحیح است.

۳۵- گزینه ۳ صحیح است. براساس ماده ۳۹۳

۳۶- گزینه ۲ صحیح است. مستفاد از ماده ۳۸۶ قانون تجارت تعهد متصدی تعهد به نتیجه است اما در قانون مدنی تعهد متصدی تعهد به وسیله است. بنابراین در قانون مدنی در صورت ورود خسارت و اقامه دعوا بار اثبات به عهده صاحب کالا است اما در قانون تجارت بار اثبات بر عهده متصدی است. بنابراین متصدی در صورت تلف یا گم شدن کالا برای اینکه بتواند از مسئولیت معاف شود باید یکی از موارد پنج گانه ذیل را اثبات کند:

اثبات کند که تلف یا گم شدن کالا ناشی از عیب ذاتی جنس خود مال التجاره بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از تقصیر ارسال کننده بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره مستند به فعل مرسل الیه بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از تعلیمات ارسال کننده یا مرسل الیه بوده است.

اثبات کند که تلف یا گم شدن مال التجاره ناشی از حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند. (قوه قاهره)

۳۷- گزینه ۲ صحیح است.

۳۸- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۳۹۷، ۴۰۰ و ۳۹۸ ق.ت

۳۹- گزینه ۳ صحیح است. طبق م ۲ قانون تجارت الکترونیک، داده پیام (Data Message): هرنمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوریهای جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می شود

۴۰- گزینه ۱ صحیح است. م ۲ ق تجارت الکترونیک: ۱. داده پیامهای شخصی (Private Data): یعنی «داده پیام»های مربوط به یک شخص حقیقی (موضوع «داده» Data Subject) مشخص و معین.

۴۱- گزینه ۲ صحیح است. م ۶ قانون تجارت الکترونیک: هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول.

ب - فروش مواد دارویی به مصرف کنندگان نهایی.

ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالاصادر می کند و یا از بکارگیری روشهای خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می کند.

م ۷ قانون تجارت الکترونیک: هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است.

۴۲- گزینه ۳ صحیح است. م ۷ لایحه اصلاح ق ت: اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد:

۱- نام شرکت.

۲- هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين.

۳- موضوع شرکت.

۴- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک.

۵- تعداد سهام با نام و بی نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.

۶- میزان تعهد هر یک از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود.

۷- مرکز اصلی شرکت.

۸- مدت شرکت.

۴۳- گزینه ۲ صحیح است. مستند به مواد ۱۷ و ۲۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت. در شرکت های سهامی عام و خاص شرکت وقتی تشکیل شده محسوب می گردد که اولین مدیران و بازرسان قبول سمت نمایند «به طور کتبی» این مورد در شرکت هایی با قالب های دیگر متفاوت است در شرکت تضامنی و مسئولیت محدود شرکت زمانی تشکیل شده محسوب می گردد که تمام سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیر نقد تقویم و تسلیم شود. در مورد شرکت های تعاونی و مختلط سهامی شرکت زمانی تشکیل شده محسوب می شود که تمام سرمایه غیر نقد تقویم و تسلیم شده و لااقل یک سوم سرمایه نقدی پرداخت شود.

۴۴- گزینه ۲ صحیح است، طبق ماده ۶ لایحه، برای تأسیس شرکت های سهامی عام مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک ها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام که به امضای کلیه مؤسسين رسیده باشد. در تهران به اداره ثبت شرکت ها و در شهرستان ها به دایره ثبت شرکت ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره: هر گاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیرنقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمایم آن به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم نمایند.



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۴ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir



fazelshiraz

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

آئین دادرسی کیفری

دکتر زارعی

۱- **گزینه ۳ صحیح است.** قانون آیین دادرسی کیفری یک قانون دائمی است (ماده واحده مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰). مقررات شکلی این قانون و همچنین مقررات مربوط به ادله اثبات، مرور زمان، شیوه دادرسی، صلاحیت ها و سازمان قضایی، مستند به ماده ۱۱ ق.م.ا اصولاً نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، دارای اثر فوری هستند.

۲- **گزینه ۱ صحیح است.** احیای دادرسیها در سال ۱۳۸۱ انجام شد. حقوق شهروندی افراد در سال ۱۳۸۳ و به موجب قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد قانونگذاری قرار گرفت. حذف قضات تحقیق دادگاه ها نیز در همان سال ۱۳۸۱ و با احیای دادرسیها صورت گرفت. با این حال در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاهد افزایش استقلال دادیاران هستیم. مطابق این قانون دیگر لازم نیست تمام قرارهای صادره توسط دادیار به موافقت دادستان برسد؛ بلکه صرفاً قرارهای نهایی و قرارهای تأمین منتهی به بازداشت باید در همان روز به نظر دادستان برسد.

۳- **گزینه ۱ صحیح است.** ر.ک به ماده ۲۱ ق.آ.د.ک هر گاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است با تعیین ذی نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رای قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می شود. در این صورت هر گاه ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. لازم به ذکر است که برای محکوم کردن فرد به اتهام ورشکستگی به تقلب یا تقصیر نیازی به صدور قرار اناطه برای احراز ورشکستگی نیست.

۴- **گزینه ۳ صحیح است.** طبق ماده ۲۰

۵- **گزینه ۳ صحیح است.**

۶- **گزینه ۴ صحیح است.**

۷- **گزینه ۱ صحیح است.**

۸- **گزینه ۴ صحیح است.**

۹- **گزینه ۱ صحیح است.**

۱۰- **گزینه ۱ صحیح است.** ماده ۲۴

۱۱- **گزینه ۴ صحیح است.** ماده ۲۶

۱۲- **گزینه ۴ صحیح است.** یکی از شرایط طرح دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزایی این است که دعوی عمومی در جریان باشد. فلذا اگر ددسرا با صدور قرارى مثل منع تعقیب موجب سقوط دعوی عمومی شود دیگر امکان طرح این دادخواست در دادگاه جزایی وجود نداشته و زیان دیده فقط می تواند به دادگاه های حقوقی رجوع کند.

۱۳- **گزینه ۲ صحیح است.** در این فرض دعوی عمومی در جریان بوده و همزمان دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم در این دادگاه مطرح شده است؛ فلذا دادگاه جزایی در این فرض مکلف است که به دادخواست ضرر و زیان مطرح شده نیز رسیدگی کند. در واقع با وجود براءة متهم از حیث جزایی محتمل است که او از جهت ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شود.

۱۴- **گزینه ۴ صحیح است.**

۱۵- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۱۳. اگر رفتار جرم نباشد اصولاً قرار منع تعقیب یا حکم براءة -حسب مورد - صادر می شود. گزینه های ۳ و ۴ از موارد موقوفی نیستند.

۱۶- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به تبصره ماده ۱۳. حدوث جنون در حین تعقیب یا دادرسی اصولاً موجب تاخیر رسیدگی تا زمان افاقه است (در تمام جرایم). مگر اینکه جرم از موارد حق الناس بوده و ادله اثبات به شدت علیه متهم باشد که در این حالت با تعیین وکیل رسیدگی ادامه می یابد.

۱۷- **گزینه ۳ صحیح است.** ادعای مالکیت بر مال منقول از موارد اناطه نیست. مستند به ماده ۲۱.

۱۸- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به تبصره ۲ ماده ۴۲۷ و ماده ۲۷۰

۱۹- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به ماده ۲۴.

۲۰- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به ماده ۳۳۷. مقایسه شود با ماده ۲۷

۲۱- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۳۳۷. این جرم با کیفر قانونی حبس ابد داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک (موضوع ماده ۳۰۲) است ؛ فلذا انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص این جرم در حوزه بخش بر عهده رییس دادگاه بخش است که به جانشینی بازپرس اقدام میکند.

۲۲- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۲۶

۲۳- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۴۰۱

۲۴- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند به ماده ۴۴.

۲۵- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۴۹.

۲۶- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به تبصره ماده ۴۸.

۲۷- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان در هیچ شرایطی اجازه اخذ تأمین کیفری از متهم را ندارند. بدیهی است طبق ماده ۲۱۷ که بازداشت موقت، مصداق اجرای تأمین کیفری است

۲۸- **گزینه ۲ صحیح است.** جرم نبودن رفتار و یا عدم کفایت دلایل استنادی، از جهات منع تعقیب هستند نه موقوفی. جنون نیز اگر در زمان ارتکاب جرم باشد از جهات موقوفی است.

- ۲۹- گزینه ۴ صحیح است. مستند به اصل ۳۶ قانون اساسی ج.ا.ا.
- ۳۰- گزینه ۳ صحیح است. برای اتهامات متعدد متهم اصولاً یک تأمین کیفری و یک کیفرخواست کافی است؛ ولی اگر اتهامات متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشند، خطاب به هر یک از دادگاه ها کیفرخواست مجزا صادر می شود. ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک.
- ۳۱- گزینه ۴ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.
- ۳۲- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک.
- ۳۳- گزینه ۳ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک.
- ۳۴- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک.
- ۳۵- گزینه ۱ صحیح است. احراز جهات منع تعقیب و یا موقوفی در دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی فرجامی، نقض بلا ارجاع صورت می گیرد. بند یک از قسمت ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک.
- ۳۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۳۴۱ ق.آ.د.ک.
- ۳۷- گزینه ۲ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.
- ۳۸- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.
- ۳۹- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. در موارد دیات و تعزیرات منصوص شرعی خسارات معنوی و منافع ممکن الحصول قابل مطالبه نیستند.
- ۴۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک.
- ۴۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۲۷ ق.آ.د.ک. توجه به این نکته ضروری است که مستند به ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک در جرایم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس انجام وظیفه می نماید و اقدامات وی تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوطه خواهد بود.
- ۴۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۷۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. دادستان در جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲، تا قبل از حضور و مداخله بازپرس، اقدامات مقتضی و اولیه را انجام می دهد. نظر به ماده ۳۰۲ همین قانون، تعزیرات درجه ۱ تا ۳ می توانند مشمول این مقرر قانونی باشند.
- ۴۳- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۹۲ ق.آ.د.ک. انجام تحقیقات مقدماتی پیرامون جرایم موضوع ماده ۳۰۲، مثل قتل عمد، نمی تواند توسط دادیار صورت بگیرد. سایر گزینه ها مشمول ماده ۳۰۲ نبوده؛ در نتیجه دادستان می تواند در این موارد در صورت کمبود بازپرس، تحقیقات لازمه را به دادیار واگذار کند.
- ۴۴- گزینه ۲ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۸۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.
- ۴۵- گزینه ۱ صحیح است. جرم توهین ساده موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ قابل گذشت بوده و با گذشت شاکی، باید قرار موقوفی صادر شود و نوبت به تعلیق تعقیب نمی رسد.
- ۴۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.
- ۴۷- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۳ ق.آ.د.ک.
- ۴۸- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۹۹ ق.آ.د.ک. اگر جرم دوم مرتبط با جرم اول نباشد، لازم است موضوع به اطلاع دادستان رسیده و فقط با ارجاع دادستان می تواند تحقیقات را به جرم دوم نیز تعمیم دهد. ولی اگر جرم دوم مرتبط با جرم اول باشد، چنین الزامی وجود نداشته و بازپرس رأساً تحقیقات پیرامون جرم دوم را نیز انجام می دهد.
- ۴۹- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک. در صورت جمع شرایط، انجام تحقیقات فقط توسط مقام قضائی انجام می شود.
- ۵۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۱۰۶ ق.آ.د.ک.
- ۵۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک. بازپرس برای صدور قرار تأمین خواسته مستقل بوده و نیازی به موافقت دادستان ندارد. این قرار در صورت صدور توسط دادسرا قابل اعتراض است و برخلاف آیین دادرسی مدنی، صدور آن مستلزم تودیع خسارات احتمالی نیست.
- ۵۲- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۹۲ ق.آ.د.ک. قراردادهای نهایی دادیار و قرار تأمین منتهی به بازداشت صادره توسط وی باید به موافقت دادستان برسد. قراردادهایی که طبق قانون اگر بازپرس صادر کند باید به موافقت دادستان برسد نیز با لحاظ قیاس، اگر توسط دادیار صادر شود نیز باید به موافقت دادستان برسد (شامل اناطه و توقف تحقیقات)
- ۵۳- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک.
- ۵۴- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. خسارات قابل مطالبه توسط شاکی یا مدعی خصوصی عبارت است از خسارات مادی؛ معنوی و منافع ممکن الحصول. ولی در جرایم مستوجب دیه و نیز تعزیر منصوص شرعی، خسارات معنوی و منافع ممکن الحصول قابل مطالبه نیست.
- ۵۵- گزینه ۲ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۸۰، با صدور کیفرخواست در خصوص جرم دوم، قرار تعلیق تعقیب لغو می شود.
- ۵۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۲۱ و تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.
- ۵۷- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. اتهامات متعدد مشار الیه در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف است که در این شرایط پرونده ها تفکیک شده و در دادگاه مربوطه مطرح میشوند. در فرض سوال بدلیل مساوی بودن اهمیت هر دو جرم (بدلیل اینکه هردو موجب سلب حیات هستند) نخست در دادگاه انقلاب و سپس در دادگاه کیفری یک مورد محاکمه قرار می گیرد.
- ۵۸- گزینه ۴ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲.

- ۵۹- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به مواد ۲۸۴ و ۲۱۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. برای اتهامات متعدد متهم اصولاً یک تامین و یک کیفرخواست صادر می شود. مگر اینکه رسیدگی به اتهامات متعدد متهم در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد که در این صورت در خصوص هریک از صلاحیت های ذاتی؛ تامین و کیفرخواست مجزا صادر می شود.
- ۶۰- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند به ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲. مهلت اعتراض به این قرار ۳ روز است. مهلت اعتراض به دستور بازپرس دایر بر جلوگیری از فعالیت های تولیدی و خدماتی در راستای اجرای تامین خواسته شاکی، ۵ روز است. مهلت اعتراض به بازداشت موقت صادره از دادسرا ۱۰ روز و صادره از دادگاه ۲۰ روز است.
- ۶۱- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۳۹۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲
- ۶۲- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲
- ۶۳- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به تبصره ماده ۳۱۱ و ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک
- اصولاً در فرض مشارکت یا معاونت افراد زیر ۱۸ سال با افراد بزرگتر، پرونده ها تفکیک شده و هر کدام در دادگاه صالح محاکمه می شوند. در فرض سوال اگر مرتکب بزرگسال از اشخاص موضوع مواد ۳۰۷ یا ۳۰۸ هم باشد، باز هم پرونده های او و فرد زیر ۱۸ سال تفکیک می شوند؛ مگر اینکه جرم از مواردی باشد که مشارکت در آن ها رکن اصلی تحقق جرم باشد؛ مثل تبانی، زنا و لواط. در این موارد به اتهام همه متهمین در دادگاه مربوط به افراد زیر ۱۸ سال رسیدگی می شود.
- ۶۴- **گزینه ۲ صحیح است.** تمام اتهامات مطرح در سوال درجه ۷ یا ۸ هستند که نظر به ماده ۳۴۰، این جرایم بدون کیفرخواست (به صورت مستقیم) به دادگاه ارسال می شوند.
- ۶۵- **گزینه ۴ صحیح است.** نظر به ماده ۸۰ ق.آ.د.ک، شرط اولیه جهت بایگانی کردن پرونده این است که «شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد». نتیجتاً این بنیاد معطوف به جرایم غیرقابل گذشت درجه ۷ و ۸ است. زیرا در جرم قابل گذشت، اگر شاکی وجود نداشته باشد یا گذشت کرده باشد، تعقیب غیرممکن است.
- همین نکته در خصوص حکم معافیت از کیفر و نظام نیمه آزادی نیز وجود دارد. اعطای این دو بنیاد منوط به گذشت شاکی است. پس این بنیادها در جرایم قابل گذشت، ممکن نیستند.
- ۶۶- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۲۸۰ ق.آ.د.ک. عنوان مندرج در کیفرخواست دادگاه را ملزم به آن نمی کند؛ در صورتی که مجموع رفتار متهم به وسیله تحقیقات دادسرا مشخص بوده ولی دادگاه عنوان اتهامی را چیز دیگری بداند، کافی است که دادگاه عنوان جدید را به متهم تفهیم نموده و رسیدگی را ادامه دهد.
- ۶۷- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به ماده ۵۳۵ ق.آ.د.ک. جزای نقدی در صورت فوت محکوم، ساقط می شود و لازم است قرار موقوفی اجرا صادر شود. ولی فوت متهم یا محکوم، موجب ساقط شدن دیه نمی شود. زیرا دیه دین است و در نتیجه اصولاً بر عهده ورثه قرار می گیرد.
- ۶۸- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند به ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک و رأی وحدت رویه شماره ۷۶۸ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۷. مرجع اعتراض به آرای صادره در خصوص جرایم مندرج در ماده ۳۰۲، صرف نظر از اینکه در مرحله تحقیقات مقدماتی صادر شده اند یا در مرحله محاکمه، دیوان عالی کشور است. فلذا تبصره ماده ۸۰ را با این دیدگاه باید تفسیر کرد.
- ۶۹- **گزینه ۳ صحیح است.** مستند به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.آ.د.ک. عین همین موضوع در دادگاه نیز لازم الرعایه است.
- ۷۰- **گزینه ۲ صحیح است.**
- ۷۱- **گزینه ۴ صحیح است.** مستند به ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲
- ۷۲- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲
- ۷۳- **گزینه ۲ صحیح است.** مستند به تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲
- ۷۴- **گزینه ۲ صحیح است.** مطابق ماده ۷۳ ق.آ.د.ک: دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد. بعلاوه، مطابق با ماده ۷۴ این قانون: دادستان می تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه انجام نظارت کند؛ اما نمی تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد.
- ۷۵- **گزینه ۳ صحیح است.** مطابق ماده ۱۱۸ ق.آ.د.ک: هرگاه آثار و ادله وقوع جرمی در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف شود، اما محل وقوع آن معلوم نباشد، بازپرس ضمن انجام تحقیقات، سعی در کشف محل وقوع جرم می کند و اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع، اظهار عقیده می کند. اظهار عقیده دادستان ممکن است قرار منع تعقیب یا جلب به دادرسی باشد.
- ۷۶- **گزینه ۱ صحیح است.** مستند به ماده ۹۹ ق.آ.د.ک
- مطابق مفهوم مخالف ماده ۹۹، هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط باشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد (ازجرائم غیرقابل گذشت باشد)، بازپرس نسبت به جرم دوم نیز تحقیقات را انجام می دهد و نیازی به ارجاع دادستان ندارد. منظور از مرتبط بودن این است که میان آن دو جرم چنان پیوستگی و ملازمه ای وجود داشته باشد که یکی از دو جرم یا موضوع آن، بستر یا موضوع جرم دیگر باشد.
- ۷۷- **گزینه ۳ صحیح است.** ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک لازم به ذکر است در این موارد بازپرس با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به همراه متهم حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت به دادسرای محل وقوع جرم می فرستد.
- ۷۸- **گزینه ۱ صحیح است.** به موجب ماده ۷۵ قانون آ.د.ک نظارت بر تحقیقات بر عهده دادستانی است که تحقیقات در حوزه او به عمل می آید هر چند راجع به امری باشد که خارج از آن حوزه اتفاق افتاده است.

- ۷۹- گزینه ۲ صحیح است. مستند به بند الف ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. دادگاه تجدیدنظر استان دارای اختیار قانونی جهت تکمیل تحقیقات به صورت راسا و یا صدور قرار رفع نقص خطاب به دادسرا یا دادگاه بدوی است.
- ۸۰- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک.
- ۸۱- گزینه ۳ صحیح است. در فرض عدم امید به بهبودی بیمار در اعمال مجازات های تعزیری ، دادگاه صادر کننده حکم قطعی اختیار قانونی جهت تبدیل مجازات را دارد. قسمت ذیل ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک.
- ۸۲- گزینه ۱ صحیح است. در صورت طرح سوالات تلقینی از متهم توسط بازپرس، وکیل متهم می تواند تذکر لازم را به بازپرس بدهد و این رفتار مقام قضائی نوعی تخلف انتظامی است. مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ ق.آ.د.ک.
- ۸۳- گزینه ۳ صحیح است. دادرسی ویژه نوجوانان اصولا مرجع تعقیب و تحقیق نسبت به جرایم ارتكابی توسط اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال است. ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. اتهامات افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شوند.
- ۸۴- گزینه ۳ صحیح است. هر گاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می آورد و همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می دهد.
- ۸۵- گزینه ۱ صحیح است.
- ۸۶- گزینه ۲ صحیح است.
- ۸۷- گزینه ۱ صحیح است.
- ۸۸- گزینه ۲ صحیح است. ماده ۱۸۹
- ۸۹- گزینه ۳ صحیح است. مستند به تبصره ۱ ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک.
- ۹۰- گزینه ۳ صحیح است. طبق ماده ۷۶ دادستان پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به طور کلی به بازپرس واگذار کند، می تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت ، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام دهد و نتیجه را نزد وی ارسال کند.
- ۹۱- گزینه ۳ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۳۲۳ ق.آ.د.ک.
- در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت او استماع می شود. ولی در مواردی که شاهد معرفی شده فاقد شرایط شرعی شهادت باشد، اظهارات او برای مزید اطلاع شنیده می شود.
- ۹۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به اطلاق ماده ۳۴۳ ق.آ.د.ک. در دادسرا این مهلت حداقل ۵ روز است. در دادگاه بدوی این مهلت حداقل ۷ روز است. وفق ماده ۴۵۴ احضار، جلب، رسیدگی به ادله، صدور رای و سایر ترتیبات در دادگاه تجدیدنظر استان، تابع مقررات مرحله نخستین است.
- ۹۳- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۴۵۲ ق.آ.د.ک. اگر دادگاه تجدیدنظر استان انجام اقداماتی را در شهرستان مرکز استان خود لازم بداند خود دادگاه تجدیدنظر استان میتواند تحقیقات لازم را انجام دهد (توسط رئیس دادگاه یا توسط یکی از مستشاران به تعیین رئیس شعبه). اگر انجام تحقیقات مربوط به شهرستانی در همان استان باشد (غیر مرکز استان) در این صورت انجام تحقیقات از دادگاه نخستین آن محل درخواست می شود (دارای جنبه دستوری است). ولی اگر انجام تحقیقات مربوط به شهرستانی در استان دیگر باشد در این صورت لازم است نیابت قضائی داده شود که به دادگاه نخستین آن محل اعطا می شود.
- ۹۴- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک. در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان اگر جرم ارتكابی موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، یا موجب ديه و ارش بیش از خمس ديه کامل و در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ لازم است که ولی یا سرپرست نسبت به تعیین وکیل اقدام کند؛ در غیر اینصورت یا در حالتی که وکیل تعیینی بدون عذر موجه در مرجع قضائی حاضر نشود، وکیل تسخیری تعیین می شود (توسط دادگاه و یا دادسرا).
- در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان ، می تواند شخصا از متهم دفاع کند یا وکیل تعیین نماید.
- نوجوان هم می تواند از خود دفاع کند.
- ۹۵- گزینه ۱ صحیح است. مستند به مواد ۱۷۱ و ۳۴۳ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲
- ۹۶- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲
- ۹۷- گزینه ۱ صحیح است. مستند به رای وحدت رویه شماره ۷۲۱ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱
- ۹۸- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲
- ۹۹- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲. شاکی و مدعی خصوصی نسبت به محاکمه اطفال و نوجوانان فقط در خصوص حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت یا قرار منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده می تواند تجدیدنظرخواهی کند.
- ۱۰۰- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ و اصل ۱۴۰ قانون اساسی ج.ا.ا.
- لازم به ذکر است که رسیدگی به جرایم این اشخاص حسب مورد می تواند در صلاحیت هریک از محاکم پایتخت (کیفری یک یا دو یا انقلاب، حسب مورد) باشد.
- ۱۰۱- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۱۳۷ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین.

۱۰۲- گزینه ۳ صحیح است. مستند به ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک. رئیس دادگاه بخش در جرایم موضوع ماده ۳۰۲، به جانشینی بازپرس اقدامات قانونی را انجام داده و تمام مقررات حاکم در خصوص روابط دادستان و بازپرس، در مورد رئیس دادگاه بخش و دادستان شهرستان نیز وجود دارد. فلذا در صورت اختلاف بین آن دو، دادگاه صالح به رسیدگی به اصل جرم، حل اختلاف می کند که در فرض سوال، دادگاه کیفری یک است. ولی به دلیل عدم تشکیل دادگاه کیفری یک در آن حوزه، مستند به ماده ۲۷۱، حل اختلاف بر عهده دادگاه کیفری دو همان حوزه است.

۱۰۳- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۶۰۰ ق.آ.د.ک. در صورت اختلاف بین دادگاه کیفری دو و دادگاه کیفری یک مستقر در یک استان، حل اختلاف بر عهده دادگاه تجدیدنظر استان است. ولی در صورت اختلاف صلاحیت بین دادگاه نظامی دو و دادگاه نظامی یک مستقر در یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبع است.

۱۰۴- گزینه ۲ صحیح است. اگر دادگاه بخش وظیفه محاکمه را داشته باشد، تابع مقررات حاکم بر دادگاه هاست؛ مثلاً بازداشت صادره نیاز به موافقت مافوق ندارد. هرچند که این بازداشت قابل تجدیدنظر است.

ولی اگر دادگاه بخش در مقام جانشینی بازپرس عهده دار انجام وظیفه باشد، لازم است که تمام مقررات حاکم بر دادسرا از جمله موافقت مافوق (دادستان شهرستان) اخذ شود. صورت سوال اشاره به حالت اول دارد. پس موافقت مافوق لازم نیست؛ زیرا در دادگاه ها قرار بازداشت موقت مستلزم موافقت مافوق نیست. (مستفاد از ماده ۲۴۶)

۱۰۵- گزینه ۳ صحیح است. مستند به بند ۳ ماده ۴۶۹ و ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک. رعایت نشدن اصول صلاحیت محلی، موجب نقض رأی در دیوان عالی کشور (در مقام رسیدگی فرجامی) نیست.

۱۰۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به مفهوم مخالف ماده ۷۷ ق.آ.د.ک. در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بندهای "الف" تا "ت" ماده ۳۰۲ (نه بند "ث")، دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات ضروری و اولیه را انجام می دهد. یعنی در خصوص بند ث (جرایم سیاسی و مطبوعاتی) چنین اختیاری ندارد.

این قضیه را نباید با مدلول ماده ۷۸ اشتباه گرفت. وفق این ماده در صورتی که رسیدگی به جرم داخل در صلاحیت مرجع قضایی دیگری (غیر از محل وقوع جرم) باشد و جرم مشهود باشد، دادستان در تمام جرایم و اتهامات، اقدامات اولیه و ضروری را انجام می دهد

۱۰۷- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک.

۱۰۸- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۴۶۴ ق.آ.د.ک.

عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و عدم رعایت اصول دادرسی دو جهت مستقل ذکر شده در ماده ۴۶۴ ق.آ.د.ک می باشد.

۱۰۹- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. فلسفه اینکه قانونگذار دادستان را مختار کرده که ضمن تعلیق تعقیب متهم دستوراتی اضافه نیز خطاب به او صادر کند، در شرایطی که هنوز محکومیت قطعی حاصل نشده است و شورای نگهبان هم این مصوبه را خلاف قانون اساسی و شرع ندانسته این است که شرط اولیه تعلیق تعقیب «رضایت متهم» است.

همین طور در نظام نیمه آزادی، انجام خدمات عمومی رایگان به عنوان یکی از مصادیق جایگزین های زندان و نظارت سامانه های الکترونیک نیز رضایت متهم یا محکوم لازم است.

۱۱۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به تبصره ۲ ماده ۸۵ ق.آ.د.ک. عاقله، مرتکب جرم یا متهم محسوب نمی شود؛ بنابراین هیچ یک از الزامات ناظر بر متهم، شامل حال عاقله نمی شود. این است که در خصوص عاقله و همچنین نماینده حقوقی شخص حقوقی که برای دفاع از شخص حقوقی در مرجع قضایی حاضر می شود، از اصطلاح «تبیین اتهام» استفاده می شود نه «تفهیم اتهام».

۱۱۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به تبصره ۱ ماده ۶۶ ق.آ.د.ک.

۱۱۲- گزینه ۲ صحیح است. مستند به تبصره ماده ۶۸ ق.آ.د.ک.

۱۱۳- گزینه ۴ صحیح است. مستند به رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۹۱/۱۲/۱ دیوان عالی کشور. یعنی محل افتتاح حساب زیان دیده. دلیل این موضوع این است که کلاهبرداری رایانه ای جرمی مقید است و در خصوص جرایم مقید، اصولاً محل وقوع نتیجه (یعنی ایجاد ضرر به دلیل برداشت وجه) محل وقوع جرم محسوب می شود.

۱۱۴- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۵۰۶ ق.آ.د.ک.

۱۱۵- گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۵۲۱ ق.آ.د.ک.

۱۱۶- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۲۱۳ ق.آ.د.ک. این سوال مشابه سوال آزمون وکالت در سال ۱۳۹۳ است.

۱۱۷- گزینه ۳ صحیح است. اختیار قانونی شهروندان در این خصوص معطوف به اتهامات موضوع بندهای "الف" تا "ت" ماده ۳۰۲ است نه بند "ث" آن ماده (جرایم سیاسی و مطبوعاتی). شهروندان در جرایم موضوع بندهای "الف" تا "ت" ماده ۳۰۲ در صورت مشهود بودن جرم و تا زمان حضور ضابطان، می توانند نسبت به اقدامات ضروری اولیه (جلوگیری از فرار متهم و حفظ صحنه) اقدام کنند اما در خصوص جرایم سیاسی یا مطبوعاتی چنین اجازه ای ندارند.

۱۱۸- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۱۱۴

۱۱۹- گزینه ۴ صحیح است. مستند به مفهوم مخالف ماده ۷۷ ق.آ.د.ک. در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بندهای "الف" تا "ت" ماده ۳۰۲ (نه بند "ث")، دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات ضروری و اولیه را انجام می دهد. یعنی در خصوص بند ث (جرایم سیاسی و مطبوعاتی) چنین اختیاری ندارد.

این قضیه را نباید با مدلول ماده ۷۸ اشتباه گرفت. وفق این ماده در صورتی که رسیدگی به جرم داخل در صلاحیت مرجع قضایی دیگری (غیر از محل وقوع جرم) باشد و جرم مشهود باشد، دادستان در تمام جرایم و اتهامات، اقدامات اولیه و ضروری را انجام می دهد.

۱۲۰- گزینه ۱ صحیح است. مستند به ماده ۹۲

۱۲۱- گزینه ۲ صحیح است. مستند به ماده ۹۲



۶ - ۳۴ ۳۲ ۳۲ (۰۷۱)
۱۴ ۴۰ ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)

شیراز / پارامونت / ابتدای
خیابان قصر دشت / کوچه ۱

www.fazel.ac.ir

[fazelshiraz](https://www.instagram.com/fazelshiraz)

وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

آئین دادرسی مدنی

دکتر لطفی

- ۱- گزینه ۲ صحیح است. مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و صلاحیت ذاتی مراجع از قوانین آمره محسوب می شوند اما مقررات مربوط به صلاحیت محلی (نسبی) مراجع، اصولاً در شمار قوانین مخیره هستند. همچنین مقررات آیین دادرسی مدنی اصولاً عطف به ماسبق می گردند مگر مقررات مربوط به صلاحیت محلی که اصولاً عطف به ما سبق نمی گردند مگر اینکه در خود این قوانین یا قوانین دیگر ترتیبی غیر از این مقرر شود و یا زمانی که قانون لاحق مغایر با حقوق مکتسبه اشخاص باشد.
- ۲- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛ دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا قراردادهای اقامه می شود تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده و مطابق ماده ۱۹۶ قانون مزبور، دلایل وقایع حقوقی از قبیل اتلاف، ضمان قهری و نسب تابع قانونی است که در زمان طرح دعوا مجری می باشد. بنابراین نظر به اینکه در ما نحن فیه (صلح، ضمان عقدی و ایقاع طلاق) در زمره ی قراردادهای و ایقاعات بوده و اتلاف از موارد ضمان قهری محسوب می شود، گزینه ی «۱» پاسخ صحیح می باشد.
- ۳- گزینه ۱ صحیح است. در بررسی دعوای خواهان دادگاه بدواً نفع خواهان را مورد بررسی قرار می دهد سپس حق اصلی مورد توجه قرار می گیرد. (دکتر شمس، عبدالله، جلد نخست، ش ۵۰۷)
- ۴- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۶. ق.آ.د.م و ۶۵۴ ق.م.
- ۵- گزینه ۴ صحیح است. از جمله استثنائات قاعده ی فراغ دادرس: واخواهی، اعتراض ثالث، اعاده دادرسی و صدور قرارهای تأمین و حل اختلاف ناشی از اجرای حکم مانند رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.ا.ا.م و تصحیح موارد سهو قلم، رفع اجمال و ابهام از رأی صادره، شیوه های عدولی شکایت از رأی است.
- ۶- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۸ ق.آ.د.م و نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۰۵ قوه قضائیه و ماده ۲۴ ق.ا.ا.م
- ۷- گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۱۳۰ و ۱۳۵ که ورود ثالث و جلب ثالث را در مرحله تجدیدنظر مجاز دانسته است.
- ۸- گزینه ۳ صحیح است. به استناد ماده ۳ ق.آ.د.م. همچنین لازم به ذکر است قرار امتناع از رسیدگی و قرار عدم صلاحیت در زمره قرارهای شبه قاطع هستند که موجب تغییر در مرجع رسیدگی می شود.
- ۹- گزینه ۱ صحیح است. به استناد ماده ۱۲ ق.ج.خ- همچنین ماده ۱۷۹ آئین نامه ثبت اختراع طرح صنعتی و علائم تجاری که مقرر می دارد: «کلیه ی دعوای ناشی از اختراع طرح صنعتی و علائم تجاری در شعب تخصصی دادگاه عمومی تهران رسیدگی می شود.»
- ۱۰- گزینه ۴ صحیح است. براساس ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع تصمیم مسئول واحد ثبتی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه عمومی محل وقوع ملک قابل اعتراض و حکم دادگاه صالح نیز قابل تجدیدنظرخواهی می باشد. (دکتر شمس ج، ش ۹۹)
- رای دادگاه در مورد افراز ملک ثبت نشده و رای دادگاه در صورت اعتراض شرکا به افراز توسط اداره ثبت قابل اعتراض شخص ثالث می باشد ولی رای صادره از اداره ثبت قابلیت اعتراض ثالث را ندارد. (دکتر شمس ج ۲، ش ۱۰۲۰)
- ۱۱- گزینه ۱ صحیح است. طرح پرونده در مراجع اداری مستلزم چند شرط است: ۱- خوانده دعوا دولت یا یکی از مراجع پیش بینی شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۴/۴/۱۹ باشد- ۲- خواهان دعوا غیردولتی باشد یا به تعبیر دیگر شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی باشد- ۳- دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد.
- دولت وقتی در مقام اعمال حاکمیت است که وظایف خاص مربوط به خود انجام می-دهد و با اشخاص رابطه ای نابرابر دارند (به عنوان مثال اخذ مالیات یا اقدام به صدور پروانه) اما در مانحن فیه دولت (وزارت نفت) با شخص رابطه برابر دارد و در مقام اعمال تصدی است در نتیجه موضوع در صلاحیت ذاتی دادگاه (مراجع قضایی) می باشد و از حیث صلاحیت محلی با عنایت به اینکه مطالبه خسارت نیاز به نظر کارشناس دارد لذا دادگاه محل وقوع مال صالح به رسیدگی می باشد.
- نکته تکمیلی: با توجه به تبصره ی ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲؛ با صدور رأی دیوان عدالت بر وقوع تخلف (تقصیر واحد یا شخص طرف شکایت) حسب مورد محرز می گردد که این رأی دلیل وقوع تخلف طرف شکایت یعنی تقصیر اوست و نه تنها تقصیر بلکه اصل ورود خسارت نیز احراز می گردد لکن احراز وجود رابطه ی سببیت بین تقصیر (تخلف خوانده) و خسارت و نیز تعیین میزان خسارت مستلزم رسیدگی قضایی و در صلاحیت مراجع قضایی بوده و از صلاحیت دیوان خارج است. (این سوال حذف شده است.)
- ۱۲- گزینه ۴ صحیح است. در قانون افراز و فروش املاک مشاع آئین نامه آن هیچ گونه تفکیکی میان املاک دولتی و غیردولتی صورت نگرفته است. و افراز املاکی که جریان ثبتی آن خاتمه نیافته در صلاحیت دادگاه عمومی محل وقوع ملک است و افراز املاکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته است در صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک است جز در استثنائات ذیل که باید در دادگاه مطرح شود :
الف- اگر بین شرکا شخص محجور باشد.
ب- اگر بین شرکا شخص غائب باشد.
ج- اگر راجع به مالکیت اختلاف باشد.
د- تقسیم ترکه (اعم از منقول و غیرمنقول) در صلاحیت دادگاه است نه اداره ثبت. رای وحدت رویه ۷۱۹
- ۱۳- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۲۱ ق.آ.د.م دعوای اعلام ورشکستگی که توسط تاجر دادستان یا طلبکاران قابل طرح است در دادگاه محل اقامت تاجر ورشکسته و اگر در ایران اقامت نداشته باشد در دادگاهی که برای معاملات خود شعبه یا نمایندگی دارد اقامه می گردد. ولی در خصوص دعوا علیه تاجر باید قائل به تفکیک شد که اگر دعوا در مورد امور غیرمالی باشد به طرفیت تاجر ورشکسته و در محل اقامت وی مطرح می گردد و در امور مالی به طرفیت مدیر تصفیه اقامه می گردد که اگر امور مالی منقول باشد در صلاحیت دادگاه محل اقامت مدیر تصفیه و اگر غیرمنقول باشد در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک می باشد.
- ۱۴- گزینه ۴ صحیح است. به استناد ماده ۲۰ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی. در فرض این سوال بین متوفی و خواهان قراردادی منعقد شده است که مربوط به مال منقول می باشد و محل انعقاد قرارداد و محل انجام تعهد محلی غیر از محل اقامتگاه متوفی است؛ خواهان صرفاً می تواند در محل اقامت متوفی طرح دعوا کند و نمی تواند به استناد ماده ۱۳ قانون مزبور به دادگاه محل انعقاد قرارداد یا

دادگاه محل انجام تعهد رجوع کند بعلاوه لازم به ذکر است اجرای ماده ی ۲۰ ق.آ.د.م تا زمانی ممکن است که ترکه بین وراث تقسیم نشده باشد.

۱۵- **گزینه ۱ صحیح است.** صدور دستور تخلیه و حکم تخلیه در صلاحیت شورای حل اختلاف است مگر موضوع متضمن حق کسب و پیشه یا سرقفلی باشد و یا طرف دعوا شخص حقوقی دولتی باشد در این صورت از صلاحیت شورا خارج است. (بند ۴ ماده ۱۲ و بند ۴ ماده ۱۱ ق.ش.ج.ا. مصوب ۱۴۰۲) (این سوال حذف شده است.)

۱۶- **گزینه ۴ صحیح است.** از آن جا که رسیدگی به دعوی سند سجلی مستقیماً به حقوق مالی منجر نمی شود لذا دعوی غیر مالی محسوب شده و از طرفی چون رسیدگی به دعوی راجع به سند ثبت احوال، اگر محل صدور سند و محل اقامت خواهان هر دو در ایران باشد دادگاه محل اقامت خواهان صالح است. لذا چون سند در اصفهان صادر ولی خواهان مقیم شیراز است، دادگاه محل اقامت خواهان (شیراز) صالح برای رسیدگی می باشد.

رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان بعمل می آید و رأی دادگاه فقط پژوهش پذیر است.

۱۷- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۱۷ دعوی طاری صرفاً عدول از صلاحیت محلی است و در دادگاهی که به دعوی اصلی رسیدگی می کند مطرح می گردد حتی اگر صلاحیت ذاتی نداشته باشد که در این صورت با صدور قرار عدم صلاحیت دعوی طاری به دادگاه صالح ارسال می گردد.

۱۸- **گزینه ۳ صحیح است.** ماده ۱۳ ق.ن.ا.م.

۱۹- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد رای وحدت رویه ش ۶۸۸-۲۳/۸۵ دادگاه صالح برای مطالبه وجه چک دادگاه محل صدور چک یا محل شعبه محال علیه یا محل اقامت صادر کننده است و در خصوص شکایت کیفری دادرسی و دادگاه محل صدور گواهی عدم پرداخت صالح است.

۲۰- **گزینه ۱ صحیح است.** ماده ۲۶ و ۲۸ ق اجرای احکام مدنی

۲۱- **گزینه ۴ صحیح است.** مطابق با تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲. (این سوال حذف شده است)

۲۲- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد تبصره ۲ ماده ۱ ق.ج.خ. در حوزه قضایی بخشهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشده است، دادگاه مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به کلیه امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می کند، مگر دعوی راجع به اصل نکاح و انحلال آن که در دادگاه خانواده نزدیکترین حوزه قضایی رسیدگی می شود.

۲۳- **گزینه ۴ صحیح است.** در خصوص این سوال ابتدا باید دقت داشت که بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از خانواده و اصل ۱۳ قانون اساسی به دعوی مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه (زرتشتی، مسیحی و کلیمی) بر اساس مذهب رسمی شان رسیدگی می گردد. از سوی دیگر، بر اساس ماده ۱۱ ق.آ.د.م رسیدگی به دعوا بر اساس قاعده صلاحیت محلی در دادگاه محل اقامتگاه خوانده (چهرم) صورت می پذیرد.

۲۴- **گزینه ۳ صحیح است.** در خصوص گزینه «۱» و گزینه «۴» باید دانست که اگر مراجع قضایی دادگستری به صلاحیت مراجع قضایی غیردادگستری (قانون از عنوان مراجع غیرقضایی استفاده کرده است)، از خود نفی صلاحیت نمایند، پرونده را باید مستقیماً به دیوان عال کشور ارسال نمایند (ماده ۲۸ ق.آ.د.م). برعکس، هرگاه مراجع قضایی غیردادگستری، مراجع قضایی دادگستری را صالح بدانند، در این صورت پرونده را بایگانی خواهند کرد. زیرا صدور قرار عدم صلاحیت در این خصوص پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر، قرار عدم صلاحیت را مراجعی می‌توانند صادر نمایند که شروع به رسیدگی در آنها با تقدیم دادخواست باشد یا قانون صراحتاً اجازه صدور چنین قرار را داده باشد. در خصوص مراجع قضایی غیردادگستری نه چنین اجازه‌ای از سوی قانون داده شده و نه اینکه شروع به رسیدگی در این مراجع با دادخواست صورت می‌گیرد. ایراد گزینه «۳» نیز باید آن است که، نظر دادگاه تجدیدنظر هر استان در خصوص صلاحیت تنها بر دادگاه‌های همان استان آن هم تنها در خصوص صلاحیت محلی لازم الاتباع است.

۲۵- **گزینه ۱ صحیح است.** مقررات مربوط به قرار عدم صلاحیت و ارجاع پرونده به مرجع صالح در مراجع غیر دادگستری حاکم نیست.

۲۶- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۴۴ ق.آ.د.م: در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می شود. دراین صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.

۲۷- **گزینه ۳ صحیح است.** به موجب ماده ی ۳۹ ق.آ.د.م: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد دادگاه به موکل اخطار می کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می گردد. وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفا مکلف است آن رابه اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل و اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می شود، رفع نقص بعهده ی موکل است.»

به موجب رأی وحدت رویه ش ۱۷؛ «هرگاه وکیل در اثناء محاکمه استعفا نماید پذیرش او به وکالت موقوف به ارائه وکالتنامه جدید است. به موجب ماده ی ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکلاء نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیرند.» و به موجب ماده ی ۳۶ ق مذکور: «در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفا نماید باید قبلاً طوری به موکل و محاکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.»

- ۲۸- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۱۲ لایحه استقلال کانون وکلا و ماده ۹۱ ق.آ.د.م.
- ۲۹- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد مواد ۳۵ و ۳۶ ق.آ.د.م که موارد مستلزم تصریح در وکالت نامه قید شده، وکالت در دعوای اضافی و جرح گواهان و درخواست تامین خواسته، درخواست دستور موقت، افزایش خواسته، ارسال اظهارنامه و... به تصریح در وکالت نامه نیاز ندارد.
- ۳۰- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۴۰ ق.آ.د.م در صورت فوت وکیل استعفا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وکیل اگر اخذ توضیحی لازم نباشد دادرسی به تاخیر نمی افتد و اگر اخذ توضیح لازم باشد دادگاه مراتب را در صورتجلسه قید می نماید و به موکل اطلاع می دهد که شخصا یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود و از مجموع مواد ۳۹، ۴۰ و ۴۳ این نتیجه حاصل می شود که در صورت استعفای وکیل اگر موجب تجدید جلسه نباشد دادرسی حداکثر به مدت یک ماه متوقف می شود و اگر موجب تجدید جلسه باشد فقط در صورتی دادرسی به مدت حداکثر یک ماه متوقف می شود که اخذ توضیح لازم باشد.
- ۳۱- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۴۵ ق.آ.د.م: وکیلی که در وکالتنامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رای یا در موقع ابلاغ آن استعفاء و از رویت رای امتناع نماید، باید دادگاه رای را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام روز ابلاغ به وکیل یادشده محسوب است مگر اینکه موکل ثابت نماید از استعفای وکیل بی اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت، از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زبانی به موکل وارد شود، وکیل مسوول می باشد. در خصوص این ماده، دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طورکتابی به موکل اخطار نماید که شخصا اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را برطرف نماید.
- ۳۲- **گزینه ۳ صحیح است.** به استناد مواد ۵۴، ۳۴۴ و ۳۸۳ ق.آ.د.م و دکتر شمس ج ۲ ش ۹۵ و ۳۹
- ۳۳- **گزینه ۲ صحیح است.** به موجب بند ۷ ماده ۵۱ دادخواست دهنده باید دادخواست را امضاء کند و در صورتی که نتواند امضاء کند، اثر انگشت او باید زیر دادخواست باشد. ضمانت اجرای چنین شرطی عدم ثبت دادخواست است زیرا چنانچه شخصی دادخواستی را بدون امضاء یا اثر انگشت تسلیم دفتر دادگاه نماید نباید آن را دادخواست شمرد بنابراین چنین برگی بی اثر بوده و ثبت آن در دفتر کل ثبت دادخواست ها قانونا ممنوع و تخلف اداری به شمار می آید و در هر حال صدور اخطار رفع نقص یا رد فوری دادخواست قانونی نمی باشد.
- نکته تکمیلی:** در هر حال چنانچه دادخواست مزبور ثبت گردد، مقام ارجاع کننده می بایست آن را ارجاع و دادگاه مرجوع الیه، از طریق دفتر یا صدور اخطار استحضاری خواهان را مطلع نماید و پس از امضاء خواهان آثار دادخواست از زمان تقدیم آن ملاک قرار می گیرد.
- ۳۴- **گزینه ۲ صحیح است.** در دو دعوی برای استناد به شهادت شهود باید استشهادیه کتبی به دادخواست ضمیمه شود ۱- دعوای اعسار از هزینه دادرسی ۲- دعوای اعسار از تأدیه محکوم به
- ۳۵- **گزینه ۲ صحیح است.** در صورتی که افراد موضوع ماده ۵۲ ق.آ.د.م به اعتبار روابط خصوصی خود فارغ از عنوان خویش یا دیگری دچار اختلاف بوده و اقدام به تقدیم دادخواست نمایند لازم نیست در دادخواست به عنوان یا سمت خود اشاره کنند زیرا دادخواست صرفنظر از عنوان آنها به دادگاه تقدیم شده است هر چند سبب اختلاف بین او و شرکت سمت وی بوده باشد.
- ۳۶- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد بند ۳ ماده ۶۲ ق.آ.د.م در دعوای راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفاء و یا پرداخت شود، بهای خواسته اصولاً و نه همواره عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی است که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می داند و زمانی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام العمر باشد بهای خواسته مساوی با حاصل جمع منافع ده ساله یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند.
- ۳۷- **گزینه ۱ صحیح است.** اعتراض به بهای خواسته با جمع سه شرط ممکن است؛ ۱- اعتراض باید تا اولین جلسه دادرسی بعمل آید. ۲- اعتراض باید مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد. ۳- اعلام بهای مورد نظر خوانده (حداقل تعیین کننده مراحل بعدی) بنابراین در سؤال فوق به جهت آنکه خواسته بیش از چهار میلیون ریال تقویم شده اعتراض به بهای خواسته غیرقابل رسیدگی است.
- ۳۸- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد تبصره ۱ ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف؛ شورا باید رأساً یا با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین نماید.
- ۳۹- **گزینه ۳ صحیح است.** در صورتی که با کاهش خواسته، موضوع از صلاحیت دادگاه خارج و به شورا محول شود دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر نمی کند و خود به رسیدگی ادامه می دهد.
- ۴۰- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۶۳ ق.آ.د.م: «چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.» از آنجا که ماده ۱ مزبور جمله خبری در مقام انشاء بوده لذا دادگاه مکلف است قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین کند. (حکم تکلیفی و جوب) نه اینکه مختار باشد مضافاً اینکه با توجه به نص ماده مارالذکر، دادگاه باید قبل از شروع به رسیدگی نسبت به تعیین بهای خواسته اقدام نماید نه حین رسیدگی.
- ۴۱- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۶۱ ق.آ.د.م و بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن.
- ۴۲- **گزینه ۱ صحیح است.** چنانچه خواسته دعوا وجه رایج ایران باشد برای مثال ضرر و زیان، دین، اجرت المثل و ... به ریال قید شده باشد تقویم آن موضوعاً منتفی است و درج مبلغ مورد تقاضا کفایت می کند و اعتراض به بهای خواسته دفاع به معنای اخص تلقی می شود. دکتر شمس ج ۲، ش ۵۱ و ماده ۶۲ ق.آ.د.م
- ۴۳- **گزینه ۱ صحیح است.** اعتراض خوانده به بهای خواسته فقط مواردی ممکن است که تعیین ها بهاء به **اراده خواهان** بوده و تا اولین جلسه رسیدگی مطرح شده و **باید مؤثر در مراحل رسیدگی باشد** (تجدیدنظرخواهی و عند الاقتضا فرجام خواهی) این اعتراض مقید

بوده و با ذکر بهای اعلامی توسط خوانده صورت می گیرد با جمع شرایط پیش گفته دادگاه قرار کارشناسی صادر می کند و پرداخت دستمزد کارشناس به عهده خوانده می باشد چنانچه خوانده که معترض محسوب می شود ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ پرداخت ننماید براساس ماده ۲۵۹ ق.آ.د.م کارشناسی از عداد دلایل او خارج و با فقد دلیل دیگر اعتراض او به بهای خواسته بی اثر تلقی می گردد. دکتر شمس ج ۲، ش ۶۳

۴۴- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد بند ۱ ماده ۵۳ و ماده ۵۶ ق.آ.د.م. ضمناً جهت مطالعه تطبیقی در بحث تجدیدنظر و فرجام خواهی به مواد ۳۴۴ و ۳۸۴ مراجعه گردد. توجه داشته باشید که اگر چه مطابق نظر دکتر شمس قرار رد فوری دادخواست صادره از سوی مدیر دفتر گرچه به موجب ماده ۵۶ قابل اعتراض نیست ولی با وحدت ملاک از مواد ۳۴۴ و ۳۸۴ باید به مدت ۱۰ روز به دیوار دادگاه الصاق شود و مدعی می تواند ظرف ده روز از تاریخ الصاق به این قرار اعتراض نماید اما چون آزمون وکالت نص محور است و ماده ۵۶ قرار رد فوری را قابل اعتراض ندانسته است، فلذا این قرار قابل اعتراض نمی باشد. بدیهی است اگر خواهان ظرف ۲ روز و قبل از صدور قرار رد دادخواست به دفتر دادگاه مراجعه نماید می تواند نسبت به تکمیل دادخواست اقدام کند. (دکتر شمس ج ۲، ش ۳۸)

۴۵- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۵۳ ق.آ.د.م و توجه داشته باشید که ماده ۱۰۵ ق. مذکور ناظر به فرضی است که خوانده در جریان دادرسی فوت نماید که در این صورت دادرسی توقیف می گردد تا دعوا به طرفیت ورثه ادامه یابد. اما در فرضی که حین تقدیم دادخواست خوانده فوت نموده باشد قرار عدم استماع صادر می گردد.

۴۶- **گزینه ۳ صحیح است.** در ارتباط با ذکر ادله در دادخواست آنچه مربوط به دفتر دادگاه و موجب صدور اخطار رفع نقص می باشد عدم ذکر مشخصات گواهانی است که گواهی آن ها مورد استناد قرار گرفته در دادخواست می باشد والا استناد یا عدم استناد به این دلیل یا آن وسیله در حیطه اختیار خواهان و نهایتاً واجد آثار ماهوی بوده و از محدوده وظایف دفتر دادگاه خارج است. البته اگر خواهان اسنادی را مورد استناد قرار داده باشد، باید آنها را ارائه نماید، در غیر این صورت با اخطار رفع نقص مواجه خواهد گردید. دکتر شمس ج ۲، ش ۷۶

۴۷- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد مواد ۵۷ و ۵۸ ق.آ.د.م

۴۸- **گزینه ۲ صحیح است.** صحیح نبودن آدرس دوم کاشف از این است که خواهان نقیصه را مرتفع نساخته است.

۴۹- **گزینه ۴ صحیح است.** ابلاغ اوراق در اقامتگاه قراردادی در هر صورت معتبر است ولو اینکه مخاطب از آنجا تغییر مکان داده باشد.

۵۰- **گزینه ۴ صحیح است.** رجوع کنید به کتاب؛ دکتر شمس، عبدالله، ج ۲، ش ۱۴۷

۵۱- **گزینه ۴ صحیح است.** به استناد ماده ۷۵ و تبصره ذیل آن و ماده ۷۶ ق.آ.د.م

توجه نمایند در مورد اشخاص حقوقی خصوصی ابلاغ به مسئول دفتر موسسه ابلاغ قانونی محسوب می گردد.

۵۲- **گزینه ۲ صحیح است.** ماده ۷۳ ق.آ.د.م.

۵۳- **گزینه ۱ صحیح است.** به استناد مواد ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۳ و ۷۵ و ۷۶ ق.آ.د.م

توجه داشته باشید که ابلاغ به همسایه ابلاغ محسوب نمی شود و در خصوص کارمندان ابلاغ به رئیس کارمند یا کارگزینی نیز ابلاغ محسوب نمی گردد و در این صورت رئیس کارمند یا کارگزینی خود مأمور ابلاغ محسوب می گردند.

۵۴- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد ماده ۷۳ ق.آ.د.م و ماده ۸ ق.ج.خ

۵۵- **گزینه ۱ صحیح است.** در مورد اشخاص حقوقی ابلاغ به کارگزینی و دبیرخانه ابلاغ محسوب نمی گردد. در مورد اشخاص حقوقی چون منشی و نگهبان خادم شخص حقوقی محسوب می شوند نه خادم مدیر شرکت یا قائم مقام یا دارنده حق امضا، پس ابلاغ صحیح نمی باشد ولی در مورد ابلاغ به منشی یا نگهبان شخصی حقیقی چون خادم شخصی حقیقی محسوب می شوند ابلاغ صحیح و قانونی است.

۵۶- **گزینه ۲ صحیح است.** به استناد مواد ۷۴ و ۷۶ ق.آ.د.م

۵۷- **گزینه ۱ صحیح است.** در صورتی که دادگاه ایراد امر مختوم را وارد بداند قرار رد دعوا صادر می کند.

به موجب قانون در سه مورد ممکن است دادگاه قرار امتناع از رسیدگی صادر کند؛ ۱- دادگاه در صورت پذیرش ایراد امر مطروح با صدور قرار امتناع از رسیدگی حسب مورد چنانچه دعوی در یک دادگاه مطرح باشد به همه ی آنها یک جا رسیدگی می کند و اگر دعوی در شعبه دیگری از همین دادگاه مطرح باشد از رسیدگی به دعوا خودداری و پرونده با تعیین رئیس شعبه اول برای رسیدگی توأم به شعبه ای که دعوا در آن مطرح است احاله می شود (مواد ۸۹ و ۱۰۳ ق.آ.د.م)

۲- به دلالت ماده ی ۹۲ ق.آ.د.م هرگاه ایراد رد دادرسی مطرح شود و دادگاه جهت رد را احراز کند با ذکر جهت قرار امتناع از رسیدگی صادر و رسیدگی را به دادرسی یا دادرسان دیگر دادگاه واگذار می نماید.

۳- همچنین در صورتی که قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده را با صدور قرار امتناع از رسیدگی به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد نمود. (تبصره ماده ی ۳ ق.آ.د.م)

۵۸- **گزینه ۱ صحیح است.** طبق بند ۷ ماده ۸۴ ق.آ.د.م، اگر دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض خوانده می تواند ایراد عدم ترتب آثار قانونی به دعوا را مطرح کند و چنانچه دادگاه ایراد وی را صحیح تشخیص دهد قرار رد دعوا صادر می کند. بنابراین در تمام مواردی که دادگاه تشخیص دهد، حتی در صورت احراز موضوع مورد ادعای خواهان، اثر مورد نظر خواهان بر آن موضوع قانوناً مترتب نمی شود، این ایراد را باید بپذیرد، مانند اینکه (الف) علیه (ب) اقامه دعوا کند و ادعا کند دین (ب) را به (ج)، بدون اذن او پرداخته و مطالبه ی وجه پرداختی را نماید، چون به موجب ماده ۲۶۷ قانون مدنی، حتی اگر پرداخت دین (موضوع مورد ادعا) هم احراز شود، بر این موضوع، به علت نبودن اذن، اثر مورد نظر خواهان (تکلیف خوانده به پرداخت) بر آن مترتب نمی شود، دادگاه قرار رد (عدم استماع) دعوا صادر می نماید.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

متون فقه

دکتر گلستان رو

۱- گزینه ۳ درست است. زیرا طبق متن بیان شده، در عقد وکالت شرط است که صیغه عقد و وقوع عقد، منجز باشد و مشروط به شرط یا وصفی نباشد، اما در گزینه ۱ و ۲ و ۴ عقد وکالت معلق شده است، در گزینه ۱ «وقتی زید آمد تو وکیل من در فلان چیز هستی» در گزینه ۲ «هرگاه هلال ماه دیده شد، تو وکیل من هستی» در گزینه ۴ «هرگاه خورشید طلوع کرد، تو وکیل من هستی» اما در گزینه ۳ متعلق و مورد وکالت، معلق شده است زیرا موکل می گوید: «تو وکیل منی در اینکه خانه ام را وقتی زید آمد، بفروشی» (مسئله ۱ کتاب وکالت تحریرالوسیله)

۲- گزینه ۳ درست است. زیرا در دعوا، اقرار وکیل بر علیه موکلش قبول نمی شود؛ پس اگر وکیل مدعی اقرار کند به قبض یا ابراء یا قبول حواله یا مصالحه یا اینکه حق دارای مدّت است یا بیّنه فاسق است، یا وکیل مدعی علیه اقرار به حق برای مدعی بنماید، قبول نمی شود و دعوا به حال خودش باقی است- چه در مجلس حکم اقرار کند یا در غیر آن- و با این اقرار عزل می شود و وکالتش باطل می شود؛ زیرا به گمان خودش بعد از این اقرار، او در این دعوا ظالم است. (مسئله ۲۷ وکالت)

۳- گزینه ۲ درست است. ترجمه عبارت: در کدام مورد وکالت باطل نمی شود؟ گزینه ۱: در صورت عروض جنون ابطاقی بر وکیل گزینه ۲: با انجام کار مورد وکالت توسط وکیل گزینه ۳: با انجام کار مورد وکالت توسط موکل گزینه ۴: با تلف آنچه مورد وکالت است. (مسئله ۲۳ وکالت)

۴- گزینه ۱ درست است. ترجمه پرسش: کدام عبارت از عبارات زیر در بیان توکیل درست است؟ گزینه ۱: وکالت دادن در همه عقود مانند بیع و صلح درست است. گزینه ۲ وکالت دادن در سوگند و لعان صحیح است (اما لا یصح و صحیح نیست) گزینه ۳ وکالت دادن در فسخ عقد و ثبوت خیار و اسقاط خیار صحیح نیست (اما یصح یعنی صحیح است). گزینه ۴ وکالت دادن در همه عقود صحیح است مانند بیع اما در صلح، صحیح نیست (که در صلح هم صحیح است). (مسئله ۱۰ وکالت)

۵- گزینه ۲ درست است. طبق این عبارت: «درموکل و وکیل شرط است که بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشند و در کار مورد وکالت، تصرف موکل جایز باشد و منع نداشته باشد» در نتیجه سفیه و ورشکسته که نسبت به تصرفات مالی محجور هستند نمی توانند وکیل بگیرند و صغیر و مجنون و مکره نیز حق وکالت ندارند، اما صغیر ممیز فقط در اجرای صیغه عقد می تواند وکیل باشد. (مسئله ۲ کتاب وکالت تحریرالوسیله)

۶- گزینه ۳ درست است. ترجمه عبارت: برای وکیل جایز نیست که دیگری را در واقع ساختن آنچه که در آن وکالت دارد- نه از طرف خودش و نه از طرف موکل- وکیل نماید مگر با اذن او و با اذن او هر دو قسم آن جایز می باشد. (مسئله ۱۹ وکالت)

۷- گزینه ۲ درست است. اگر میان وکیل و موکل در اصل وقوع عقد وکالت اختلاف شود، قول منکر عقد مورد قبول است چون اصل بر عدم وقوع عقد است. اگر اختلاف آنها بر سر تلف مال یا تفریط وکیل باشد، اصل بر عدم تفریط است و در نتیجه قول وکیل مورد قبول است. اگر اختلاف بر سر پرداخت مال به موکل باشد، اصل بر عدم پرداخت است و قول موکل مورد قبول است. (مسئله ۳۹ کتاب وکالت تحریرالوسیله)

۸- گزینه ۳ درست است. ترجمه عبارت: جایز است که دو نفر و بیشتر در یک چیز از طرف یک نفر وکیل شوند؛ پس اگر موکل صریحا آنها را منفردا وکیل نماید یا کلام موکل ظهور عرفی در انفراد داشته باشد که باید متابعت شود، برای هر کدام از آنها جایز است که در تصرف مستقلا و بدون مراجعه به دیگری عمل نمایند. وگرنه برای هیچ یک از آنها انفراد در عمل مورد وکالت جایز نیست و لو اینکه دیگری غایب یا عاجز باشد- چه به انضمام و اجتماع تصریح کرده باشد یا مطلق گذاشته باشد به اینکه مثلا بگوید: «وکالت دادم به شما» یا «شما دو وکیل من هستید» و مانند اینها- و اگر یکی از آنها بمیرد وکالت به طور کلی در صورتی که اجتماع را شرط کرده یا اطلاقی باشد که به حکم شرط اجتماع باشد، باطل می شود و وکالت شخص باقی مانده- اگر منفردا وکیل شده- باقی می ماند. (مسئله ۲۱ وکالت)

۹- گزینه ۳ درست است. طبق این عبارت: آنچه درباره وکیل و موکل در ابتدای عقد شرط است در ادامه عقد نیز شرط است پس اگر وکیل یا موکل، دیوانه شوند یا بیهوش شوند یا در کار مورد وکالت محجور شوند، وکالت باطل می شود. (مسئله ۶ کتاب الوکاله تحریرالوسیله)

۱۰- گزینه ۱ درست است. ترجمه: اگر وکیل بپرسد: من وکیل تو در فروش خانه ات هستم و موکل بگوید: بله، صحیح است. توالی عرفی در وکالت شرط نیست و با معاطات و به صورت کتبی واقع می شود. اما ترجمه گزینه ۴: هرگاه هلال ماه دیده شد، تو وکیل من در فلان چیز هستی که عقد وکالت معلق شده در حالی که باید منجز باشد و اصل عقد نمی تواند به شرط یا وصف معلق باشد، اما متعلق عقد و مورد وکالت می تواند معلق باشد مانند تو وکیل من در فروش خانه ام هستی که وقتی هلال ماه دیده شد، آن را بفروشی. (مقدمه و مسئله ۱ وکالت)

۱۱- گزینه ۱ درست است. طبق این عبارت: در کار مورد وکالت شرط است که قابل واگذاری به غیر باشد به این صورت که در آن عمل انجام مستقیم کار از سوی موکل، شرط نباشد. در نتیجه وکالت در عبادات بدنی مانند نماز، روزه و حج صحیح نیست هرچند نیابت در این امور ممکن است چون شروط نیابت با وکالت فرق دارد اما در عبادات بدنی مانند خمس و زکات، وکالت امکان دارد. (مسئله ۹ وکالت تحریرالوسیله)

۱۲- گزینه ۴ درست است. ترجمه: «و در موکل شرط است که در آنچه وکالت می دهد، تصرفش در آن جایز باشد؛ پس وکیل گرفتن محجور علیه به خاطر سفاهت یا بی پولی (ورشکستگی) در آنچه که در آن محجور شده صحیح نیست» بر خلاف آنچه در آن محجور نشده مانند طلاق که می تواند دیگری را وکیل کند. (مسئله ۲ وکالت)

۱۳- گزینه ۲ درست است. وکالت عقد جایز است و با مرگ وکیل یا موکل باطل می شود با جنون دائم نیز باطل می شود و در جنون ادواری نیز بنا بر احتیاط باطل می شود همچنین با بیهوشی یا انجام کار مورد وکالت یا انجام عمل منافی مورد وکالت مانند فروش مال یا وقف مالی که وکالت در بیع آن داده توسط موکل. اما بیماری وکیل یا موکل موجب بطلان وکالت نیست. (مسئله ۲۳ کتاب وکالت تحریرالوسیله)

۱۴- **گزینه ۴ درست است.** وکالت کافر و مسلمان و مرتد صحیح است، وکالت سفیه و ورشکسته از سوی کسی که محجور نیست، وکیل گرفتن صغیر جایز نیست مگر در اموری که جایز است انجام دهد مانند وکالت دادن در وصیت بچه ده ساله در امور معروف پسندیده. (مسئله ۳ و ۴ و ۵ وکالت)

۱۵- **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: کدام عبارت درباره شرایط وکیل و موکل درست نیست؟ گزینه ۱: در موکل شرط است که در آنچه وکالت می دهد، تصرفش در آن جایز باشد. گزینه ۲: در وکیل شرط است که تمکن عقلی و شرعی داشته باشد که خودش در آنچه که وکالت پیدا کرده انجام دهد گزینه ۳: در موکل شرط است که واقع ساختن مورد وکالت برایش و لو به تسبیب جایز باشد. گزینه ۴: در وکیل شرط است که در آنچه وکالت می دهد، جایز التصرف باشد. (اما در موکل شرط است نه در وکیل چون ممکن است وکیل ورشکسته باشد و جایز التصرف نباشد اما موکل ورشکسته نباشد). (همان)

۱۶- **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: «در آنچه که در آن وکالت داده می شود شرط است که ذاتا جایز باشد» و موکل بر انجام آن شرعا قدرت داشته باشد، پس در معصیتها مانند غصب و دزدی و قمار و مثل آنها و بر فروش مال دیگری بدون آنکه ولایتی بر آن داشته باشد، وکیل گرفتن صحت ندارد، و قدرت داشتن بر مورد وکالت در خارج- با اینکه وقوع آن از او شرعا صحیح است- معتبر نیست؛ پس برای کسی که توانایی گرفتن مالش را از غاصب ندارد، جایز است که کسی را که بر انجام آن قدرت دارد، وکیل نماید. (مسئله ۷)

۱۷- **گزینه ۲ درست است.** ترجمه: «اگر شرعا یا عقلا بر واقع ساختن چیزی تمکن نداشته باشد مگر بعد از پیدا شدن چیزی که در وقت وکالت دادن حاصل نیست.» یعنی وکالت در کاری که انجامش مقدمه ای دارد در حالی که مقدمه اش فراهم نیست، صحیح نیست مگر اینکه ابتدا وکالت در مقدمه و سپس در خود عمل بدهد یعنی گزینه ۲ یا به طور کلی وکالت در همه امور بدهد. اما در سایر موارد مانند گزینه ۱ و ۳ و ۴ صحیح نیست. (مسئله ۸ وکالت)

۱۸- **گزینه ۴ درست است.** ترجمه: «وکالت در عبادات مالی صحیح است اما در مالی صحیح نیست» شرط است که مورد وکالت قابل واگذاری به دیگری باشد؛ به اینکه مباشرت خود موکل در آن شرط نباشد. پس اگر عملی را قبول کند که مقید به مباشرت خود موکل باشد توکیل در آن صحیح نیست و اما توکیل در عبادت های بدنی مانند نماز و روزه و حج و غیر اینها صحیح نیست اگر چه فرضا نیابت در آنها از زنده صحیح باشد مانند حج از شخص عاجز، یا از میت مانند نماز و غیر اینها؛ زیرا شروط نیابت با وکالت فرق دارد، ولی وکالت در عبادت های مالی مانند زکات و خمس و کفارات در خارج کردن آن از بقیه اموال و رساندن به مستحق صحیح است. (مسئله ۹ وکالت)

۱۹- **گزینه ۳ درست است.** زیرا وکالت در همه عقود و ایقاعات به طور کلی صحیح است حتی در رجوع از طلاق نیز جایز است، البته به شرطی که وکالت در رجوع به گونه ای نباشد که نفس وکالت، رجوع شمرده شود و در قبض و اقباض نیز در موارد لزوم مانند رهن و قرض و صرف نسبت به عوض و معوض، و سلم نسبت به ثمن، و در وفا نمودن دین ها و استیفای آنها و غیر اینها جایز است و در حیات مباحات مال حیات شده توسط وکیل به ملکیت موکل در می آید. اما در شهادت و سوگند و لعان و اقرار و ایلاء وکالت دادن صحیح نیست. توکیل در طلاق جایز است- شوهر حاضر باشد یا غائب- بلکه وکیل نمودن زوجه در طلاق به اینکه او خودش را طلاق دهد یا دیگری را از طرف شوهر یا از طرف خودش، وکالت دهد. جایز می باشد. یعنی زن وکیل در طلاق خودش یا وکیل گرفتن در طلاق باشد. (مسئله ۱۰ تا ۱۳ وکالت)

۲۰- **گزینه ۳ درست است.** ترجمه: «تو وکیل منی در فروش یکی از ملکهایم یا در فروش ملکم» تصرف، خاص است چون کار مشخص یعنی بیع بیان شده و متعلق، مطلق است زیرا آنچه باید بیع روی آن انجام شود، «أحد» و «ملک» است که مفرد و مطلق است. (مسئله ۱۵، کتاب وکالت)

۲۱- **گزینه ۱ درست است.** زیرا شرط است که مورد وکالت تعیین شود، به اینکه مجهول یا مبهم نباشد؛ (لا تصح الوکاله المجهول و المبهم) پس اگر بگوید: «به تو در یکی از کارها وکالت دادم» صحیح نیست ولی عمومیت دادن و اطلاق آن اشکالی ندارد. گزینه ۱: مبهم است، تو در کاری از کارها وکیل منی. گزینه ۲: تو در همه امور وکیل منی که وکالت عام است از جهت تصرف (کاری که وکیل باید انجام دهد) و متعلق آن (مورد وکالت) گزینه ۳: تو را در تصرف در مالم وکیل کردم که مطلق است از جهت تصرف و متعلق. ۴: تو را در خرید این خانه مشخص وکیل کردم که از جهت تصرف و متعلق خاص است. (مسئله ۱۴ و ۱۵)

۲۲- **گزینه ۲ درست است.** تصرف یعنی کاری که باید انجام شود و متعلق یعنی مورد وکالت. گزینه ۱ متعلق خاص (دار) و تصرف مطلق است چون به صورت مفرد و بدون ادات عام وکالت داده در بیع خانه که به نسبت بها یا شخص معین مطلق است. (اگر ادامه جمله یعنی مقید به ثمن و شخص را نیاورده بود می توانست مثال برای وکالت خاص از جهت تصرف و متعلق باشد) گزینه ۲ تو وکیل در بیع این خانه یا این چهارپا یا این فرش که تصرف خاص (بیع) و متعلق تخییری است. گزینه ۳ تو وکیل در بیع یا صلح یا هبه یا اجاره خانه ام که متعلق خاص (خانه) اما تصرف آن تخییری است. گزینه ۴ تو وکیل منی در همه تصرفات ممکن در خانه مشخص (متعلق خاص و تصرف عام است). (مسئله ۱۵ وکالت)

۲۳- **گزینه ۴ درست است.** «وکیل در تصرف در مورد وکالت باید اکتفا کند به آنکه عقد وکالت به طور صریح و ظاهر شامل آن شود، و لو به کمک قرائن حال یا گفتار، اگر وکیل مخالفت کند و کاری را انجام دهد که عقد وکالت شامل آن نباشد پس اگر چیزی باشد که فضولی در آن جاری است مانند عقدها، صحت آن بر اجازه موکل توقف دارد.» اگر به خارج وصف بفروشد در صورتی صحیح است که عرف حکم به صحت بدهد مانند وکالت در بیع به ۱۰۰ داده و وکیل به ۱۲۰ بفروشد. مگر اینکه غرضی عقلائی در نظر موکل بوده مانند فروش ارزان به شخص مشخص. (مسئله ۱۶ و ۱۷)

۲۴- **گزینه ۱ درست است.** ترجمه عبارت: اگر او را در فروش کالا یا خریدن کالایی وکالت دهد پس اگر تصریح کند که فروش و خرید از دیگری باشد یا به چیزی که خود او را بگیرد، اشکالی ندارد. و اگر مطلق بگذارد و بگوید: «تو وکیل من هستی که این کالا را بفروشی یا فلان کالا را برای من بخری» آیا خود وکیل را شامل می شود تا جایز باشد که کالا را به خودش بفروشد یا کالا را از خودش برای او بخرد؟

- یا نه؟ دو وجه بلکه دو قول است که اقوای آنها اول است. (البته در ادامه مسئله ۳۸ امام می گوید: و احوط آنها دوم است، یعنی در اطلاق عقد، وکیل حق معامله با خود را ندارد، اما به نظر می رسد، طراح ادامه مسئله را مدنظر نداشته است.)
- ۲۵- گزینه ۴ درست است.** اگر وکیل دوم، وکیل از طرف موکل باشد در عرض وکیل اول می شود (وکیل دوم از حیث وکالت با وکیل اول یکسان می شود)، پس وکیل اول حق ندارد او را عزل نماید و با عزل شدن اولی (دومی) عزل نمی شود بلکه اگر وکیل اول بمیرد وکالت دومی به حالش باقی می ماند. ولی اگر وکیل دوم از طرف اولی وکیل باشد (وکیل اول) حق دارد او را عزل کند و وکالتش تابع وکالت اولی است پس به عزل شدن اولی یا به مرگ او، (دومی نیز) عزل می شود. و بعید نیست که موکل حق داشته باشد که بدون آنکه اولی را عزل کند، دومی را عزل نماید. ترجمه ۴: اگر وکیل دوم وکیل از سوی موکل باشد، موکل حق عزل او را بدون عزل وکیل اول را دارد. مسئله ۲۰ وکالت)
- ۲۶- گزینه ۲ درست است.** عقد وکالت از دو طرف جایز است؛ پس وکیل حق دارد خود را در حضور موکل یا در غیاب او، عزل نماید. و همچنین موکل حق دارد او را عزل نماید؛ لیکن عزل شدن او به عزل کردن موکل، مشروط است که خبرش به وکیل برسد، پس اگر عزل وکیل را انشا کند ولی وکیل اطلاعی از آن نداشته باشد عزل نمی شود. بنابراین، اگر وکیل انجام دهد امری را که مورد وکالت بوده قبل از آنکه خبر عزلش را بشنود و لو به خبر دادن شخص موثق، نافذ می باشد. (مسئله ۲۲ وکالت) گزینه ۱: موکل حق عزل وکیل را دارد و وکیل با نفس عزل، عزل نمی شود بلکه باید قبول کند که نادرست است. گزینه ۲: وکیل می تواند خودش را در حضور یا غیبت موکل عزل کند. گزینه ۳: اگر وکیل امری را پس از عزل موکل امضا کند نافذ نیست. در حالی که تا وقتی خبر عزل نرسیده، نافذ است. گزینه ۴: اگر وکیل کاری را انجام دهد بعد از عزل و رسیدن خبر نافذ است. در حالی که نافذ نیست.
- ۲۷- گزینه ۴ درست است.** چون وکالت با ارتداد باطل نمی شود. اما وکالت به مرگ وکیل و همچنین باطل می شود اگر چه وکیل مرگ او را نداند. و بنابر اقوی به پیدا شدن دیوانگی مستمر و بنابر احتیاط در غیر چنین دیوانگی (مثلا ادواری) و بنابر احتیاط به بیهوشی هر یک از اینها و به تلف شدن آنچه وکالت به آن تعلق گرفته است و به انجام دادن موکل و لو به واسطه آنچه را که مورد وکالت است باطل می شود؛ کما اینکه به او وکالت بدهد که کالایش را بفروشد، سپس خودش آن را بفروش برساند یا کاری انجام دهد که با وکالت منافات داشته باشد، مثل اینکه او را در فروش چیزی وکیل نماید سپس خودش آن را وقف نماید. (مسئله ۲۳ وکالت)
- ۲۸- گزینه ۱ درست است.** ترجمه: اگر او را وکالت دهد که طلبش را از زید بگیرد پس جهت مطالبه آن نزد زید برود و زید به او بگوید: «اینها را عوض از دینی که برای فلانی مطالبه می کنی بگیر» او هم آنها را بگیرد برای موکل گرفته است و ذمه زید بری می شود و زید حق استرداد را ندارد. گزینه ۲: وکیل زید در ادای دین می شود و درهم ها در ملک زید باقی می ماند. گزینه ۳: برای موکل گرفته است و ذمه زید بری می شود و زید حق استرداد را دارد. گزینه ۴: وکیل زید در ادای دین می شود و درهم ها در ملک زید باقی نمی ماند.
- ۲۹- گزینه ۳ درست است.** برای هر یک از «مدعی» و «مدعی علیه»، توکیل در خصومت و مرافعه جایز است بلکه برای صاحبان مروت از اهل شرف و منصب های بزرگ مکروه است که خودشان متولی منازعه و مرافعه شوند. (مسئله ۲۴ وکالت)
- ۳۰- گزینه ۱ درست است.** وظیفه وکیل مدعی این است که نزد حاکم بر مدعی علیه تشریح دعوی نموده و اقامه بینه بر اثبات دعوی نماید و تعدیل آن کند و منکر را قسم دهد و طلب حکم بر طرف دعوا یعنی منکر نماید. و خلاصه هر چیزی که وسیله اثبات دعوی است انجام دهد و وظیفه وکیل مدعی علیه این است که دعوی را انکار نموده و شهود را مورد طعن و خدشه قرار دهد و اقامه بینه جرح و مطالبه حاکم به شنیدن آن و حکم به آن نماید و خلاصه باید تا جایی که ممکن است در دفع دعوی کوشش کند. (مسئله ۲۵ وکالت) گزینه ۲ نادرست است چون تعدیل بینه خواهان وظیفه اوست. گزینه ۳ هم خودش باید گواهی بر عدالت بینه بیاورد. گزینه ۴ هم طرح دعوا و اقامه شهود باید باشد.
- ۳۱- گزینه ۲ درست است.** ترجمه: کسی که وکیل در خصومت است اختیار صلح از حق یا ابرای از آن را ندارد مگر اینکه به خصوص در این هم وکیل باشد.
- ۳۲- گزینه ۴ درست است.** جایز است که دو نفر و بیشتر را در خصومت، وکیل نماید مانند سایر امور؛ پس اگر به استقلال هر یک از آنها تصریح نکرده باشد و در کلام او ظهوری برای آن نباشد هیچ کدام آنها در عمل مستقل نیستند بلکه با هم مشاورت کرده و همدیگر را روشن و آگاه می نمایند و در آنچه که به آنها سپرده شده همدیگر را تقویت و کمک می نمایند. (مسئله ۲۹ وکالت) وکالت اگر به صورت تصریح به اجتماعی یا مطلق باشد، باید به صورت اجتماعی عمل کنند.
- ۳۳- گزینه ۳ درست است.** اثبات وکالت گزینه ۱: شخصی فردی را به عنوان وکیل در دعاوی نزد حاکم انتخاب کند. ۲: شخصی ادعای وکالت نزد حاکم کند و بر وکالتش بینه بیاورد. ۳: ادعای وکالت بدون بینه کند و طرف دعوایی بیاورد و او را در وکالتش تصدیق نکند. ۴: ادعای وکالت نزد حاکم کند و موکل او را تصدیق کند. (مسئله ۳۰ وکالت)
- ۳۴- گزینه ۴ درست است.** زیرا گزینه ۱: اگر او را در دعوی و ثابت کردن حقی بر خصم (طرف دعوا) وکیل نماید، بعد از اثبات آن، حق قبض حق را ندارد، پس محکوم علیه حق دارد از تسلیم آنچه که بر او حکم شده، به وکیل خودداری کند. (مسئله ۳۱) گزینه ۲: اگر او را در استیفای حقی که او بر دیگری دارد وکیل نماید، پس کسی که حق بر عهده اش است او را انکار کند، وکیل حق ندارد که با او مخاصمه و مرافعه کند و اثبات حق بر علیه او بنماید مادامی که در خصومت، وکیل نباشد. (مسئله ۳۲) گزینه ۳: اگر او را در گرفتن طلبش از شخص وکیل نماید پس قبل از ادای آن بمیرد حق ندارد از ورثه او مطالبه نماید، مگر اینکه وکالت شامل آن باشد. (مسئله ۳۴) گزینه ۴: اگر به او وکالت دهد که مالی را ودیعه بگذارد، و او هم بدون گرفتن شاهد آن را ودیعه بگذارد، سپس ودعی (ودیعه گیرنده) آن را انکار نماید، وکیل ضامن آن نمی باشد، مگر اینکه او را وکالت داده باشد که با گرفتن شاهد ودیعه بگذارد و وکیل مخالف آن عمل نماید. و همچنین اگر او را در قضای دینش وکیل نماید او هم آن را بدون گرفتن شاهد ادا کند و طلبکار آن را انکار کند. (مسئله ۳۷) که در گزینه به اشتباه می گوید: «یضمنه» یعنی ضامن است.



وکالت توربو

جمع بندی و حل تست آمادگی آزمون وکالت

مّوّن فقه

تحریر الروضه (ویژه آزمون مرکز وکلا)

دکتر گلستان رو

- ۱- گزینه ۲ درست است. موضوع تجارت سه نوع است، حرام، مکروه و مباح
- ۲- گزینه ۲ درست است. آن چه که با آن می توان کسب کرد یعنی موضوع تجارت سه قسم است: مکروه، مباح و حرام. چون آن چیزی که با آن کسب می شود یا به آن نهی تعلّق گرفته است، یا نهی تعلّق نگرفته است، اگر نهی تعلّق نگرفته باشد، مباح است و اگر نهی تعلّق گرفته باشد یا نهی مانع از نقیض است که آن حرام است و یا مانع از نقیض نیست که به آن مکروه گویند.
- ۳- گزینه ۲ درست است. موضوع تجارت سه نوع است، حرام، مکروه و مباح
- ۴- گزینه ۱ درست است. فروش سگ گله «ماشیه» جایز است. فروش مدفوع و ادرار اگر از حیوان حلال گوشت باشد، جائز است، فروش زره و کلاه خود در حکم فروش اسلحه به دشمنان دین نیست. اما فروش بُت مانند صلیب جائز نیست.
- ۵- گزینه ۴ درست است. کتابت برای ظالمین اگر در جهت ظلم آن ها باشد، حرام است، یاد گرفتن سحر حرام است اما برای محافظت در برابر ساحران حرام نیست. حفظ کتاب های گمراه کننده حرام است اما در جهت نقض مطالب آن ها حرام نیست. مرد خود را با طلا آرایش کند هرچند اندک باشد حرام است.
- ۶- گزینه ۴ درست است. گزینه ۱ یعنی درباره مومن مطالبی بیان شود که اگر بشنود، ناراحت می شود. گزینه ۲ تعریف هجو است: گفتن معایب مردم به صورت شعر و فرقی بین مومن و فاسق نیست. گزینه ۳: یاد دادن راه استدلال به یکی از طرفین است که به طرف دعوا غلبه کند. گزینه ۴: یعنی شهادت بر علیه کسی که فعل حرامی را مرتکب شده است، غیبت نیست.
- ۷- گزینه ۲ درست است. کهنات، عملی است که موجب به اطاعت درآوردن بعضی از اجنه می شود تا اوامر شخص را انجام دهد.
- ۸- گزینه ۲ درست است. اخذ اجرت بر غسل دادن میت و کفن کردن او و دفن و نماز خواندن بر او و حمل او تا غسل خانه و قبر حرام است، اما انجام چیزی که مستحب است، مثل نظافت میت و وضو دادن میت، را می توان با گرفتن اجرت انجام داد.
- ۹- گزینه ۳ درست است. تجارت به معنی کسب کردن، پنج قسم است: واجبات و مکروهات و مباحات و محرمات و مستحبات خواهد شد.
- ۱۰- گزینه ۲ درست است. چون غسل و کفن و دفن و نماز و حمل میت به قبر و غسلخانه، واجب کفایی است، اخذ اجرت بر واجبات حرام است، اما امور مستحب مانند پاک کردن میت و وضو دادن او، اگر برایش اجرت بگیرد، جایز است.
- ۱۱- گزینه ۳ درست است. در زمان صلح اشکالی ندارد.
- ۱۲- گزینه ۴ درست است. معامله با برخی اشخاص باید ترک شود یعنی مکروه است، «محارفین» یعنی کم روزی و بدشانس، که در کسب و کارشان برکت نیست. «ادنین» انسان پست که خوبی او را شاد نمی کند و بدی او را ناراحت نمی کند و چیزهای کوچک را حساب می کند. (گزینه ۳) «موفین» یعنی دارای نقص و بیماری در بدن (گزینه ۲)
- ۱۳- گزینه ۱ درست است. مشتری در صورتی که مالک اصلی عقد فضولی را اجازه ندهد، حق رجوع به بایع را دارد تا ثمن خود را پس بگیرد، البته اگر ثمن باقی باشد و در این حالت فرقی هم ندارد که می دانسته است که بایع مالک اصلی نمی باشد یا نمی دانسته است، مشتری نسبت به خسارت هایی که به او وارد شده است هم حق رجوع به بایع را در صورتی که جاهل به مالک نبودن بایع یا عدم اذن او از مالک داشته باشد را دارد. اما گزینه ۲ گفته ندارد، و در گزینه ۳ چون حق رجوع برای مشتری در صورت باقی بودن ثمن قرار نداده است، نادرست است. اما گزینه ۴ نادرست است، چون در صورت عالم بودن، مشتری حق رجوع به بایع برای گرفتن خسارت را ندارد.
- ۱۴- گزینه ۳ درست است. اگر درهم و دیناری را به دو پیراهن بفروشد و بعد مشخص شود که درهم برای دیگری بوده است و مالک آن را اجازه ندهد. برای مشتری به واسطه خیار تبعض الصفقة یعنی جایی که دو کالا بخری و یکی از آن ها برای دیگری باشد، حق فسخ وجود دارد.
- ۱۵- گزینه ۳ درست است. چون به نظر شهید ثانی تقاص کننده هم می تواند مال را به خودش بفروشد چون ادله عام هستند. در گزینه ۱: شخص مستودع می تواند از مالی که نزد او امانت است، بدهی خود را بردارد. دو گزینه دیگر نادرست است چون تقاص ربطی به حاکم یا بینه ندارد.
- ۱۶- گزینه ۴ درست است. اگر مشتری مبیع مجهولی را قبض کند، بیع باطل بوده است و به دلیل قاعده: «کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده و بالعکس» ضامن است. یعنی هر عقدی که صحیح آن ضامن آور است فاسد آن هم ضامن آور است.
- ۱۷- گزینه ۱ درست است. فروختن جزء معلومی از یک کل اگر کل معلوم باشد به صورت مشاع صحیح است، گزینه ۲: اگر پیمانۀ ای از کپه گندم را بفروشد، باطل است هر چند که که گندم معلوم نباشد، اما باید بگوید، صحیح است. گزینه ۳: اگر کسی یک گوسفند نامعین از گوسفندان گله ای را بخرد، صحیح است اما باید بگوید باطل است. گزینه ۴: اگر جنس شمارشی را وزن کند، باطل است اما صحیح است چون، وزن اصل است.
- ۱۸- گزینه ۴ درست است. فروش ماهی در نيزار باطل است، فروش شیر در پستان باطل است. فروش پوست ها و پشم ها و موها بر بدن چهارپا نیز باطل است، چون مقدار آنها مجهول است.
- ۱۹- گزینه ۲ درست است. معامله با مکروه به گونه ای که اصلاً قصد ندارد یعنی اکراه مادی، موجب بطلان است، مانند معامله با مست است. (سکران یعنی مست) معامله با اکراه معنوی مانند فضولی است و غیر نافذ است.
- ۲۰- گزینه ۱ درست است. برای همه اولیای عقد، جایز است که دو طرف عقد را بر عهده بگیرند، مگر تقاص کننده که طلب دارد اما بدهکار، منکر طلب است یا می گوید: نمی دهم. گزینه ۲: امین حاکم است و مقاص به منزله حاکم است.
- ۲۱- گزینه ۱ درست است. نماء یعنی افزوده میان عقد و اجازه بایع در بیع فضولی متعلق به مشتری است زیرا کاشف از صحت عقد از زمان وقوع است.
- ۲۲- گزینه ۳ درست است. بر عهده گرفتن دو طرف عقد جایز است مگر وکیل و تقاص کننده که وکیل با اذن موکل می تواند.



- ۲۳- گزینه ۴ درست است. چون همان طور که بیع از سوی مالک صحیح است از سوی قائم مقام آن هم صحیح است که شش دسته هستند، پدر، جد پدری، وصی، وکیل، حاکم، امین حاکم و مقاص در حکم حاکم است.
- ۲۴- گزینه ۴ درست است. نماء یعنی افزوده در خلال فاصله عقد و اجازه از آن مشتری است و افزوده ثمن معین از آن بایع است که نشان می دهد اجازه کاشف است و عقد بیع تملیکی است.
- ۲۵- گزینه ۳ درست است. در مبیع شرط است که آزاد باشد پس بیع مال وقفی صحیح نیست.
- ۲۶- گزینه ۱ درست است.
- ۲۷- گزینه ۲ درست است. در لزوم بیع شرط است که هر یک از طرفین عقد، مالک باشند به خاطر آنچه از عوض منتقل می شود، پس اگر مالک نباشد، عقد متوقف بر اجازه مالک است.
- ۲۸- گزینه ۱ درست است. بیع مباحات پیش از حیات صحیح نیست، چون یکی از شرایط بیع این است که در آن هنگام مالک نیست. گزینه ۱: بیعی نیست مگر در ملک، دیگر گزینه ها درست نیستند.
- ۲۹- گزینه ۳ درست است.
- ۳۰- گزینه ۴ درست است. بیع گوسفند و خوک مصداق بیع قابل تملک و غیر قابل تملک است، باید ضمه بگیرد.
- ۳۱- گزینه ۴ درست است. اگر قفیزی (پیمانه) از یک کپه گندم را بفروشد صحیح است، هر چند مقدار کل کپه معلوم نباشد، اگر کم باشد، نسبت به مقدار معلوم صحیح است و نسبت به مابقی آن، باطل است، پس خيار تبعض صفقه ایجاد می شود.
- ۳۲- گزینه ۳ درست است. چون در قسمتی که ملک خودش است، صحیح است و در قسمتی که ملک غیر بوده و اجازه نداده، باطل است.
- ۳۳- گزینه ۲ درست است. شرط است که نسبت به مقدار و جنس و وصف ثمن علم داشته باشد، پس علم تفصیلی و دقیق لازم است.
- ۳۴- گزینه ۳ درست است. چون بیع مال دیگری در صورتی باطل است که مالک اجازه ندهد، پس به کلی باطل نیست ولی اگر اجازه نداد، نسبت به مال خودش درست است، به مال دیگری باطل است.
- ۳۵- گزینه ۲ درست است. مشتری نیز در صورتی که عین ثمن باقی باشد، برای دریافت آن به بایع فصولی مراجعه می کند، خواه از فصولی بودن معامله آگاه باشد یا نباشد؛ اما اگر ثمن تلف شده باشد، نظر بیشتر فقها این است که مشتری با وجود علم به این که فروشنده، مالک یا وکیل مالک نیست، حق رجوع به ثمن را ندارد؛ زیرا مشتری با علم به استحقاق بایع فصولی نسبت به مبیع، او را بر اتلاف ثمن مسلط کرده است، بلکه ظاهر عبارت ایشان، عدم امکان رجوع در صورت علم و جهل است. (قاعده اقدام، چون علم داشته خودش اقدام به ضرر خودش کرده است).
- ۳۶- گزینه ۳ درست است. شهرنشین، وکالت بادیه نشین را که بیگانه می باشد و به شهر آمده است نپذیرد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: شهری نباید از روستایی وکالت کند؛ مردم را به حال خود بگذارید؛ خداوند روزی بعضی را توسط بعضی دیگر تأمین می نماید.
- ۳۷- گزینه ۲ درست است. از آداب فروش آن است که مساوات میان طرفین در انصاف باید رعایت شود و لذا نباید میان کسی که چانه می زند و غیر او فرق گذاشت.
- ۳۸- گزینه ۲ درست است. امام صادق (ع) می فرماید: هر گاه به مردی بگویند، نزد من بیا که معامله خوب با تو خواهم کرد، حرام است از او سود بگیرد، منظور از حرمت کراهت شدید است.
- ۳۹- گزینه ۴ درست است. «ادنین» انسانهای پست که چیزهای کوچک را هم حساب می کنند و خوبی و بدی به آنها برایشان فرقی ندارد، «محارفین» یعنی کم روزی و بدشانس که در کسب و کارشان برکت نیست، «موفین» یعنی دارای آفت و نقص در بدنشان.
- ۴۰- گزینه ۳ درست است. به پیشواز کاروان تجاری که به سوی شهر می آید، نروند تا با قیمت کمتری بخرند.
- ۴۱- گزینه ۳ صحیح است. بیع میوه پیش از ظهور جایز نیست و پس از آشکار شدن صلاحیت جایز است و قبل از آشکار شدن صلاحیت و بعد از ظهور مکروه است و بیع سبزی بعد از بسته شدن به یک چین و چند چین جایز است.
- ۴۲- گزینه ۴ درست است. صرف خرید و فروش طلا و نقره (أثمان) در برابر هم است و قبض و اقباض در مجلس عقد شرط است.
- ۴۳- گزینه ۱ درست است. صرف در اصطلاح عبارت است از خرید و فروش طلا و نقره در برابر هم.
- ۴۴- گزینه ۴ درست است. اگر بخشی از ثمن یا مثن به قبض دربیاید، بیع نسبت به همان مقدار صحیح است و نسبت به مقداری که قبض نشده است، باطل است، اما در هر حال اگر طرفین در به قبض دادن ثمن و مبیع کوتاهی نکرده باشند، برای هر دو حق فسخ است به دلیل تبعض صفقه
- ۴۵- گزینه ۴ درست است. در صورتی که هیچ یک از طرفین در قبض مبیع و ثمن کوتاهی نکرده باشند، هر دو در فسخ و اجازه مخیر می باشند، چون معامله تبعیض شده است.
- ۴۶- گزینه ۳ درست است. وکیل در بیع صرف اگر وکیل در قبض مال باشد، در آن صورت جدا شدن طرفین عقد ملاک می باشد اما اگر وکیل در بیع صرف باشد، در آن صورت قبض قبل از جدا شدن وکیل از مجلس عقد شرط است، گزینه ۴ برعکس گفته است. گزینه ۲ و ۱ نیز به طور مطلق جدایی طرفین یا وکیل را گفته که نادرست هستند.
- ۴۷- گزینه ۴ درست است. عقد به وکالت از مالکین انشا شود یعنی وکیل در عقد هستند، پس خواه وکیل در قبض باشند یا نباشد، ملاک جدایی طرفین عقد است که دو وکیل هستند، چه وکیل در قبض باشند چه نباشند.
- ۴۸- گزینه ۲ درست است. در بیع صرف قبض و اقباض در مجلس عقد شرط است یا طلبکار که همان مشتری است، رضایت دهد به آنچه درذمه مدیون است یعنی بایع که مال قبض شده باشد، یعنی جایی که دائن یا همان طلبکار، به مدیون وکالت می دهد که مال قبض شده باشد.



۴۹- گزینه ۱ درست است. تقابض در مجلس عقد، یا در کنار هم بودن طرفین عقد به شکل متعارف در هنگام راه رفتن تا زمان قبض، اگرچه مجلس عقد را ترک کرده باشند شرط شده است و با آن که مشتری رضایت دهد به این که آنچه بر ذمه دیگری یعنی بایع مدیون است، به استناد وکالتی که او در قبض مافی الذمه به بایع می دهد، قبض شده محسوب گردد و این رضایت، در صورتی است که مشتری کسی باشد که بر ذمه بایع، طلا یا نقره ای دارد، سپس در برابر آنچه که از بایع طلبکار است، طلا یا نقره دیگری را از او خریداری می کند؛ در این صورت، ثمن حکم مقبوض را پیدا میکند. برای مثال، زید بر ذمه عمرو، یک دینار طلب دارد و در ازای آن یک دینار، مبادرت به خرید ده درهم بر ذمه عمرو می کند (و او را وکیل می کند تا ده در همی را که بر ذمه است و از طرف او قبض نماید؛ یعنی رضایت می دهد که بر ذمه عمرو، ده درهم باشد (نه یک دینار) در اینجا بیع و قبض به طور صحیح واقع شده است).

۵۰- گزینه ۴ درست است. بیع سلف به معامله کالای مدت دار به بهای نقد گفته می شود و مشتری میتواند هنگام رسیدن مدت و قبل از قبض مبیع، کالا را به فروشنده یا شخص ثالثی بفروشد؛ ولی این کار از نظر شرع، عملی مکروه است.

۵۱- گزینه ۱ درست است. اگر شرط کند قسمتی از ثمن مدت دار باشد، در همه آن، باطل است.

۵۲- گزینه ۳ درست است. اگر آن کالایی که بایع تحویل داده، بهتر از آن کالایی باشد که طبق قرارداد باید میداده، مشتری باید آن را قبول کند؛ ولی اگر بدتر باشد، قبولش بر مشتری واجب نیست.

۵۳- گزینه ۲ درست است. باید کالا در سررسید تحویل، فراوان باشد. (رأس الأجل یعنی سررسید، زمان پرداخت)

۵۴- گزینه ۳ درست است. چون کالا مدت دار است اگر ثمن تحویل نشود، دین به دین است.

۵۵- گزینه ۲ درست است. چون شرط اینکه قسمتی از ثمن مدت دار باشد، باعث بیع دین به دین و بطلان است. در گزینه ۱: اما شرط خوب ترین و پست ترین در بیع سلف، جائز نیست. در گزینه ۳: اگر مبیع هنگام سررسید تحویل نایاب شود، عقد خود به خود فسخ نمی شود، بلکه مشتری میان فسخ و صبر کردن مخیر است. گزینه ۴: در بیع سلف، جائز است که مشتری بعد از رسیدن مدت تحویل مبیع و قبل از قبض، آن را به بایع که بدهکار است یا غیر او بفروشد. (اما در گزینه گفته شده، بدون غیر بایع یعنی به غیر بایع نمی تواند بفروشد)

۵۶- گزینه ۴ درست است. در بیع سلف باید پیش از جدا شدن بایع و مشتری، ثمن تحویل داده شود و یا به حساب دینی که مشتری از بایع طلب دارد، گذاشته شود، بایع را مسلم یا مسلم إليه و مشتری را مسلم و کالا را مسلم فیه می نامند.

۵۷- گزینه ۴ درست است. چون در بیع سلف، مبیع مدت دار است و اگر ثمن هم قرار باشد، مدت دار باشد، بیع دین می شود که باطل است.

۵۸- گزینه ۲ درست است. در بیع سلف فروش مبیع (مسلم فیه) بعد از رسیدن مدت آن (أجل) و قبل از قبض آن (مبیع)، خواه به خود فروشنده، (مسلم إليه) یا غیر آن جائز می باشد.

۵۹- گزینه ۳ درست است. و هرگاه فروشنده کالایی بالاتر از وصف مورد توافق به خریدار (مسلم) بدهد، واجب است قبول کند. ۶۰- گزینه ۲ درست است. هر چیزی که امکان ضبط و تعیین اوصاف آن نیست، پیش فروش در آن ممنوع است مانند گوشت و پوست، به خاطر اینکه تعیین اوصاف آن که در قیمت اثر دارد، دشوار است، چون مهم ترین وصف پوست ضخامت است که نمی توان با توصیف رفع ابهام نمود. (سَمَك، به سکون میم، یعنی ضخامت)

۶۱- گزینه ۱ درست است. بیع تولیه به داد و ستد کالایی بر اساس قیمت تمام شده ی آن برای فروشنده گفته می شود.

۶۲- گزینه ۳ درست است. بیع مَسَاوَمَه معنی داد و ستد کالا بدون اعلام بهای خرید آن از سوی فروشنده است.

۶۳- گزینه ۲ درست است. چون گفته به قیمتی که خریدم و فلان مقدار سود به تو فروختم یعنی مرابحه است و در بیع مرابحه، بایع اگر دروغ بگوید، مشتری میان فسخ آن و یا گرفتن مبیع با همان ثمنی که عقد واقع شده است، مخیر می باشد به دلیل مغرور شدن مشتری و قاعده غرور

۶۴- گزینه ۲ درست است. تشریک، یعنی فروش جزء مشاع از مال به قیمت خرید، بیع تولیه، یعنی فروش مال به همان قیمت خرید، بیع مساومه، یعنی فروش مال بدون آن که مقدار قیمت خرید گفته شود. بیع مواضعه، یعنی فروش مبیع با قیمت کم تر از قیمت خرید.

۶۵- گزینه ۳ درست است. بر مشتری واجب است هرگاه چیزی را به طور مدت دار خریده است، مدت زمان آن را بیان کند. ذکر قیمت های دقیق در همه اقسام بیع لازم است مگر مساومه که فروشنده رأس المال یعنی قیمت خرید را نمی گوید.

۶۶- گزینه ۲ درست است. و آن فروش به همان قیمت خرید است.

۶۷- گزینه ۲ درست است. اگر مبیع در هنگام سررسید نایاب شود، مشتری میان فسخ و صبر کردن و یا گرفتن قیمت کنونی آن مخیر است.

۶۸- گزینه ۳ درست است.

۶۹- گزینه ۳ درست است. در اجناس شمردنی، میان پدر و فرزند و میان زوج و زوجه و میان مسلمان و کافر حربی البته به شرطی که مسلمان مقدار زیادی را بگیرد، یعنی اگر کافر مقدار زیادی را بگیرد، ربا وجود دارد.

۷۰- گزینه ۱ درست است. میان مسلمان و کافر ذمی ربا وجود دارد، در اجناس شمردنی و تقسیم اموال و میان زوج و زوجه ربا نیست.

۷۱- گزینه ۲ درست است.

۷۲- گزینه ۲ درست است.



- ۷۳- گزینه ۱ درست است. ارش مانند نسبت تفاوت دو قیمت از ثمن است، قیمت صحیح منهای قیمت معیوب، تقسیم بر قیمت صحیح ضرب در ثمن پرداختی
- ۷۴- گزینه ۲ درست است. جایز است خیار شرط برای یکی از طرفین عقد و یکی از آن دو یا برای شخص بیگانه از آن دو که ثالث خیار دارد و به عنوان تحکیم است.
- ۷۵- گزینه ۳ درست است.
- ۷۶- گزینه ۲ درست است.
- ۷۷- گزینه ۲ درست است. به ندوشیدن حیوان به انگیزه پر شیر نشان دادن پستان آن هنگام فروش تصریه گفته می شود. تصریه گوسفند و گاو برای پر شیر نشان دادن آنها، تدلیس است.
- ۷۸- گزینه ۱ درست است. مانند اینکه دو کالا را بخرد و برخی مال غیر در آید، خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد، در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ کند یا به نسب قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند.
- ۷۹- گزینه ۳ درست است. خیار مجلس، یعنی این خیار مختص بیع است و با وجود حائل و فاصله میان طرفین عقد، از بین نمی رود.
- ۸۰- گزینه ۳ درست است.
- ۸۱- گزینه ۳ درست است. هرگاه مبیع کلی باشد، و وصف مورد نظر منتفی باشد، گزینه ۱: موجب خیار میان باز گرداندن و نگهداشتن است. گزینه ۲: موجب خیار رویت است. گزینه ۳: موجب خیار نیست بلکه باید بدل آن را بدهد. گزینه ۳: مشتری میان رد و ارش خیار دارد.
- ۸۲- گزینه ۳ درست است. اگر شخصی با اکراه موجب شود که مشتری از بایع جدا شود، اگر این منع شامل منع از اجرای خیار هم باشد، خیار باقی می ماند و اگر اکراه برطرف شود، برای شخص در همان مجلس که اکراه برطرف شده است، حق خیار است.
- ۸۳- گزینه ۴ درست است. جدا شدن طرفین از یکدیگر حتی اگر یک قدم باشد باعث سقوط خیار مجلس است. در گزینه ۱: از مجلس عقد خارج شوند اما کنار یکدیگر هستند یا نزدیکتر از زمان عقد به هم شوند یا وجود حائل هرچند این که غلیظ هم باشد، موجب سقوط خیار مجلس نمی شود.
- ۸۴- گزینه ۲ درست است. خیار شرط تحکیم است نه وکالت دادن، یعنی با اجنبی، طرف عقد، خیار ندارد.
- ۸۵- گزینه ۲ درست است. «مؤامره» یعنی مشورت کردن با دیگری. در این موضوع طرفین یا یکی از طرفین در ضمن عقد شرط می کنند که با دیگری مشورت کنند، حال اگر طرف مشورت دستور به فسخ عقد بدهد، برطرف مشورت کننده، فسخ لازم نیست و اگر دستور به التزام به عقد بدهد، مشورت کننده حق فسخ ندارد، پس مشورت کننده برای التزام به عقد مختار است اما برای فسخ کردن باید حتما دستور مشورت شونده را داشته باشد. پس التزام به عقد متوقف بر امر مشورت شده، نیست و گزینه ۱ نادرست است. مشورت شده مستقیماً حق فسخ یا امضای عقد را ندارد. گزینه ۲ درست است. امر به فسخ واجب نیست اطاعت شود اما گزینه ۳ گفته واجب است که نادرست است. گزینه ۴ نیز مشورت کننده را مجاز به فسخ دانسته حتی با امر مشورت شده به التزام که نادرست است.
- ۸۶- گزینه ۴ درست است. چون در خیار تاخیر ثمن، کالا تحویل نشده و ثمن هم دریافت نشده، سه روز بگذرد بایع حق فسخ دارد اگر تا قبل از قبض مشتری، تلف شود، از مال بایع است به دلیل قاعده: «کل مبیع تلف قبل قبضه من مال بائعه»
- ۸۷- گزینه ۳ درست است. یکی از اقسام خیارات، خیار اشتراط است در جایی که به شرط عمل نشود، شرط کننده، خیار فسخ دارد یعنی کسی که شرط به سود او شده است، خیار اشتراط مشترک میان بایع و مشتری است.
- ۸۸- گزینه ۳ درست است. اگر شرط شود که مبیع در دست بایع و ثمن در دست مشتری تا هر وقت که بخواهند، باشد، این موجب جهل به عوضین می شود، اگر شرط شود که حیوان را آبدستن کند در گزینه ۱ یا شرط کند که زراعت را به سنبل تبدیل شود، از شروط غیرمقدور است و جایز نیست و شرط باطل است. اگر شرط شود زراعت در زمین باشد، تا زمان تبدیل به سنبل شدن، جایز است.
- ۸۹- گزینه ۴ درست است. اگر شرط شود که حیوان را آبدستن کند یا مبیع در دست بایع و ثمن در دست مشتری تا هر وقت که بخواهند یا زراعت را به سنبل تبدیل شود، باطل هستند. اما اگر شرط شود زراعت در زمین باشد، تا زمان تبدیل به سنبل شدن، جایز است.
- ۹۰- گزینه ۴ درست است. در خیار عیب، حق رد ساقط می شود، اگر ایجاد عیب بعد از قبض صورت گیرد، عیبی که ضمان آن بر عهده مشتری است، باشد، با این قید احتراز کرده از جایی که مبیع حیوان باشد و از جانب غیر مشتری در طول سه روز عیب حادث شود چون مانع رد و ارش نیست و بر عهده بایع است.
- ۹۱- گزینه ۴ درست است. در خیار عیب حق رد مبیع با تصرف در مبیع یا حادث شدن عیب بعد از قبض از بین می رود و ارش باقی می ماند و اگر مشتری قبل از عقد علم به عیب داشته باشد، هم حق رد و هم ارش از بین می رود.
- ۹۲- گزینه ۳ درست است. اگر شخصی دو کالا بخرد و یکی از آن ها متعلق به دیگری در می آید. در آن صورت مشتری میان فسخ یا ملتزم شدن به قسمت صحیح در برابر دریافت همان بخش از ثمن، خیار تبعض صفقه است.
- ۹۳- گزینه ۲ درست است. چون غسل و کفن و دفن و نماز و حمل میت به قبر و غسالخانه، واجب کفایی است، اخذ اجرت بر واجبات حرام است، اما امور مستحب مانند پاک کردن میت و وضو دادن او، اگر برایش اجرت بگیرد، جایز است.
- ۹۴- گزینه ۳ درست است. در زمان صلح اشکالی ندارد.